

راه بهشت

افشین گرمی



www.besharat.tv

راه بهشت

(جلد اول)

توسط افشین (مایکل) گرمی

برای دیدن درسهای ویدئویی این کتاب لطفاً به کانال یوتوب زیر مراجعه کنید:

Youtube: Besharat (از من تعلیم یابید)

برای سفارش این کتاب می توانید از طریق ایمیل یا نامه پستی، سفارش خود را برای ما بنویسید.

ایمیل: afshin.germi@yahoo.com

تلفن خارج از کشور: ۶۴۳۸ - ۴۸۸ - ۶۶۱ - ۰۰۱

تلفن داخل آمریکا: ۶۴۳۸ - ۴۸۸ - ۶۶۱

آدرس پستی:

N69W12703 Appleton Ave, Menomonee Falls, WI 53051

مقدمه

این کتاب تقدیم می شود به تمامی فارسی زبانان دنیا که محبوب خداوند هستند. تمامی انسانهای روی زمین محبوب خدا هستند چنانکه در انجیل یوحنا باب سوم و آیه ۱۶ می خوانیم، اما فارسی زبانان بعد از امت بنی اسرائیل دومین امتی هستند که در تمامی کتاب مقدس محبوب خداوند واقع شده اند.

در حالیکه تمامی مردم دنیا از زبانها و ادیان مختلف در جستجوی حقیقت و دستیابی به حیات جاودانی هستند، اما هیچ یک از ادیان غیر از کتاب مقدس حیات جاودان را برای پیروان خود تضمین نمی کند. هیچ یک از بنیانگذاران ادیان مختلف از ابدیت خود مطمئن نبودند و همگی آنها از دنیا رفته اند. اما کتاب مقدس به ما اطمینان می دهد که ما می توانیم صد در صد مطمئن شویم که بعد از مرگ ابدیت خود را در بهشت سپری خواهیم کرد. همه ما انسانها خود را برای سفر آماده می کنیم. بلیط هواپیما تهیه می کنیم، هتل رزرو می کنیم و برنامه ریزی می کنیم که در سفر خود از کدام مکانها بازدید کنیم. ما انسانها باید خود را برای مرگ و ابدیت آماده کنیم. بدون برنامه ریزی ابدیت ما نمی تواند تضمین شود. اما خدا را شکر که کتاب مقدس نقشه رفتن به بهشت را برای ما کشیده و راه بهشت را به ما نشان داده است.

ده درسی که در این کتاب آمده است، راه درست را به شما نشان خواهد داد و درباره راه غلط به شما اخطار خواهد داد. دعا می کنم که دل خود را آماده پذیرش کلام خدا کنید و با مطالعه دقیق هر درس از راه بهشت آگاهی پیدا کنید و با ایمان قلبی آن تنها راه را بپذیرید و راهی بهشت شوید.

هر درس را با دقت بخوانید و آیه هایی که در هر درس داده شده را در کتاب مقدس خود پیدا کرده و بخوانید، تا بیشتر درباره آن درس یاد بگیرید. در پایان هر درس سوالاتی داده شده است که جوابهای آن در داخل خود درس یافت می شود، به جز سوالاتی که از شما نوشتن آیه ای را می خواهد که در اینصورت باید از کتاب مقدس، آیه خواسته شده را بجویید و بنویسید. تمامی آیه های مورد استفاده در این کتاب از نسخه قدیم کتاب مقدس ترجمه فاضل خوانی می باشد.

فهرست مطالب

۱. نگرش کلی به کتاب مقدس.....(1. Overview on the Bible) ... صفحه ۱
۲. احکام و شریعت خداوند.....(2. The Law of God)..... صفحه ۹
۳. انسانها از دیدگاه خداوند.....(3. God's perspective of man) .. صفحه ۱۹
۴. تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال.(4. Heaven by Works) صفحه ۳۰
۵. انجیل راه خداست به بهشت.(5. The Gospel is God's Way) . صفحه ۳۵
۶. آزمودن اسلام از صحت داشتن آن (6. Cross Examining of Islam) صفحه ۵۱
۷. خدای تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟.....(7. Trinity).... صفحه ۶۸
۸. الوهیت عیسی مسیح.....(8. Deity of Jesus Christ)..... صفحه ۷۱
۹. خدای پسر در عهد عتیق.....(9. God the Son in the OT)..... صفحه ۸۸
۱۰. تولد دوباره.....(10. Being Born Again)..... صفحه ۹۴
- برگه بشارتی ایست..... (Stop Tract) صفحه ۹۸

درس ۱: نگرش کلی به کتاب مقدس

مقدمه: هدف از این درس بررسی مقدمات مطالعه کتاب مقدس است. خواندن و عدم درک مفاهیم کتاب مقدس توسط خوانندگانی که مسیحی نیستند، مسئله بسیار متداولی است. در کتاب مقدس اول قرنیتیان ۲: ۱۴ ذکر شده که کسانی که عیسای مسیح را به عنوان نجات دهنده خویش نپذیرفته باشند قادر به درک کامل مطالب کتاب مقدس نخواهند بود، و در نتیجه جملات کتاب مقدس هیچ معنایی برای آنها نخواهد داشت.

من هنوز اولین باری که کتاب مقدس توجه مرا به خود جلب کرد را به خاطر دارم. در آن زمان هنوز به مسیح ایمان نداشتیم، اما بسیار در مورد کتاب مقدس شنیده بودم بنابراین تصمیم گرفتم که آن را بخوانم. روزی کتاب مقدس دوستم را برداشتم و شروع به خواندن آن کردم اما از آنچه می خواندم هیچ چیز متوجه نشدم و از آنجا که ۶۶ مجموعه کتاب در کتاب مقدس وجود دارد حتی نمی دانستم برای خواندن آن باید از کجا شروع کنم.

برای آنکه بتوانیم کتاب مقدس را درک کنیم لازم است برخی موارد ابتدایی را بیاموزیم. ابتدا باید اصول و اساس کتاب مقدس را درک کنیم. بگذارید اینطور به موضوع نگاه کنیم. تصور کنید که شما به یک کشور خارجی که مردمان آن با تمدن امروزی آشنایی ندارند، سفر کرده اید. نزد مردمانی می روید که در جنگل ها و کوهستانها زندگی می کنند و تاکنون از محیط زندگی خود خارج نشده اند و هیچ تماس و تجربه ای از دنیای متمدن امروزی ندارند. کسانی که هرگز در طول زندگانی خویش اتومبیل ندیده اند. با این شرایط فکر می کنید اگر به یکی از آنها بگویید "ما در خانه اتومبیلی داریم که با آن به این طرف و آنطرف می رویم" آیا آنها متوجه می شوند شما از چه چیزی صحبت می کنید؟ البته که نه!

تصور کنید که می خواهید چیزی را برای کسی توصیف کنید که هیچ تصویری از چگونگی آن ندارد. از کجا باید شروع کنید؟ مطمئناً از جزئیات تخصصی مربوط به خودرو مثل انواع مدل های اتومبیل و امکانات موجود در مدل های مختلف مانند تهویه هوا، شیشه بالا بر برقی، روکش چرمی و غیره شروع نمی کنید. در این مرحله این جزئیات هیچ معنایی برای شنونده نخواهد داشت. شما باید از ساده ترین و مقدماتی ترین موارد شروع کنید و به تدریج در مورد چرخ ها، صندلی ها، موتور، فرمان، ترمز و دیگر اجزای اصلی تعلیم دهید، آن هم به نحوی که برای شنونده معنی داشته باشد و باید مطمئن شوید که آنها متوجه موضوع می شوند.

دو روش مختلف برای توضیح این موضوع وجود دارد: ۱- روش اول ترتیب تاریخی اختراع اتومبیل است به این صورت که می توانید توضیح دهید که اولین اتومبیل چگونه اختراع شد، چگونه طراحی شد، اتومبیل های اولیه به چه شکل بودند، قسمت های اصلی تشکیل دهنده اتومبیل و کار هر یک از آنها چیست و چه تغییراتی

در طول زمان در ساختار اتومبیل ها ایجاد شده است و انواع اتومبیل های موجود امروزی کدامها هستند.

در این روش می توانید تاریخچه ساخت اتومبیل را توضیح دهید اما برای شخصی که با تمدن و دنیای امروزی آشنایی ندارد احتمالا صحبت های شما انطور که باید، قابل درک نخواهد بود. این مثال در مورد کتاب مقدس نیز صدق می کند. اگر بخواهید از کتاب پیدایش شروع کرده و تمامی کتاب مقدس را تا مکاشفه برای شخصی که هیچ آشنایی با آن ندارد توضیح دهید، ممکن است نهایتاً به هدف خود برسید، اما احتمالاً زمان بسیاری را می بایست صرف این کار نمایید. درک بیشتر آنچه شما توضیح می دهید تا زمانی که عمده کتاب مقدس را برای شخص توضیح نداده باشید برای شنونده میسر نخواهد بود.

۲- روش دوم برای توضیح و معرفی اتومبیل این است که افکار خویش را بر حسب موضوع نظم بخشید و به شنونده نمایی کلی از آنچه سعی در توضیح آن دارید نشان دهید. به عنوان مثال، می توانید توضیح دهید که اتومبیل محلی برای نشستن سرنشینان و چرخ هایی در دو طرف دارد که آن را به حرکت در می آورند. در مرحله بعدی توضیح دهید که چطور موتور خودرو باعث حرکت چرخ ها می شود و چگونه سیستم فرمان خودرو امکان کنترل جهت حرکت را فراهم می سازد. تمامی این مطالب ابتدایی و اساسی است. در این مرحله نیازی نیست تفاوت فورد، تویوتا و یا پیکان را برای او توضیح دهید. بهترین راه بسنده کردن به اطلاعات ابتدایی مورد نیاز برای درک موضوع است.

این دقیقاً همان روشی است که ما قصد داریم در این درس پیش بگیریم. در واقع هدف ما مطالعه برخی از حقایق اصلی و ابتدایی است که تصویر جامعی از کتاب مقدس را برای شما ترسیم خواهد کرد. روشن است که نمی توان همه آنچه لازم به ذکر است را در این درس گنجانید و بعد از پایان این درس نیز مطمئناً قادر به درک تمامی مطالب کتاب مقدس نخواهید بود. در واقع هیچ کس در جهان وجود ندارد که کتاب مقدس را کامل درک کرده باشد. برخی ها طوری خود را نشان می دهند که گویی همه چیز را می دانند، اما این طور نیست زیرا تنها خداوند است که دارای علم و درک مطلق است.

نگرشی به اطراف به روش خداوند

در این درس سعی داریم به روش خداوند به پیرامون خویش نگاه کنیم. در اول سموئیل داستانی درباره سموئیل نبی آمده است. خداوند به سموئیل دستور داد تا برود و پادشاه بعدی اسرائیل را تدهین کند. او باید به خانه یسا می رفت و از او خواهش می کرد که تمامی پسران خویش را فرا خواند. سموئیل آنچه را که خداوند به او فرمان داده بود به جای آورد و یسا پسران خود را به حضور وی فرا خواند اما نه همه آنها را بلکه تنها هفت تن از پسران خود را. سموئیل به پسر بزرگتر الیاب نگاه کرد و پیش خود فکر کرد که حتماً اوست که مورد نظر خداوند است. در اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷ می خوانیم:

" اما خداوند به سموئیل گفت: « به چهره اش و به بلندی قامتش نظر نما زیرا او را

رد کردم چون که خداوند مانند انسان نمی نگرد زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به باطن.»

خداوند الیاب را رد کرد چون که باطن و قلب او را می شناخت و می دانست که او پادشاه مناسبی برای اسرائیل نخواهد بود. سموئیل در طول صف پسران یسا حرکت می کرد و یکایک آنها را از نظر میگذرانید و هر کدام از آنان به نظر وی جوان و قوی و باهوش به نظر می رسیدند، اما خداوند همه آن هفت پسران یسا را رد کرد.

در این زمان سموئیل از یسا پرسید که آیا پسر دیگری دارد؟ و همین طور بود. یسا پسر دیگری داشت به اسم داود که از گله مراقبت می کرد. سموئیل فرمود تا وی را فرا خوانند. چون داود قدم به درون خانه گذاشت خداوند با سموئیل سخن گفت: " این فرد مورد نظر من است، او را تدهین کن." توضیح خداوند درباره تمامی این اتفاقات در همان آیه هفتم بیان شده است. دید خداوند با انسان ها متفاوت است. او نه به ظاهر بلکه به باطن انسان توجه می کند چونکه او از نهاد و باطن انسانها آگاه است.

آنگاه که من و شما به مردم نگاه می کنیم از روی ظاهر درباره آن ها قضاوت می کنیم. این قضاوت و تصمیم گیری معمولاً بر پایه شکل ظاهری، لباس، کلام و دیگر موارد قابل رؤیت درباره آنهاست. اما هرگز نمی دانیم که به راستی در اعماق قلب هر شخص چه می گذرد. کتاب مقدس به ما می گوید که آنگاه که خداوند به انسان ها می نگرد آنها را نه بر اساس ظاهر بلکه بر اساس باطن آنها قضاوت میکند و خداوند به حقیقت راستین آگاه است.

من نمی دانم که چرا خداوند هفت پسر دیگر یسا را رد کرد. اما یقیناً آنان مناسب مأموریتی که خداوند برای آنها در نظر گرفته بود، نبودند. خداوند می دانست که داود مناسب ترین و بهترین است و او بود که از جانب خداوند به عنوان پادشاه اسرائیل برگزیده شد، چرا که مناسب ترین و اصلح ترین فرد برای به انجام رساندن مأموریتی بود که خداوند در نظر داشت.

در راستای مطالعه این درس ما نیز سعی خواهیم کرد به اطراف خویش از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. نگرش خداوند چگونه است؟ این نوع خاص نگرش چه تأثیری بر زندگانی ما دارد؟ این سوالات مبنای مباحث ما در تمامی دروس این کتاب خواهند بود.

رو برو شدن با خداوند

نهایتاً همه ما انسانها مجبور به رویارویی با خداوند هستیم. ما روزی در مقابل وی حاضر خواهیم شد و در قبال اعمال خویش به او پاسخگو خواهیم بود. روزی شما از دنیا خواهید رفت و این حقیقتی بارز است که هر انسانی با هر میزان از درک و فهم به آن واقف است. مهم نیست که چه میزان غذای سالم میخورید و ویتامین مصرف می کنید و به هر نحو ممکن از بدن خویش مراقبت می کنید. دیر یا زود بدن شما از کار

کردن باز خواهد ایستاد و مرگ به سراغ شما خواهد آمد. ممکن است این اتفاق برای برخی دیرتر از دیگران واقع شود اما برای همه ما پایانی مشترک است.

کتاب مقدس به ما یاد می دهد که همه ما روزی در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. در رومیان ۱۴: ۱۲ می خوانیم: "پس هر یکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد." روزی شما در برابر خداوند حاضر خواهید شد و در آن روز او از شما خواهد خواست که درباره زندگانی خویش جواب پس بدهید. او پرسش های بسیار مهمی از هر یک از ما خواهد داشت که می بایست با توجه به زندگانی و نحوه گذران عمر خود به آنان پاسخ دهیم.

شما را نمی دانم، اما وقتی من به مدرسه می رفتم از امتحان متنفر بودم و همواره در زمان امتحانات مضطرب و وحشت زده می شدم اما می دانستم که بالاخره آن روز فرا خواهد رسید و همین باعث میشد تا با دقت به درس ها گوش فرا دهم، چرا که از ترس پدرم نمی خواستم که وقتی کارنامه ام را به خانه می برم پر از نمرات ضعیف و بد باشد.

بیشتر انسانهایی که من می شناسم علاقه ای به امتحان در پایان زندگی خویش و یا پاسخ دادن به خداوند ندارند. در واقع بیشتر مردمانی که من می شناسم آنچنان خداوند را از زندگانی خویش کنار گذاشته اند که حتی به مرگ نیز فکر نمی کنند. اما خداوند می گوید که هر انسانی پس از مرگ در برابر وی حاضر خواهد شد و درباره زندگانی خویش جواب پس خواهد داد.

در رومیان ۲: ۲ می خوانیم: "و می دانیم که حکم خدا بر کنندگان چنین اعمال برحق است." آنگاه که در برابر خداوند حاضر می شویم بر اساس راستی و عدالت قضاوت خواهیم شد. نمی دانم نظر شما درباره سیستم قضایی چیست. در بسیاری موارد مردم دروغ می گویند و از محکمه خلاص می شوند حتی اگر گناهکار باشند. ممکن است ما هرگز به حقیقت امر پی نبریم، اما خداوند به حقیقت آنچه اتفاق افتاده است آگاه است. قضاوت خداوند بر اساس راستی و حقیقت است.

آنگاه که من و شما در برابر خداوند حاضر شویم درباره زندگانی خویش جواب پس خواهیم داد. قضاوت خداوند بر اساس ظاهر ما و یا آنگونه که اتفاقات به نظر می آید، نخواهد بود. همچنین قضاوت وی بر پایه عقیده عموم مردم درباره ما و یا رأی گیری از دیگران و یا بر پایه رأی هیئت داوران نخواهد بود بلکه همه ما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهیم شد. اما این موضوع کمی اضطراب آور است زیرا راه راست بسیار باریک و دقیق و به دور از هرگونه کژی و کاستی است. آنگاه که بر اساس حقیقت و راستی قضاوت شویم همه ما گناهکار شناخته خواهیم شد و هیچ عذر و بهانه ای نخواهیم داشت.

یوحنا ۱۷: ۱۷ به ما می گوید که حقیقت و راستی در کجا یافته می شود. عیسای مسیح در این باره می فرماید: "ایشان را به راستی خویش تقدیس نما. کلام تو راستی است." تا اینجا متوجه سه اصل مهم شده ایم. خداوند به ما می گوید که روزی در برابر وی

حاضر خواهیم شد. آنگاه که در پیشگاه وی حاضر شویم درباره زندگانی و اعمال خویش جواب پس خواهیم داد و بر اساس حقیقت و راستی یعنی کلام خداوند قضاوت خواهیم شد.

ممکن است برخی از مردم بگویند: "خب، من در واقع به راستی و حقانیت کتاب مقدس ایمان ندارم." این حق شماست که در این باره تصمیم بگیرید. اما باید خوب در این باره تفکر کنید. اگر نظر شما اشتباه باشد و خداوند مردمان را بر اساس حقیقت کتاب مقدس قضاوت کند، چه خواهید کرد؟ اینکه شما به کتاب مقدس باور ندارید، چیزی را عوض نمی کند.

شما می توانید هر چه را که دوست دارید، باور کنید و من مختارم تا هر چه را که دوست دارم، باور کنم اما نهایتاً آنچه من و شما به آن باور و عقیده داریم هیچ اهمیتی ندارد. خداوند می گوید که همه ما انسانها چه مذهبی و چه بی مذهب، بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهیم شد و خداوند می فرماید که حقیقت و راستی او کتاب مقدس است. اما خداوند به شما اختیار داده که این موضوع را باور داشته باشید یا اینکه آن را رد کنید.

تصور کنید که به شما بگویم که شما قضاوت خواهید شد و تمام زندگانی شما به نتیجه یک امتحان پنج دقیقه ای بستگی دارد. در آن صورت آیا علاقمند می شوید که بدانید این امتحان در مورد چیست؟ یا پاسخ سوالات کدامند؟ من ترجیح می دهم که بدانم! من به حرف شخصی که به من می گوید "من از تمام سوالات و پاسخ های آنان اطلاع دارم" علاقمند بوده در طلب بدست آوردن آن سوالات و پاسخهای آن خواهم بود. حداقل علاقمند خواهم بود که درباره آن مطالعه ای داشته باشم تا ببینم که آیا آن راه درست است یا اشتباه. بنابراین پیش از آنکه کتاب مقدس را کنار بگذارید، عاقلانه ترین کار اینست که بنشینید و حداقل نگاهی به آن بیاندازید و گوش کنید و ببینید خداوند در این باره چه می گوید و بعد تصمیم بگیرید.

حقیقت و راستی = کتاب مقدس

در یوحنا ۱۷:۱۷ می خوانیم که کتاب مقدس همان راستی و حقیقت است. بر اساس کلام خداوند، کتاب مقدس حقیقت خداوند است که در اختیار ما قرار داده شده است. در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ آمده است: "تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود." بنابراین کلام خدا می فرماید که تمامی کتاب مقدس از الهام خداوند است. الهام یعنی نفس خداوند. کلماتی که من می گویم از نفس من بیرون می آید یعنی من با هر نفس آنها را ادا می کنم. اما آنچه در کتاب مقدس بیان شده است نفس انسانی ندارد. کتاب مقدس نفس خداوند و الهام خداوند است. یعنی خداوند نفس خود را در این کتاب دمیده و بنابراین کتاب مقدس دارای حیات است و می تواند به کسی که به آن ایمان می آورد، حیات بخشد. کتاب

مقدس سخنان خداوند برای من و شماست. به یاد داشته باشد که خداوند فرموده: " روزی همه شما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهید شد و آن حقیقت کتاب مقدس است " و اینک او به ما می گوید که کتاب مقدس کلام و سخن او با ما است. بنابراین بهتر است به آن توجه کنیم.

در دوم پطرس ۱: ۲۱ آمده است: " زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشده بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند. " برخی عقیده دارند که کتاب مقدس توسط مردمان عادی نگاشته شده است اما کتاب مقدس در این باره نظر دیگری دارد. به یاد داشته باشید که ما سعی می کنیم همه چیز را از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. خداوند می فرماید که کتاب مقدس بر اساس خواسته و آرزوی انسان نگاشته نشده است. این گونه نبوده که عده ای روزی تصمیم بگیرند به نگارش کتابی جدید و ایجاد مذهبی نوین. کتاب مقدس توسط پیامبران نوشته نشد که آنها بخواهند هر یک کتابی را به اسم خود تخصیص دهند و خود را مشهور کنند. کتاب مقدس بیان می کند که نگارش این کتاب ها نه به دلیل خواسته و آرزوی خود نویسندگان بلکه به خواست خداوند صورت گرفته است و روح القدس در آنان ساکن شده و در نگارش کتاب مقدس آنان را یاری کرده است.

برخی ها ممکن است بگویند: " هر کسی می تواند کتابی بنویسد و ادعا کند که کتابش کلام خداوند است. هر کسی می تواند کتابی بنویسد و ادعا کند که مصداق حقیقت و راستی است اما ما از کجا باید بفهمیم که این موضوع حقیقت دارد؟ " بیایید به چند مورد توجه کنیم که به این موضوع پاسخ می دهد. کتاب مقدس از ۶۶ کتاب تشکیل شده که اولین آنها پیدایش و آخرین آنها مکاشفه است. در واقع می توان گفت که کتاب مقدس مانند کتابخانه ای از ۶۶ کتاب مختلف است که در یک جا جمع آوری شده اند. این ۶۶ کتاب ۴۰ نویسنده مختلف دارند. کسانی که در طول بیش از ۱۹۰۰ سال زیسته و آنچه خداوند به آنان الهام داشته را نگاشته اند. بیشتر این نویسندگان هرگز یکدیگر را ملاقات نکرده اند. بیشتر آنها حتی کتب دیگر نویسندگان را نداشته و نخوانده بودند اما با این حال محتوای تمامی این ۶۶ کتاب کاملاً در توافق با یکدیگرند و یکپارچگی خاصی دارند که انگار فقط یک نفر مؤلف آن است که در اصل چنین است. زیرا روح القدس مؤلف اصلی کتاب مقدس است.

چند لحظه در این باب تفکر کنید. حتی یک مورد تناقض نیز از کتاب پیدایش تا مکاشفه در آن یافت نمی شود. دو کتاب علمی را مطالعه کنید و ببینید آیا این چنین با یکدیگر مطابقت می کنند یا خیر. نیازی به آزمایش ۶۶ کتاب نیست. دو کتاب برای این آزمایش کفایت می کند. با خواندن دو کتاب علمی درباره یک موضوع متوجه خواهید شد که مطالب و مباحث آنها از هر نظر با یکدیگر متفاوت هستند. اما کتاب مقدس با ۶۶ کتاب و ۴۰ نویسنده و دوره نگارشی معادل ۱۹۰۰ سال دارای یکپارچگی و هماهنگی می باشند. نویسندگان این کتاب از نظر میزان تحصیلات و پیش زمینه کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده اند و با این حال کتب آنها کاملاً با یکدیگر مطابقت دارد! چطور چنین چیزی امکان پذیر است؟ چون روح القدس خداوند مؤلف آن است.

همچنین می توانیم به صداقت نویسندگان توجه کنیم. اگر قرار بود من کتابی بنویسم و آن کتاب، کتاب مقدسی باشد و نام مرا به عنوان نویسنده داشته باشد مطمئناً راجع به مشکلات و اشتباهات خویش در آن نمی نوشتم و درباره تمامی گناهانم در آن سخن نمی گفتم. این ها در واقع موضوعاتی بود که سعی در مخفی کردن آنها می داشتم چرا که نیازی نیست شخص دیگری درباره آنها چیزی بداند. اما خداوند درباره قهرمانان خویش در کتاب مقدس بسیار صادق است. حتی بهترین آنها مشکلاتی داشته اند و خداوند صادقانه حقیقت را با ما در میان گذارده است. مردانی که نگارنده این کتاب ها هستند درباره زندگانی خویش و دیگران حقیقت مطلق را بیان داشته اند. پیامبرانی مانند داود نبی و ابراهیم و موسی درباره گناهان زشتی که انجام دادند، در کتابهای خود در کلام خدا ذکر کردند.

در مرحله بعد بیایید به پیشگویی های کتاب مقدس توجه کنیم. در کتاب مقدس پیامبر کسی است که حقیقت و راستی را برای دیگران بیان می کند. علاوه بر این هر از گاه قادر است درباره آینده و اتفاقاتی که قرار است بیفتند پیشگویی کند. این پیشگویی می تواند به عنوان مثال نام پادشاهی باشد که صدها سال بعد از آن زمان به دنیا خواهد آمد و نام کشوری که این پادشاه بر آن فرمانروایی خواهد کرد. می توانید تصور کنید کسی قادر باشد چنین پیشگویی کند و در واقع پیشگویی او به حقیقت بیوندد؟ و یا پیشگویی می تواند درباره شهری باشد که نابود خواهد شد و چگونگی نابودی آن و چگونگی بازسازی آن در کتاب نوشته شده باشد. در کتاب مقدس صدها مورد از این پیشگویی ها وجود دارد که دقیقاً و با تمام جزئیات به وقوع پیوسته اند.

در دوم پطرس ۱: ۱۹ آمده است: " و کلام انبیا را نیز محکم تر داریم. " پطرس نویسنده کتاب دوم پطرس شاهد تغییر چهره عیسی مسیح بود (با موسی و ایلیای نبی) که منظره ای بسیار خارق العاده و به واقع معجزه بود. دیدن عینی عیسی جلال یافته همراه با موسی و ایلیای نبی بسیار مهم بود. اما پطرس رسول متوجه این نکته بود که کلام خداوند از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است و این همان نگرشی است که خداوند نسبت به کلام خویش دارد. حقیقت و همین حقیقت کتاب مقدس است که روزی من و شما را قضاوت خواهد کرد. در درس بعد احکام و فرامین خداوند را مطالعه خواهیم کرد که در کتاب مقدس آمده است.

سوالات این درس:

- ۱- اول قرنتیان ۲: ۱۴ را بنویسید؟
- ۲- اول سموئیل ۱۶: ۷ را بنویسید؟
- ۳- خداوند به چه قسمت انسان نگاه می کند؟
- ۴- کدام آیه در کتاب مقدس می گوید که ما برای بازخواست با خداوند روبرو خواهیم شد؟

- ۵- هنگامیکه در برابر خداوند حاضر می شویم بر اساس چه چیزی قضاوت خواهیم شد؟
- ۶- راستی و حقیقت خداوند چیست؟ آیه ای را در این مورد ذکر کنید؟
- ۷- با توجه به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ تمامی کتاب مقدس از الهام کیست؟
- ۸- با توجه به دوم پطرس ۱: ۲۱ نگارش کتاب مقدس چگونه و با یاری چه کسی شکل گرفت؟
- ۹- از کجا می توانیم بفهمیم که کتاب مقدس کلام خداست؟
- ۱۰- دوم پطرس ۱: ۱۹ را بنویسید؟
- ۱۱- با توجه به دوم پطرس ۱: ۱۹ چه چیزی از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرن تیان ۲: ۱۴ ؛ رومیان ۱۴: ۱۲؛ دوم پطرس ۱: ۲۱

درس ۲: احکام و شریعت خداوند

با توجه به آنچه در درس گذشته گفته شد بیایید از خود سوال کنیم که خداوند چگونه ما را قضاوت خواهد کرد؟ چه چیزهایی مورد توجه خداوند قرار خواهد گرفت؟ بیایید کتاب خروج باب بیستم را بخوانیم تا احکام خداوند را در آن مشاهده کنیم. کتاب مقدس به ما آموزش می دهد که خداوند مقدس است و به جهت همین قداست، او در عهد عتیق آنچه را که احکام وی می باشد در اختیار ما قرار داده است. تعداد این احکام و قوانین ۶۱۳ عدد است که به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- قوانین مدنی: درباره نحوه زندگانی جامعه اسرائیل دستور العمل هایی را ارائه می کند. قانون مدنی قانونی بود که بر جامعه آن زمان اسرائیل حاکم بود.

۲- قوانین قربانیها و عبادت: مطابق این قوانین، دستورات لازم درباره چگونگی اجرا کردن مراسم قربانی و عبادت خداوند به یهودیان ارائه داده شده بود. این قوانین کلاً به تشریفات مذهبی روزانه قوم بنی اسرائیل دلالت داشت.

۳- قوانین اخلاقی: درباره نحوه نگرش خداوند به انسان و اراده وی برای نحوه گذراندن زندگی انسان بود و اینکه هر شخص در چه فعالیت هایی می تواند شرکت کند و چگونه باید زندگی کند.

احکام و قوانین خداوند هرگز تاکنون فسخ نشده است. عیسی مسیح در متی ۵: ۱۷ فرمود: "گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم." بنابراین این قوانین و احکام خداوند در تورات هنوز ضمانت اجرایی دارد و هرگز لغو یا منقضی نشده است جز قوانین قربانیها که سایه و تصویری بودند از آمدن عیسی مسیح به عنوان بره خدا و با آمدن عیسی مسیح و قربانی او روی صلیب این قوانین قربانیها کامل و تمام شد و دیگر نیازی به انجام آنها نیست که در این مورد بیشتر در درسهای آینده بحث خواهیم کرد. احکام خداوند همانی است که در روز قضاوت من و شما مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این احکام هنوز ضمانت اجرایی دارد و روزی همه زنان و مردان در برابر خداوند حاضر خواهند شد تا بر اساس این احکام قضاوت شوند. اما خداوند این ۶۱۳ قوانین و احکام را به ده فرمان بسیار مهم خلاصه کرده که در مورد آنها در این درس بحث خواهیم کرد. آن ده فرمان را می توانید در خروج باب بیستم پیدا کنید. ده فرمان عبارتند از:

۱. هیچ خدای دیگری وجود ندارد.

به خروج ۲۰: ۲-۳ توجه کنید که اولین مورد از ده فرمان در آن بیان شده است. "من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. تو را

خدای دیگر غیر از من نباشد". خداوند پهوه در اینجا بیان می کند که شایسته و جایز نیست خدایی جز او داشته باشیم. اما منظور خداوند از "خدای دیگر" چیست؟ منظور این است که هیچ کس و هیچ چیز دیگر در زندگانی شما نمی بایست جای خداوند را بگیرد. به عبارت دیگر خداوند مدعی برترین جایگاه در زندگانی من و شماست.

حالا بگذارید سوالی از شما بپرسم. با توجه به آنچه گفته شد اگر زندگانی خود را از روزگار کودکی خویش تا کنون مرور کنید آیا می توانید بگویید که همواره با هر ذره وجود خویش عاشقانه به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا می توانید چنین ادعایی داشته باشید؟ من فکر نمی کنم که حتی یک نفر روی زمین وجود داشته باشد که بتواند ادعا کند همواره خداوند را عاشقانه دوست داشته و بیش از هر کس و هر چیز در زندگی خویش تنها وجود خداوند را آرزو کرده است.

بیشتر مردمان اطراف ما زندگانی خویش را به تلاش برای به دست آوردن چیزها یا افراد دیگر اختصاص می دهند. آنها سعی می کنند رضایت خاطر خویش را در انسانها و مادیات بیابند در حالی که خداوند ما را از تلاش برای به دست آوردن آنچه موجبات رضایت ما را فراهم نخواهد ساخت منع می کند.

۲. بت پرستی نکن.

به فرمان دوم در خروج ۲۰: ۴ توجه کنید: "صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز."

در اینجا خداوند در مورد بت ها سخن می گوید. بسیاری از مردمان در اینباره خواهند گفت که در خانه خود هیچ مجسمه یا بتی ندارند که در مقابل آن خم شده و آن را پرستش کنند و من از این موضوع بسیار خوشحالم. اما خداوند در اینجا تنها در مورد بت هایی که دست ساز من و شما هستند سخن نمی گوید. بر اساس آنچه در رومیان ۱: ۲۵-۲۱ آمده است این قانون به تمامی تصورات و خیالات قلبی ما که مایل به تجسم خدا هستند نیز اشاره دارد.

چند لحظه ای در مورد این فرمان تأمل کنید. خداوند می فرماید: "من نمیخواهم جز من خدای دیگری داشته باشید و نمی خواهم هیچ یک از علایق خود و یا هر کس و هر چیز دیگر را در کنار من و هم مرتبه با من قرار دهید. من نمی خواهم که خدای کاذب را در خیالات خود بسازید و پرستش کنید." اما مردمان این دنیا خدایان بسیاری را برای خود می آفرینند و پرستش می کنند.

برخی از انسانها خدایی دارند که خدای خوبی است. این خدا آنچنان بخشنده و مهربان و شگفت آور است که به همه انسان ها اجازه می دهد هر کاری که دلشان می خواهند انجام دهند. بنابراین شما می توانید هرطور که بخواهید رفتار کنید و آنگاه که از دنیا

رفتید و در برابر خداوند حاضر شدید او به شما خواهد گفت: "همه چیز را فراموش کن و داخل بهشت شو!" این تصویری است که بسیاری از مردم جهان دارند.

برخی از مردم خدایی برای خود ساخته اند که بیشتر به بابا نوئل و یا به عبارت دیگر به چراغ جادو شباهت دارد. بنابراین هرگاه که به چیزی احتیاج دارند به سراغ این خدا می روند و به او می گویند: "من این را نیاز دارم و تو خدایی و باید آن را برای من فراهم کنی." و اگر نیازشان را برآورده نکند از دست او بسیار خشمگین می شوند. مثلاً اگر شخصی در میان آشنایان بیمار شده باشد این افراد به خداوند دستور می دهند که در قبال فرد بیمار چه باید بکند و اگر خواسته شان برآورده نشود از دست خدایشان بسیار عصبانی می شوند.

آیا تاکنون چنین موقعیتی را تجربه کرده اید؟ این موقعیت به معنی آفرینش و تصور خدایی به جز خدای یگانه است. در این حالت شما برای خود بتی آفریده اید و خداوند می گوید که این امر جایز نیست و این دستور خداوند است. با توجه به تمامی مباحث گذشته اگر ادعا دارید که هرگز تصور نادرستی از خدا نداشته اید و در تمام طول زندگانی خویش همواره با تمام قلب خویش او را پرستش نموده اید از نظر من این ادعا دروغی بیش نیست. هیچ کس نمی تواند چنین ادعایی را در مورد خداوند داشته باشد.

۳. نام خدا را بیهوده یاد نکن

به خروج ۲۰: ۷ توجه کنید تا سومین فرمان را در آن بیابید. "نام یهوه خدای خود را به باطل مبر زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل می برد بی گناه نخواهد شمرد."

بسیاری از مردم فکر می کنند که معنی این فرمان آن است که نمی بایست کسی را با یاد کردن اسم خدا نفرین کرد. به این معنا که نمی توان نام خداوند و عیسی مسیح را با لغاتی چون نفرین همراه کرد نفرینی مانند، "خدا تو را لعنت کند." این ایده کاملاً صحیح است و این فرمان کاملاً نفرین کردن را منع می کند و من عمیقاً امیدوارم که شما تاکنون کسی را نفرین نکرده باشید. اما اگر این کار را انجام داده اید می دانید نظر خداوند در این باره چیست؟ شما قانون خداوند را زیر پا گذاشته اید.

اما بگذارید نگاه دقیق تری به این مبحث داشته باشیم. خداوند می فرماید که نام مرا بیهوده به زبان نیاورید. بیهوده در اینجا به معنای بی جهت است. یعنی این فرمان تنها در مورد نفرین کردن و کفر گویی و توهین به مقدسات صادق نیست بلکه در مورد ذکر نام خداوند به صورت بی تفاوت و بدون احساس، احترام و حرمت نیز مصداق دارد. اینکه مثلاً بدون داشتن کوچکترین حرمت بگویید، خداوند این را گفت یا آن کار را کرد یا به من گفت فلان کار را انجام دهم. این مورد حتی شامل ذکر نام خداوند در سرودها هم هست. اگر به کلام و معنای سرودی که در حال خواندن آن هستید توجه نکنید و آن را محترم نشمارید، مثل اینست که نام خدا را در حال سرود خواندن بیهوده بیاد می برید. علاوه بر این موارد سخن گفتن در مورد خداوند بدون حضور قلب نیز

مشمول این فرمان است. به معنای ساده سخن گفتن بیهوده در مورد خداوند و ذکر نام خداوند به دلایل بیهوده در این فرمان منع شده است. حالا چه کسی گناهکار است؟

یهودیان در رعایت این فرمان دقت بسیار داشتند. مثلاً اگر کسی می خواست نام خداوند را نگارش کند پیش و پس از انجام آن، دستان خویش را می شست. آنان توجه زیادی به نام خداوند داشتند زیرا این موضوع برای آنها از اهمیت زیادی برخوردار بود. اما ما نام خداوند را همیشه در زبان خود بازیچه قرار می دهیم و می گوئیم. "به خدا قسم" یا "خدا وکیل" و غیره. امروزه نام خداوند بسیار به دور از احترام یاد می شود. ما در مورد او شوخی می کنیم و یا سریال و برنامه کمدی می سازیم و آنگونه که لازم است نام او را ارج نمی نهم. کتاب مقدس می گوید ما گناهکاریم چرا که فرمان او را زیر پا گذاشته ایم و نام او را بیهوده و باطل بر زبان رانده ایم.

این تنها فرمان سوم بود. خوب در بررسی های خود درباره زندگانیان به کجا رسیده اید؟ ما انسان ها خیلی هم وضعیت خوبی نداریم. آنگاه که در برابر خداوند حاضر شویم اینها مواردی است که خداوند عملکرد ما را بر حسب آنها خواهد سنجید و می بایست درباره این موارد به او حساب پس دهیم. خداوند تمامی این موارد را در نظر خواهد گرفت و ما در حضور او قضاوت خواهیم شد چرا که فرمان او را بجا نیاورده ایم.

۴. روز سبت را بیاد داشته باش

فرمان چهارم در آیه هشتم ذکر شده است. خداوند در آیه هشتم می فرماید: "روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی." در دین یهود روز سبت روز شنبه بوده است اما هدف از روز سبت تفریح و استراحت و گذران وقت به بطالت نبوده است. روز سبت روز مقدسی به شمار می آمد و در این روز تمامی مردم می بایست از کار روزانه خویش دست کشیده و به تلاش در راه خداوند و عبادت وی بپردازند و این تنها هدف قرار دادن روز سبت بوده است.

امروزه ما مسیحیان، خداوند را در روز یکشنبه ستایش و عبادت می کنیم چرا که عیسای مسیح در این روز از مردگان برخاست. اما با توجه به آنچه در رومیان ۱۴: ۵-۸ می خوانیم می توان نتیجه گرفت که فارغ از اینکه یک روز در هفته را به عبادت خداوند اختصاص دهیم و یا هر روز هفته، خداوند از بندگان خویش می خواهد که زندگانی خویش را وقف وی کنند. تمام وقت و زمان ما متعلق به اوست. عبرانیان ۱۰: ۲۵ می گوید که نباید گردهمایی خویش در کلیسا در روز یکشنبه را از یاد ببریم.

آیا تاکنون شنیده اید که وقتی برخی از افراد را دعوت به حضور در کلیسا می کنید ضمن رد دعوت پاسخ می دهند که این تنها روز استراحت آنهاست؟ چه گناه و اشتباه بزرگی! آنان با قرار دادن روز یکشنبه برای استراحت و تفریح از کلام خداوند سرپیچی می کنند. البته این روز برای فراغت از کار روزانه در نظر گرفته شده اما آن روز همچنین به هدف تلاش و عبادت خداوند با حضور قلب نیز شامل می شود. آیا شما می توانید ادعا کنید که در طول عمر خویش همیشه یکشنبه ها در کلیسا حضور یافته اید و خدا

را پرستش کرده اید؟ آیا هر روز قسمتی از وقت خویش را وقف خداوند می کنید؟ آیا وقت شما متعلق به خداوند است یا هر گونه که دوست دارید از آن استفاده می کنید؟ به یاد داشته باشید که درباره قوانین خداوند سخن می گوئیم و تمامی این موارد مبنای قضاوت خداوند درباره ما خواهد بود.

۵- به والدین خویش احترام بگذار.

پنجمین فرمان در آیه دوازدهم خروج باب ۲۰ بیان شده است: "پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد دراز شود."

احترام در این جا به معنای حرمت نگه داشتن و گرامی داشتن است و معنایی فراتر از تنها گوش کردن به فرامین دارد. اگر پدر و مادرتان از شما بخواهند که کیسه آشغال را بیرون ببرید و شما این کار را انجام دهید، به فرمان آنها عمل کرده اید، اما این لزوماً به معنای محترم و گرامی شمردن والدینتان نیست. محترم شمردن و گرامی داشتن والدین یعنی بیرون بردن آشغال ها قبل از آنکه حتی آنها از شما درخواست کنند. یعنی شما با اخلاق خوش بدون آنکه آنها از شما درخواست کنند آشغال ها را بیرون ببرید و بدخلقی نکنید و زیر لب غر زنیید و احساس ناخوشایندی در قلب خویش نسبت به والدین خویش نپوررانید.

لحظه ای فکر کنید و ببینید آیا می توانید ادعا کنید که هرگز به والدین خود غر و لند نکرده اید. آیا می توانید ادعا کنید که از روزی که به دنیا آمده اید همواره والدین خویش را گرامی داشته اید؟ می توانید ادعا کنید که پدر و مادر خود را چنان محترم شمرده و گرامی داشته اید که خداوند به آن امر کرده است؟ آیا می توانید در اینباره نظر والدین خود را بخواهید تا درباره شما شهادت دهند؟ طبق فرمان خداوند هر شخص می بایست در انجام هر کاری والدین خود را گرامی بدارد اما همه ما روزی حرمت والدین خویش را زیر پا گذارده ایم و از فرمان خداوند تخطی کرده ایم.

۶- قتل نکن.

ششمین فرمان در آیه ۱۳ آمده است: "قتل مکن". این فرمان بسیار قاطعانه ای است! بسیاری از مردم ادعا می کنند که تاکنون هیچ انسانی را به قتل نرسانده اند. اما عیسی مسیح در انجیل متی ۵: ۲۱-۲۲ تعریف متفاوتی از این فرمان ارائه می دهد. او می گوید اگر از دست برادر خویش عصبانی شوید مرتکب قتل شده اید. آیا تاکنون از دست شخصی عصبانی شده اید؟ آیا تا به حال شده که در حال رانندگی کسی جلویتان پیچیده و راهتان را مسدود کرده باشد و شما از دست آن شخص عصبانی شده باشید؟ عیسی مسیح می گوید که در این صورت در قلب خود مرتکب قتل شده اید. آیا تا به حال اتفاق افتاده که کسی در حق شما کار بدی انجام دهد و شما قلباً از دست او عصبانی شده باشید؟ اما اگر همان کار را در باره شخص دیگری انجام داده بودند شما اینقدر عصبانی نمی شدید. این نشان دهنده ذات گناهکار و خودخواه شماست و در نظر خداوند شما مرتکب قتل شده اید.

ممکن است پیش خود فکر کنید "خب همه مرتکب این خطا شده اند! اینکه چیز مهمی نیست!" بله، همه ما در اینباره گناهکار هستیم و نکته مهم این است که آنگاه که حضور خداوند قضاوت می‌شویم تمام این گناهان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. خدای ما خدای مقدس است و با مطالعه این قوانین می‌توان شخصا به اندازه چشم برهم زدن نگاه خداوند به انسان و خواسته‌های او را درک کرد.

ادیان امروزی انسان‌ها را ترغیب به فراموش کردن تمامی این موارد می‌کنند چرا که عقیده دارند همه انسان‌ها اینگونه هستند و خداوند که به این موضوع آگاه است حتماً ما را خواهد بخشید و فراموش خواهد کرد. اما بگذارید به شما یادآوری کنم که خداوند می‌گوید که نباید بت و خدای غیر واقعی برای پرستش خود بسازید و شما با این کار نه خدای کتاب مقدس بلکه خدایی که خود در ذهن و قلب خود ساخته‌اید را می‌پرستید و با این کار یک فرمان دیگر را نیز زیر پا می‌گذارید.

۷- زنا نکن.

فرمان هفتم در آیه چهاردهم ذکر شده است: "زنا نکن". ممکن است فکر کنید که خوب شما در این باره مشکلی ندارید چرا که از ابتدا با همسر خویش بوده‌اید و یا اگر مجرد هستید شاید تا بحال با کسی زنا نکرده‌اید. اما بگذارید به آنچه عیسی مسیح در متی ۵: ۲۷ گفته است، توجه کنیم. در این آیه عیسی مسیح می‌گوید اگر به زنی با نظر شهوت آمیز نگاه کنید در دل خود با او زنا کرده‌اید. حالا آیا می‌توانید ادعا کنید که تاکنون به هیچ کس با نظر شهوت آلود نگاه نکرده‌اید و هرگز افکار نادرست نداشته‌اید؟ اغلب انسانها این فرمان را شکسته‌اند. در هر سنی که باشید در این باره گناهکارید و عیسی مسیح شما را زناکار می‌نامد. این اتهام و گناه بسیار سنگینی است. مطمئنم که این مورد، نیاز به توضیح زیادی ندارد و همه شما درک می‌کنید که در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۸- دزدی نکن.

فرمان هشتم در آیه پانزدهم ذکر شده است: "دزدی مکن". ممکن است در این باره از خود مطمئن باشید که هرگز دزدی نکرده‌اید اما آیا تاکنون یک کاغذی را بی‌اجازه برداشته‌اید؟ یک مداد یا خودکار یا پاک‌کن چطور؟ شاید پولی از جیب پدرتان؟ و یا شاید شکلات و شیرینی را بدون اجازه از مادرتان برداشته‌اید؟ چه کسی هست که مرتکب یکی از این موارد نشده باشد؟ کتاب مقدس می‌گوید "دزدی مکن". کتاب مقدس نمی‌گوید اگر ارزش چیزی زیر ۱۰ ریال باشد اشکالی ندارد. به یاد دارم که در مدرسه‌ای که درس می‌خواندم معلم می‌گفت اگر ارزش آنچه بی‌اجازه برمی‌دارید کمتر از ۱۰ ریال باشد اشکالی ندارد. یعنی به عقیده وی من می‌توانستم ۹ ریال این جا و ۹ ریال آن جا بدزدم بدون آنکه گناهکار به حساب آیم. اما خداوند چنین نظری ندارد و چنین قانون و تبصره‌ای در کتاب مقدس ذکر نشده است. آیا تاکنون چیزی که مال شما نبوده را برداشته‌اید؟ خب این نشان می‌دهد که فرمان هشتم را نیز زیر پا گذاشته‌اید و در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۹- دروغ نگو

نهمین فرمان خداوند در آیه شانزدهم ذکر شده است. " بر همسایه خود شهادت دروغ نده". شهادت دروغ دادن به معنای دروغ گفتن است. آیا تاکنون دروغ گفته اید؟ در این مورد همه ما گناهکاریم. هر انسان زنده ای در طول زندگانی حتی برای یکبار هم شده دروغ گفته است. همه ما این فرمان را زیر پا گذاشته ایم.

شهادت دروغ دادن تنها یک دروغ پر سر و صدا نیست. هرگونه اظهار گمراه کننده ای می تواند شهادت دروغ محسوب شود. آیا تا کنون برایتان پیش آمده که تنها نیمی از واقعیت را اظهار کنید چرا که تمامی آن می توانسته گناهکار بودن شما را اثبات کند؟ و پیش خود فکر کرده اید که با گفتن تنها نیمی از حقیقت می توانید دیگران را گمراه کنید. ما بیش از آنچه تصور می کنیم، دروغ می گوئیم. آیا تا به حال به کسی گفته اید که بسیار زیبا هستی، اما در واقع بنظر شما چنین نبوده است؟ آیا شده به کسی بگوئید که لباسش را می پسندید اما در واقع نظرتان کاملاً برعکس بوده باشد؟

می بایست درباره آنچه به زبان می آوریم بسیار محتاط باشیم. عیسی مسیح در متی ۱۲: ۳۶ می گوید که ما بر اساس هر کلمه بیهوده که از دهانمان خارج می شود، قضاوت خواهیم شد. هیچ کس در روی کره زمین نیست که فرمان نهم را زیر پا نگذاشته باشد. در این باره همه ما گناهکار هستیم.

۱۰- طمع مکن.

فرمان دهم در آیه هفدهم ذکر شده است: "به خانه همسایه خود طمع مورز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد طمع مکن".

طمع به معنای میل غیر قابل کنترل برای تملک چیزی است. آیا تاکنون چیزی که خداوند برایتان فراهم نکرده است را آرزو کرده اید؟ آیا میزان این میل و آرزو آنقدر بوده که بنشینید و با خود آرزو کنید که ای کاش آن شیء مورد نظر مال شما بود؟ در واقع میل و آرزوی شما آنچنان قوی بوده که افکار مربوط به چگونگی بدست آوردن آن شیء ذهن شما را به خود مشغول کرده است. کتاب مقدس می گوید این طمع است.

کولسیان ۳: ۵ می فرماید طمع یک بت پرستی است و این جمله ما را به فرمان دوم باز می گرداند و البته فرمان اول نیز، چرا که در چنین حالتی شما مالکیت آن شیء را در نظر خود از خداوند بالاتر قرار داده اید و آن را بیش از خداوند آرزو کرده اید چرا که پیش خود گفته اید: "این ماشین را بیشتر از خدا می خواهم. این پول برایم از خداوند مهمتر است یا هرکاری می کنم تا بتوانم این شغل را بدست آورم و آنقدر به آن علاقمندم که حاضرم حتی از کلیسا به خاطر آن دست بکشم."! چند لحظه صبر کنید. این همان طمع است و شما با چنین افکاری فرمان دهم را نقض کرده اید. همچنین فرمان چهارم را نیز زیر پا گذاشته اید زیرا وقتی را که می بایست در اختیار خداوند می

گذاشتید دریغ کرده اید. بعلاوه با توجه به فرمان دوم نیز گناهکارید چرا که چیزی را بر خداوند ارجح قرار داده اید. دوست عزیز! به نظر می رسد به دردرس افتاده اید!

جمع بندی: با توجه به این ده فرمان می توانیم نتیجه بگیریم که چه شخصیتی داریم. ما دروغ گو، دزد، کافر، بت پرست و زناکار هستیم و این مشکل بسیار بزرگ و جدی است. واقعا کجا ایستاده ایم؟ ما در برابر خداوند گناهکاریم چرا که فرامین و احکام او را زیر پا گذاشته ایم.

در متی ۲۲: ۳۵ - ۴۰ عیسی مسیح تمامی این ده فرمان را در دو فرمان خلاصه کرد. او می گوید که ما باید:

۱. خداوند را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت کنیم.
۲. همسایه خود را مثل خود محبت کنیم.

این خلاصه ده فرمان است. آیا می توانید بگویید که تمام دقایقی که بیدار و به هوش بوده اید با همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا می توانید بگویید که همواره خدا را جویا بوده اید، از او پیروی کرده اید، او را عاشقانه دوست داشته اید و با تمام ذرات وجود خود او را آرزو کرده اید؟ می توانید؟ اگر نه، فرمان خداوند را زیر پا گذاشته اید!

آیا می توانید بگویید که همسایه خود را مثل خود محبت کرده اید؟ این بدان معناست که می بایست به همسایه خود بیش از خود اهمیت بدهید و به خاطر همسایه خود از تمایلات خویش بگذرید. به این معنا که شما حاضرید بدون توجه به هزینه های ممکن نیازهای همسایه خود را برآورده کنید حتی اگر به قیمت رنج و زحمت شما باشد و می بایست از انجام این کار خوشحال و راضی باشید. آیا می توانید ادعا کنید که همسایه خود را این چنین محبت می کنید؟ اگر نه فرمان خداوند را زیر پا گذارده اید!

ممکن است هنوز هم فکر کنید آنقدر ها هم بد نیستید. اما به یعقوب ۲: ۱۰ توجه کنید. "زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد ملزم همه می باشد". این آیه به این معناست که حتی اگر توانسته باشید تمامی فرامین را بدرستی به جا آورید و تنها یک لغزش کوچک در یک مورد داشته باشید همچنان گناهکار شناخته خواهید شد و مثل اینست که تمامی احکام خدا را زیر پا گذاشته اید. برای آنکه بتوانید به استاندارد و معیار مورد نظر خداوند در راستی و درستی دست یابید می بایست تمامی فرامین را بدون کوچکترین اشکالی بجا آورید.

آیا می توانید با صداقت بگویید که همواره با تمام قلب خود خداوند را دوست داشته اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز خدایتان را بر اساس تفکرات و تمایلات شخصی خود تغییر نداده اید؟ آیا می توانید بگویید که زمانی را که خداوند شایسته آن است وقف او کرده اید؟

آیا می توانید بگویید که همواره والدین خود را گرامی داشته اید؟ آیا می توانید بگویید که در طول زندگانی خود هیچگاه از دست کسی عصبانی نشده اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز اندیشه نابجایی در مورد جنس مخالف نداشته اید؟ آیا می توانید ادعا

کنید هرگز دروغ نگفته اید؟ آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که متعلق به شما نبوده تصاحب نکرده اید، حتی اگر یک ورق کاغذ هم بوده باشد؟ آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که خداوند برای شما فراهم نکرده آرزو نکرده اید؟ آیا می توانید با صداقت بگویید که هرگز هیچ چیز ذهن و روح شما را بیش از خداوند اشغال نکرده است؟

آیا می توانید ادعا کنید که در این ده فرمان، فرمانی وجود دارد که شما هرگز حتی یک بار نقض نکرده باشید؟ بعید است که هیچ انسان زنده ای روی زمین قادر به بیان چنین ادعایی باشد. از آنجایی که نمی توانید ادعا کنید که حتی یک فرمان وجود دارد که حتی یک بار هم آن را نقض نکرده باشید کتاب مقدس می گوید که گناهکار هستید. خداوند به روشنی بیان می دارد که حتی اگر یک تخطی کوچک از یکی از قوانین صورت گرفته باشد آنگاه که در برابر خداوند حاضر می شوید گناهکار شناخته خواهید شد.

روزی همه ما در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. مهم نیست که نظر من یا شما و یا رای همه ما بر این باشد که این اتفاق هرگز نخواهد افتاد، خداوند اذعان می دارد که این اتفاق به وقوع خواهد پیوست و شکی بر این موضوع وارد نیست. آنگاه که خداوند به قضاوت شما بنشیند، بر اساس راستی و حقیقت قضاوت خواهید شد و راستی و حقیقت همان کلام خداوند است. برای یک بار هم که شده در طول زندگی امیدوارم که اجازه دهید حقیقت به جستجوی قلب شما برآید پیش از آنکه از دنیا رفته باشید و بسیار دیر شده باشد و یا کار از کار گذشته باشد. می بایست متوجه باشید که در برابر خداوند گناهکاری بیش نیستید.

تا اینجا تمام آنچه از آن سخن گفته ایم اخبار بد بوده است. اما خبر خوب این است که می توان با خداوند خوب بود. در واقع کتاب مقدس می گوید که آنگاه که خداوند به جهان می نگرد دو دسته از آدمیان را می بیند. گروه اول آنان که هیچ رابطه ای با او ندارند که بر اساس فرامین و احکام خدا قضاوت شده و گناهکار خواهند بود و این احوال اکثریت بشریت است. اما گروهی هستند که از نعمت و برکت رابطه با خداوند برخوردارند و بنابراین متعلق به خداوند هستند و او راهی برای حل مشکل این گروه از مردمان یافته است تا آنگاه که در برابر خداوند قضاوت می شوند گناهانشان باعث سقوط و هلاکت آنان نگردد و پاسخ این راه حل عیسای مسیح است. در درس آینده بیشتر در مورد این حقیقت سخن خواهیم گفت.

سوالات این درس:

۱. کل احکام خداوند چند عدد است؟

۲. سه دسته احکام خداوند را نام ببرید؟

۳. متی ۵: ۱۷ را بنویسید؟

۴. ده فرمان خداوند را نام ببرید؟
۵. عیسی مسیح ده فرمان را به چند قسمت تقسیم کرد؟ لطفاً آیه ای نیز در این مورد بنویسید؟
۶. یعقوب ۲: ۱۰ را بنویسید؟
۷. آیا تابحال فرمانی از ده فرمان را شکسته اید؟
۸. آیا فکر می کنید گناهکار هستید؟

آیه های کلیدی این درس: خروج ۲۰: ۱-۱۷؛ متی ۵: ۱۷؛ یعقوب ۲: ۱۰

درس ۳: انسانها از دیدگاه خداوند

در پایان درس اول گفتیم که هنگامیکه خداوند به جهان می نگرد، دو دسته انسان را می بیند:

۱. کسانی که هیچ ارتباطی با خداوند ندارند.

۲. کسانی که با خداوند در ارتباط هستند.

از آن دسته از انسانها، یک گروه به خداوند تعلق دارند و گروه دیگر به خداوند تعلق ندارند. به این دو گروه نگاهی خواهیم انداخت و خواهیم دید که کتاب مقدس از عنوانهای متفاوتی برای آنها استفاده می کند.

۱. **گمشدگان:** گمشده اولین عنوانی است که در لوقا ۱۹: ۱۰ آمده است. "زیرا که پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد". هدف عیسی مسیح از آمدن به زمین چه بوده است؟ در این آیه آمده است که هدف از آمدن او جستجو کردن و نجات دادن کسانی است که گم شده اند. گمشده کلمه جالبی است که در موارد ویژه ای می توان از آن استفاده کرد. اگر کسی سلامتی و یا ثروت خود را گم کند و یا از دست بدهد اتفاق بدی است. اگر شخصی عضوی از خانواده خود را گم کند، بسیار حادثه ناگواری است. بطور کلی وقتی سخن از گم شدن، گم کردن و یا از دست دادن می کنیم، دلالت بر یک اتفاق ناگوار دارد.

در کتاب مقدس گمشده به کسی گفته می شود که با شکستن احکام و فرمان خداوند مرتکب گناه شده و از جلال خدا محروم و از نظر او گم گشته است. مانند کودکی که به جنگل می رود و راه برگشت خود را علامت گذاری نمی کند و در نتیجه در جنگل گم می شود و نمی داند کجاست و چگونه از جنگل خارج شود. او در میان این جنگل انبوه و وسیع از یافتن راه برگشت ناامید می شود. این کلمه توصیف شخصی است که نیازمند به کمک است و نمی تواند مشکل خود را حل کند. اگر شما گم شوید و راه خروج را نتوانید پیدا کنید، به کسی نیاز دارید که راه را به شما نشان دهد. کتاب مقدس اینگونه افراد را کسانی می داند که این ۱۰ فرمان را شکسته اند و در گناهان خویش هستند و از خدا گم و دور شده اند و خداوند آنها را گناهکار می شمارد.

۲. **نجات یافتگان:** در کتاب مقدس نجات یافته به کسی گفته می شود که با خداوند ارتباط دارد و از مجازات گناه که دریاچه آتش است، نجات یافته است. در رومیان ۱۰: ۱۳ می خوانیم: "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت". به کلمه نجات یافتگان فکر کنید و معنای آنرا کشف کنید.

یادم هست که اولین باری که به کلیسا رفتم، شنیدم که مسیحیان درباره نجات سخن می گویند. با خود گفتم نجات؟ منظور شما از نجات چیست؟ من نیازی به نجات ندارم.

بعدها فهمیدم که من در مقابل خداوند یک گناهکار هستم و متوجه شدم که در حقیقت من یک انسان گمشده ای هستم.

روزی که نجات را دریافت کردم، بخاطر اینکه خود را نا امید و بی سرپناه می دیدم از عیسی مسیح خواستم که راه درست را به من که مانند یک کودک گمشده در جنگل بودم نشان دهد و آن هنگام احساس کردم کسی از راه رسید و مرا نجات داد و از نجات خویش بسیار شادمان شدم.

تصور کنید که شما سوار یک اقیانوس پیما هستید و از روی عرشه به اقیانوس آرام سقوط می کنید و اقیانوس پیما به مسیر خود ادامه می دهد. حال شما در آب دست و پا می زنید و طعمه خوبی برای کوسه‌ها می شوید. نمی توانید شنا کنید چون راه بسیار زیادی در پیش دارید. پس از چند روز یک کشتی از آنجا می گذرد و شما را می بیند و یک جلیقه نجات سفید برای شما می‌اندازد. در آن لحظه آیا می توانید بگویید: "بخشید من جلیقه نجات سفید رنگ دوست ندارم لطفاً رنگ قرمز آنرا برای من بیاندازید؟". خیر، شما هر آنچه که برای نجات شما بفرستند را محکم می‌گیرید. چرا؟ چون در میان اقیانوس آرام نمی توانید خودتان را به تنهایی نجات دهید و به کسی نیاز دارید که شما را نجات دهد.

نجات یافتن دقیقاً همین معنی را می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که من و شما ده فرمان خداوند را شکسته‌ایم. حتی اگر یکی از آنها را بشکنیم در برابر خداوند گناهکاریم بنابراین هنگامیکه خداوند به ما می‌نگرد ما را گمشده می‌بیند.

اما کسانی هستند که با خداوند در ارتباط هستند و نجات خداوند را دریافت کرده‌اند. هیچ کس نجات یافته متولد نمی‌شود و در واقع همگی ما گمشده و دور از خداوند به این دنیا می‌آییم و محتاج نجات هستیم. فرد نجات یافته کسی است که قبلاً در معرض خطر بوده ولی اکنون از مهلکه نجات یافته است.

۳. گناهکاران: کلمه بعد که درباره آن صحبت خواهیم کرد گناهکار است. کتاب مقدس در اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰ می‌گوید: "آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و زن صفتان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد."

گناهکاران چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که به چشم خداوند خوب به نظر نمی‌آیند. گناهکاری یعنی نادرستی و دارا نبودن صفات راستی در زندگی. اگر ده فرمان را به دقت مطالعه کنیم می‌بینیم که راهی برای گناهکار نبودن در نظر خداوند وجود ندارد چون نمی‌توانیم تمامی آن فرامین را در زندگی خود بجا آوریم. در حقیقت کتاب مقدس می‌گوید که همگی ما فرمان نهم را شکسته‌ایم چون همه ما انسانها دروغگو به دنیا می‌آییم. در مزامیر ۵۸: ۳ آمده: "شریران از رحم منحرف هستند، از شکم مادر دروغ

گفته، گمراه می‌شوند." ما از زمان تولد دروغگو بدنیا آمده‌ایم و باید به فرزندانمان بیاموزیم که راستگو باشند چون آنها نیز بواسطه طبیعتشان دروغگو هستند.

کتاب مقدس می‌گوید همگی ما در برابر خداوند گناهکاریم و همگی ده فرمان را شکسته‌ایم. در اول قرن‌تین ۶: ۹-۱۰ لیست گناهان مختلف را خواندیم. حال می‌خواهیم این آیات را بخش به بخش مورد مطالعه قرار دهیم.

فریب نخورید: دقت کنید که ما قرار است همه چیز را از منظر خداوند بنگریم. او می‌گوید که ساده نباشید و به خود دروغ نگویند. این کاریست که امروزه مردم با خود انجام می‌دهند. آنها تصور می‌کنند که چون به کلیسا می‌روند و تعمیم گرفته‌اند، انسانهای مذهبی و خوبی هستند و در برابر خداوند بی گناه هستند. آنها لیستی از کارهایی که انجام داده‌اند را در دست دارند و مطمئن هستند که از نظر خداوند انسان خوبی بشمار می‌روند و خداوند برای آنها استثنا قائل خواهد شد. اما خداوند می‌گوید "فریب نخورید" و به خود دروغ نگویند.

فاسقان: فسق یعنی نزدیکی با یک دختر باکره و یا با یک پسر قبل از ازدواج. فسق شامل گناه فکری، شهوت جنسی و تفکرات غلط نیز هست. آیا تابحال به شخصی از جنس مخالف خود نظر بدی داشته‌اید؟ یا حتی شخصی از جنس خودتان؟ آیا با آنها نزدیکی کرده اید؟

و نه بت پرستان: آیا از خداوند در ذهن خود تصویری ساخته‌اید؟ آیا هرگز در ذهن خود گفته‌اید که بنظر من خداوند اینگونه یا آنگونه است، بجای اینکه اجازه دهید خداوند خود خداوند باشد؟

و نه زناکاران: زنا یعنی نزدیکی کردن با یک زن یا مرد متأهل غیر از همسر خویش. آیا تاکنون زنا کرده‌اید؟ از زمان ازدواج آیا با شخص دیگری غیر از همسرتان رابطه جنسی داشته‌اید؟ آیا حتی تفکر شهوت آمیز نسبت به کسی داشته‌اید؟ عیسی مسیح می‌گوید اینکار برابر با زنا است.

و نه زن صفتان: زن صفت یعنی کسی که خود را به شکل جنس مخالف در می‌آورد و یا لباس جنس مخالف را می‌پوشد و یا ادای زنان را در می‌آورد. این در نسل امروزی به وفور دیده می‌شود. در کتاب مقدس درباره شهرهای سدوم و عموره درباره این گناه می‌خوانیم اما اگر به اطرافمان نگاه کنیم آنرا در همه جا خواهیم دید.

لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد. این افرادی که خداوند لیست آنها را در کتاب مقدس به ما داده، به بهشت نخواهند رفت چون از نظر خداوند انسانهای درستی نیستند چون فرامین خداوند را می‌شکنند و گناهکارند.

در رومیان ۳: ۱۰ آمده: **چنانکه مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نمی‌بگذارد فکر کنیم که شما عضوی از این گروه نیستید و موقعیت خوبی دارید.**

خداوند می گوید هیچ عادل نیست حتی یک نفر هم. اگر عادل نیستید پس گناهکارید. خداوند در اول قرتیان ع: ۹- ۱۰ به روشنی می گوید که گناهکاران وارث ملکوت خداوند نمی شوند. روزی در برابر خداوند خواهیم ایستاد پس بهتر است که خود را آماده کنیم. امروز خداوند به ما خواهد گفت که از نظر من صالح نیستی. پس بهتر است با خداوند در ارتباط باشیم. به دو نکته‌ای که تاکنون درباره آنها بحث کردیم توجه کنید. افرادی هستند که هنوز گمشده اند و نمی توانند راهشان را بسوی بهشت پیدا کنند. آنها به خودی خود قادر به یافتن راهی برای نزدیک شدن به خداوند نیستند اما خداوند قادر است راهی را برای نجات آنها فراهم نماید.

افرادی هستند که در برابر خداوند صالح نیستند اما گاهی چیزی در زندگی آنها اتفاق می افتد و آنها از ستون افراد ناصالح در برابر چشمان خداوند خارج می شوند و در جمع افراد صالح قرار می گیرند. این کاری است که برای آنها انجام می شود و آنها خود قادر به انجام آن نیستند.

۵. آمرزیده نشده: اکنون نگاهی می کنیم به واژه ای که در رومیان ۴: ۶-۷ آمده: "چنانکه داود نیز خوشحالی آن کس را ذکر می کند که خدا برای او عدالت محسوب می دارد، بدون اعمال، خوشبحال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید؛" محسوب داشتن واژه مالی است یعنی واریز کردن به حساب یک شخص. خداوند می گوید که عدالت را به حساب بعضی ها وایز می کند. دقت کنید که عدالت به آنها نسبت داده می شود نه بخاطر اینکه آنها برای آن کاری انجام داده باشند. در آیه ۷ دقت کنید که می گوید گناه این افراد آمرزیده می شود. روشن است که زمانی باید در زندگی آنها باشد تا آنها در آن روز بخشیده شوند.

به یاد داشته باشید که خداوند چگونه کسانی را که با او در ارتباط نیستند را می بیند. هر انسانی که متولد می شود در برابر خداوند گناهکار است پس همگان نیاز به بخشش خداوند دارند. آموزش چیزی نیست که شما خود بتوانید آنرا بدست آورید بلکه کس دیگری باید آنرا به شما بدهد. تصور کنید من بر صورت کسی سیلی بزنم و بعد احساس پشیمانی کنم و با پشیمان شدن، خودم را آمرزیده بدانم. آیا می توان آنرا آموزش نامید؟ آیا من می توانم پس از انجام کار زشت در قبال کس دیگر خود را ببخشم؟ البته که نه، آن شخص باید مرا ببخشد. کسی که گناه در قبال او انجام شده می تواند ببخشد.

این دقیقاً چیزی است که امروزه اغلب مردم اعتقاد دارند. آنها خود را صالح می پندارند حال آنکه خداوند آنها را هنوز نبخشیده است. کتاب مقدس می گوید همه ما در برابر خداوند گناه کرده ایم صبر کنید تا ببینید هنگامیکه در برابر او ایستادید چه اتفاقی می افتد. در این هنگام می فهمید این شما نبودید که می توانستید خود را ببخشید. خداوند می گوید بسیاری از مردم هنوز بخشیده نشده اند.

۶. آمرزیده شده: خداوند در افسسیان ۱: ۷ می گوید که بخشیده شدن امکان پذیر است. "که در وی به سبب خون او فدیة، یعنی آموزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم." می توانیم توسط مسیح آمرزیده شویم. رومیان ۴: ۶-۷ آموزش را چیزی

از جانب خداوند می‌داند. آمزش پوششی است برای گناهان که خداوند آنرا به ما می‌دهد و این تنها از طریق خون عیسی مسیح امکان پذیر است. تنها کسی که می‌تواند ما را ببخشد، خداوند است. چون او است که ما در قبالش گناه کرده‌ایم. بنابراین خداوند می‌فرماید کسانی هستند که بخشیده شده‌اند و با او در ارتباط هستند. آنها گناه کرده‌اند ولی خداوند آنها را بخشیده است.

بخاطر داشته باشید که ما درباره دو گروه از افراد سخن می‌گوییم که امروزه خداوند آنها را می‌بیند. هنگامیکه در برابر خداوند می‌ایستید، عضو یکی از این دو گروه خواهید بود. کسانی که بخشیده شده‌اند و کسانی که بخشایش نیافته‌اند. برخی فکر می‌کنند که اگر به خداوند بگویند متأسفم، همه چیز درست خواهد شد. اما کسانی هستند که حتی هنگام گفتن متأسفم واقعاً به آن ایمان ندارند.

۷. دشمنان خدا: موضوع دیگری که خداوند برای نشان دادن کسانی که با او ارتباط ندارند در رومیان ۵: ۱۰ آمده است: **"زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت."** او می‌گوید گروهی از مردم هستند که دشمنان خداوند بشمار می‌آیند.

وقتی خداوند به کسانی که با او ارتباطی ندارند نگاه می‌کند، آنها را گمشده، بی‌تقوا، نابخشوده و دشمنان خود می‌خواند. این یک حقیقت است. خدای کتاب مقدس می‌گوید که شما دشمن او هستید.

خداوند آشکارا به ما اخطار می‌دهد که ما دشمنان او هستیم. این به این معنی نیست که خداوند در بهشت نشسته است و می‌گوید، "من از شما متفر هستم و می‌خواهم شما را به جهنم بفرستم." اگر او بخواهد این کار را بکند، نیاز ندارد حتی انگشتان خود را تکان دهد. می‌تواند کلامی بگوید و من و شما نابود شویم و به تاریخ بپیوندیم. اما این ما هستیم که علیه خداوند می‌جنگیم و دشمن خداوند هستیم. هنوز فکر می‌کنید با راهی که پیش گرفته اید خداوند به شما اجازه می‌دهد که به بهشت بروید؟ خداوند می‌گوید، "این یک شوخی است. تو فکر می‌کنی که می‌خواهی به بهشت مقدس من بیایی؟ آیا فکر می‌کنی بعد از رفتاری که تو با من داشته‌ای من چنین اجازه‌ای به تو خواهم داد؟"

فرض کنید که من و خانواده ام تصمیم بگیریم برای یک هفته در خانه شما بمانیم. ولی قبل از آنکه بیاییم، با دیگران در مورد آنچه که در باره شما فکر می‌کنم، حرف بزنم و به آنها بگویم که شما آدم دروغگویی هستید و مثل تفاله می‌مانید و غیره. وقتی این سخنان به گوش شما برسد آیا درب خانه خود را به روی من باز می‌کنید و می‌گویید "بفرماید داخل دوست عزیز، ما عاشق این هستیم که شما را در کنار خود اینجا داشته باشیم. هرچه داریم مال شماست، لطفاً از خودتان پذیرایی کنید." نه، مطمئن هستیم که شما خیلی ناراحت خواهید شد و دعوت خود را فوری لغو می‌کنید.

حالا اگر شما از این اتفاق خوشحال نیستید چرا فکر می کنید که خداوند در بهشت متفاوت است؟ چرا فکر می کنید که خداوند به شما اجازه می دهد که به بهشت بروید وقتی که از او متفردید؟

۸. صلح داده شده با خدا: مورد مهمی که خداوند دوبار در رومیان ۵: ۱۰-۱۱ به آن اشاره کرده، صلح با خداوند است. این موضوع دیگری است که خداوند در کتاب مقدس برای توضیح کسانی که با او در ارتباط هستند، بیان کرده است. او می گوید که آنها صلح داده شده اند. ما این موضوع را همچنین در **کولسیان ۱: ۲۱** می خوانیم. کلمه **صلح دادن** یعنی "آوردن مجدد دو طرف دعوی کنار هم که قبلاً نسبت به هم بیگانه بوده اند."

ما دشمنان خداوند هستیم چون در مورد او اشتباه کرده ایم. خداوند هیچگاه در مورد ما اشتباه نمی کند. بنابراین خداوند نیازی به تغییر ندارد. بنابراین این خداوند نیست که به صلح دادن نیاز دارد. **صلح و آشتی** باید نسبت به ما صورت بگیرد.

صلح چیزی نیست که ما بتوانیم باعث بوجود آمدنش شویم. صلح چیزی است که باید در بیرون و اطراف ما اتفاق بیافتد. چیزی نیست که از درون خودمان باشد. به طور مثال من پنجره شما را شکسته ام، اما توان پرداخت هزینه پنجره جدید را ندارم، اما به شما می گویم: "اشتباہ مرا ببخشید، متأسفانه هزینه پرداخت برای پنجره جدید را ندارم،" و شما بگویید: "بسیار خوب، من هزینه کار اشتباہ شما را تقبل می کنم تا با شما رابطه دوستی داشته باشم. اشتباہ شما و هزینه ای که پرداخت می کنم را به گذشته و فراموشی می سپارم، من هزینه را می پردازم و ما به دوستی خود ادامه خواهیم داد."

اما گناهان ما علیه خداوند بسیار بزرگتر از شکستن یک پنجره است. گناه کار بسیار بزرگ و سنگینی است، این هزینه است که شما باید بدهید و هرگز توان پرداخت آن را نخواهید داشت. این هزینه ای است که خداوند با مرگ عیسی مسیح روی صلیب پرداخت کرد.

و اینگونه است که ما با خداوند آشتی داده می شویم. خداوند شما را بسیار دوست دارد و می خواهد که با شما در ارتباط باشد. او می خواهد که گناهان شما را ببخشد و با شما آشتی کند. او هزینه گناهان شما را با مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب پرداخت کرده است و مجازات گناهان شما را بر دوش مسیح گذاشت.

۹. محکوم: یوحنا ۳: ۱۸ می گوید: **"آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است، بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده."** طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسانی که با خداوند در ارتباط نیستند گمشده هستند و حقی در خداوند ندارند، نابخشوده و دشمنان خداوند و محکوم به مجازات هستند. اینگونه است که ما در برابر قانون در دادگاه نشسته ایم و تمامی

شواهد شنیده شده است و قاضی چکش خود را بر روی میز می کوبد و اعلام می کند که ما به مرگ محکوم شده ایم. خداوند به من و شما اینگونه می نگرد.

بسیاری از مردم فکر می کنند که وقتی به بهشت می روند برای خداوند دلایل و مدارکی دارند و این دلایل کافی است، اما شما نیاز دارید که بفهمید وقتی در برابر خداوند می ایستید، تمام دلایل شنیده شده است و شما خطا کارید و خداوند می داند که شما خطا کارید.

در آنجا هیچ وکیل ماهری نیست که شما را برهاند. شما در برابر خدای مقدس می ایستید که همه چیز را راجع به زندگی شما می داند، هر گناه و عمل شرم آوری که مرتکب شده اید را می داند. خداوند همه چیز را راجع به شما می داند و او در کتاب مقدس اعلام کرده است که شما محکوم هستید.

به طور مثال شما به عنوان مجرم به قتل شناخته شده اید. قاضی شما را به اعدام محکوم می کند. و در مسیر خروج از دادگاه شما فرار می کنید. وقتی در خیابان راه می روید چه حسی دارید؟ حس یک خطا کار را خواهید داشت. وقتی ماشین پلیس را در حال گشت زدن می بینید چه حسی دارید؟ عصبی شده و بلافاصله داخل یک ساختمان می شوید به امید اینکه شما را ندیده باشند و آماده فرار هستید. اگر کسی کار اشتباهی در حق شما انجام دهد آیا می توانید به پلیس زنگ بزنید و گزارش دهید؟ خیر، شما باید خطای خود را به دوش بکشید. شما خود توسط قانون محکوم شده اید. برای تمام روز باید برای زنده بودن فرار کنید و می دانید که یک روز گرفتار و مجازات خواهید شد و دیگر دفاعیه ای برای رهایی خود نخواهید داشت. وقت شما به آخر رسیده است.

اگر شما هیچ دوستی و ارتباطی با خداوند نداشته باشید، زندگی شما همینطور که در حال حاضر هست خواهد بود. شما با محکومیت به گناهانتان زندگی می کنید. اگر بدون ایمان به مسیح بمیرید، شما در پیشگاه خداوند بلافاصله محکوم خواهید بود، چون با خداوند هیچ دوستی و ارتباطی نداشته اید.

۱۰. عادل (صالح) شمرده شده: کلمه دیگر در رومیان ۵: ۱ آمده: "پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بواسطت

خداوند ما عیسی مسیح،" کلمه عادل به معنای صالح و پارسا است. کلمه عادل در آیه فوق اظهار و یا به عبارتی دیگر اعلام کردن شخصی به عنوان بی گناه در دادگاه است. این یک شرط قانونی است. اگر شما در دادگاه محکوم شوید و قاضی جرمه شما را تعیین کند، شما باید بپردازید. اما اگر کسی به سمت نیمکت برود و جرمه شما را نقد بپردازد، قاضی چکش خود را به صدا درمی آورد و شما بخشیده شده، از دادگاه خارج می شوید. چون جرمه شما به طور کامل پرداخت شده و شما دیگر محکوم نیستید.

وقتی بیرون می آید و پلیس را می بینید، در این زمان چه احساسی دارید؟ او دیگر شما را نمی ترساند یا ناراحت نمی کند زیرا مأمور پلیس نمی تواند شما را به خاطر

همان جرم دستگیر کند. شما نمی ترسید چون در برابر چشمان قانون جریمه شما پرداخت شده و دیگر از نظر قانون محکوم نیستید. شما بخشیده شده اید.

عادل شدن به این معنی نیست که شما هرگز گناه نکرده اید. به این معنی نیست که شما مرتکب جرمی نشده اید، بلکه به این معناست که شما فقط بخشیده شده اید. مجازات شما پرداخت شده است. قانون، دیگر به دنبال شما نیست و قدرت قانون بر روی دوش شما نیست و در دنیای بعد از مرگ محکوم نیستید. جریمه شما پرداخت شده و حساب شما تسویه شده است.

از نظر خداوند انسانها دو گروه هستند: آنهایی که در برابر خداوند به خاطر گناهانشان محکوم هستند. کتاب مقدس به ما می آموزد که همه ما وقتی به این دنیا می آییم گناهکار هستیم. گروه دیگری که خداوند آنها را بخشیده است. جریمه آنها پرداخت شده است و از محکومیت رهایی یافته اند.

۱۱. تحت غضب خدا: عنوان دیگری در **رومیان ۵: ۹** آمده است. "پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت." **رومیان ۱: ۱۸** می گوید: "زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می شود بر هر بی دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می دارند." راه دیگر که خداوند در مورد کسانی که با او در ارتباط نیستند شرح می دهد این است که آنها **تحت غضب** خداوند هستند. این مردم به عنوان "محبوس کردن حقیقت" شناخته می شوند.

این اصطلاح به معنای پنهان کردن حقیقت و مسدود کردن آن می باشد. مثل این است که شما در تمام جلسات کلیسا حضور می یابید و حقیقت را می پذیرید ولی به آن عمل نمی کنید. ممکن است شما خادم کلیسا، معلم کلاس های یکتشبه، عضوی از اعضای کلیسا و یا حتی یک واعظ باشید و همچنان در کنار خداوند نباشید. اما انکار حقیقت، باعث می شود که تأثیر آن را در زندگیتان نبینید. **حقیقت فقط برای این نیست که ما راجع به آن بشنویم. حقیقت این است که ما از آن اطاعت کنیم.**

وقتی ما در مورد **ده فرمان** صحبت کردیم، شما چه کردید؟ آیا می دانید که چگونه باید با خداوند و دیگران رفتار کنیم؟ آیا چگونه رفتار می کنید؟ اگر نه، شما حقیقت را نادیده می گیرید و به آن، آنطور که باید عمل نمی کنید. کسانی که با خداوند دوستی نمی کنند مورد خشم و غضب خداوند قرار می گیرند. تنها مجرم و محکوم در برابر خداوند نیستند بلکه در دنیایی با خشم خداوند زندگی می کنند.

وقتی شما در ارتباط با خداوند نیستید، مورد خشم خداوند هستید. با این حال بسیاری در دنیای ما طوری زندگی می کنند که به نظر می رسد همه چیز بین آنها و خداوند خوب است. وقتی که در برابر خداوند بایستید می فهمید که همه چیز خوب به نظر نمی رسد. شما می فهمید که خداوند به شما لبخند نمی زند. خداوند درباره گناه

خشمگین است. خداوند به شما به خاطر گناهانتان با خشم نگاه می کند، و شما این مسئله گناه را نادیده می گیرید. خداوند به شما با خشم می نگرد اما شما هنوز آن را تشخیص نمی دهید و این مسئله بسیار مهمی است.

۱۲. مستفیض (پذیرفته شده): اما کسانی که در ارتباط و دوستی با خداوند هستند پذیرفته نامید می شوند. **افسیسیان ۱: ۶** "برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب". همه انسانها زندگی خود را با **خشم خداوند** آغاز می کنند اما کسانی هستند که در رده افرادی هستند که با خداوند در ارتباط می باشند. کسانی که در مسیح **مستفیض** (پذیرفته) شده اند. مستفیض یا پذیرفته چه معنایی می دهد؟ یعنی **مورد فیض خدا واقع شده و خواسته شده**.

این چیزی است که خداوند پیشنهاد می دهد. او به شما موقعیتی را پیشنهاد می کند تا مورد فیض او واقع شده و پذیرفته شوید. اما چگونه پذیرفته می شوید؟ آیا این به کاری که انجام می دهید بستگی دارد؟ آیا می توانید به اندازه کافی انسان خوبی باشید تا پذیرفته شوید؟ خیر. مستفیض یا پذیرفته شدن چیزی است که شخص دیگری به شما پیشنهاد می دهد. **مستفیض** چیزی است که خداوند توسط عیسی مسیح به شما پیشنهاد می دهد.

۱۳. راهیان جهنم: عنوان دیگری که خداوند در مورد کسانی که با او ارتباط ندارند شرح می دهد این است که آنها برای ابد در جهنم و دور از خداوند خواهند ماند. **مکاشفه ۲۱: ۸** آن را دفتر تلفن جهنم می نامد. چون در آن لیست اسامی کسانی که در جهنم خواهند بود آمده است. "**لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغ گویان، نصیب ایشان در دریاچه آفرورخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.**" اسم کسانی که برای همیشه با خداوند در ارتباط نبوده اند در لیست دریاچه آتش هستند و **گمشده** نامیده می شوند. آنها نمی توانند راه خود را به سوی خداوند پیدا کنند. وقتی خداوند به آنها می نگرد، نمی توانند در کنار خداوند بایستند. آنها **پرهیزکار نیستند و بخشوده نمی شوند**. آنها **دشمنان خداوند** هستند. بر علیه او زندگی می کنند. خداوند آنها را محکوم کرده است و با خشم هم محکوم کرده است و غضب او آشکار است. خداوند به خاطر گناهانشان نسبت به آنها خشمگین است. و مکانی برای آنها دارد که **جهنم** و **دریاچه آتش** نامیده می شود که دروغگوها و همه گناهکاران به آنجا می روند. اگر شما یک دروغ بگویید مجرم هستید و راهی جهنم.

۱۴. راهیان بهشت: از طرفی دیگر کسانی که با خداوند در ارتباط هستند در **بهشت زندگی جاودانی** خواهند داشت. اول **تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷** "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در

اברהا رپوده خواهيم شد تا خداوند را در هوا استقبال كنيم و همچنين هميشه با خداوند خواهيم بود."

عيسى مسيح دوباره بازگشت مى كند و وقتى كه بيايد، كسانى از ما كه به او تعلق داريم با او به آسمان خواهيم رفت و براى هميشه با خداوند خواهيم بود. اين چيزى است كه ما امروز آن را بهشت مى خوانيم، يعنى با عيسى مسيح بودن.

بهشت رفتن چيزى نيست كه من بتوانم خودم به آن برسم. مهم نيست چند بار به سمت فضا بروم. ما هرگز با فضا پيما نمى توانيم به بهشت برويم. شما با اعمال خود به بهشت نمى رويد. شما هرگز يك فضاييمائى بزرگ براى رفتن به بهشت نمى توانيد بسازيد و شما هرگز به اندازه اى خوب زندگى نمى كنيد كه بتوانيد راهى بهشت شويد. دين و مذهب نمى تواند شما را به بهشت برساند. تنها راه رسيدن به بهشت اين است كه خداوند شما را به بهشت ببرد و خداوند تنها كسانى را آنجا مى برد كه در ارتباط با او باشند.

نتيجه: ما به اين نتيجه مى رسيم كه عده اى هستند كه با خداوند در ارتباط نيستند و در كتاب مقدس هم چنين آمده: "هيچكس نيوكار نيست". هر كسى كه به دنيا مى آيد زندگى خود را در راه نادرست شروع مى كند. ما با گناه متولد شده ايم و با خداوند ارتباطى نداريم. ما گمشده، گناهكار، نابخشوده، دشمنان خداوند و محكوم در غضب خداوند هستيم و براى ابد در جهنم و درياچه آتش خواهيم بود. هيچكدام از ما بعد از تولدمان، ارتباط درسى با خداوند نداريم.

تعاليم كتاب مقدس درباره دو گروه از انسانها

كسانيكه با خدا در ارتباط هستند	كسانيكه با خدا در ارتباط نيستند
۱. نجات يافته (روميان ۱۰: ۱۳)	۱. گمشده (لوقا ۱۹: ۱۰)
۲. عادل (روميان ۵: ۱۹)	۲. گناهكار (اول قرتيان ۶: ۹-۱۰ و روميان ۳: ۱۰)
۳. امرزيده شده (افسيان ۱: ۷)	۳. امرزيده نشده (روميان ۴: ۶-۸)
۴. صلح داده شده (كولسيان ۱: ۲۰ و ۲۲)	۴. دشمن خدا (روميان ۵: ۱۰)
۵. عادل شمرده شده (روميان ۳: ۲۸)	۵. محكوم شده (يوحنا ۳: ۱۸)
۶. مستفيض (پذيرفته شده) (افسيان ۱: ۶)	۶. تحت غضب (روميان ۵: ۹ و ۱۰: ۱۸ و ۲: ۶)
۷. راهيان بهشت (اول تسالوكيان ۴: ۱۶-۱۷)	۷. راهيان جهنم (مكاشفه ۲۱: ۸)

اما خداوند می گوید برای هر انسانی امکان پذیر است که تغییر نماید و رابطه و دوستی با خداوند برقرار کند. خداوند این انسان ها را نجات یافتگان، عادلان، آمرزیده شدگان، صلح داده شدگان، و پذیرفته شدگان می خواند و به آنها خانه ای در بهشت عطا می کند.

آگاه باشید که این انسان ها به خودی خود اصلاح نشده اند. آنها توسط یک نیروی بیرونی که قدرت خداوند نامیده می شود اصلاح شده اند. در این باره در درس آینده می آموزیم که توسط به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح عده ای از دور بودن از خداوند نجات یافته و به او نزدیک شده اند.

سوالات این درس:

- ۱- هنگامیکه خداوند به جهان می نگرد، انسانها را چند دسته می بیند، نام ببرید؟
- ۲- در کتاب مقدس گمشده به چه کسی گفته می شود؟ و واژه گمشده در کدام آیه آمده است؟
- ۳- در کتاب مقدس نجات یافته به چه کسی گفته می شود؟
- ۴- طبق اول قرن تیان ۶: ۹-۱۰ چه کسانی به بهشت نمی روند؟
- ۵- رومیان ۳: ۱۰ را بنویسید؟
- ۶- طبق افسسیان ۱: ۷ چگونه می توانیم از گناهان خود آمرزیده شویم؟
- ۷- طبق رومیان ۵: ۱۰ و وقتی که ما دشمن خدا بودیم، چگونه خداوند ما را با خود صلح و آشتی داد؟
- ۸- طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسی که به عیسی مسیح ایمان نیاورد چه حالتی خواهد داشت؟
- ۹- رومیان ۵: ۱ را بنویسید؟
- ۱۰- مکاشفه ۲۱: ۸ را بنویسید؟
- ۱۱- طبق جدول دو گروه از انسانها را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۱۰؛ رومیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۲۱: ۸

درس ۴: تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال

اجازه دهید که سوالی از شما بپرسم. آیا ممکن است بتوان با یک روشی با خداوند رابطه دوستی برقرار کرد؟ آیا ممکن است انسان بتواند به تنهایی خودش را تغییر دهد و به خداوند نزدیک شود؟ بسیاری از انسانها در طول تاریخ برای رسیدن به آن هدف تلاش کرده اند. در **امثال ۱۶: ۲۵** چنین می خوانیم: **"راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می یابند."** راهی که در نظر ما راست است، این است که ما خودمان می توانیم راه رفتن به بهشت را بیابیم، راهی که مطمئناً خداوند از کارهای زشت ما چشم پوشی خواهد کرد. از ده نفر بپرسید و ببینید که چگونه به بهشت خواهند رفت؟ اکثریت آنها در پاسخ خواهند گفت، "با انجام کارهای نیک." این یک دروغ بزرگی است که شیطان در قلب همه جا داده است.

انسان ها روش های گوناگونی را امتحان می کنند. بعضی ها سعی می کنند کارهای نیک انجام دهند، مانند رفتار خوب با دیگران و گفتار و آداب نیک. من بسیاری از انسانهای بزرگ را می شناسم که رابطه ای با خداوند ندارند، اما از بهترین همسایگانند. آنها انسانهای بسیار خوبی هستند ولی چیزی راجع به خداوند نمی دانند. آنها کارهای خوب بسیاری انجام می دهند اما رابطه ای با خداوند ندارند.

کارهایی که مردم تلاش می کنند تا بوسیله آنها با خداوند ارتباط داشته باشند کدامند؟ بسیاری نماز می خوانند و روزه می گیرند و به مسجد خمس و زکات و صدقه می دهند. عده ای هستند که تعمید می گیرند و یا با خواندن کتاب مقدس می خواهند بهشت را بخرند. بعضی دیگر در کلیسا حضور پیدا می کنند و نیایش می کنند. بعضی از آنها به کلیسا پول می دهند تا راه به بهشت رفتن را برای خود بخرند. این عده گمان می کنند که اگر تمام این کارها و اعمال خوب را انجام دهند خداوند از کارهای زشت آنها چشم پوشی خواهد کرد.

بیاید اینگونه به مسئله نگاه کنیم. بطور مثال شما در دادگاه به جرم قتل محکوم شده اید و قاضی به شما می گوید، "تا قبل از اینکه حکم شما خوانده شود آخرین دفاع خود را بگویید." و شما با احترام به قاضی می گوئید، "به من فرصت دهید تا توضیح دهم. من می دانم که این جرم را مرتکب شده ام و می دانم که کار اشتباهی کرده ام اما این مربوط به پنج سال پیش است و پنج سال طول کشید تا مرا دستگیر کنند. در طول این پنج سال من شهروند خوبی بودم. شخص دیگری را نکشته ام. همسایه من با من مشکلی نداشت، و حتی به او کمک هم کردم. خانواده ای که خانه ایشان دچار آتش سوزی شده بود، کمکشان کردم. در بیمارستان پیش قدم بودم. پنج سال پیش شروع کردم به خواندن نماز و روزه گرفتن و پول خود را احتکار نکردم. شخص خوبی هستم و با مردم به خوبی رفتار می کنم و قول می دهم که اگر مرا آزاد کنید، هرگز مرتکب جرم نشوم."

چه فکری می کنید اگر قاضی به وی بگوید، "من باید تو را آزاد کنم که بروی. چون تو کارهای خوب بسیاری انجام داده ای و فکر می کنم که توانسته ای با کار خوب جزای جرمت را بدهی." هیچ قاضی شما را به خاطر اعمال خوبی که انجام داده اید و سعی کرده اید مسیر زندگی خود را بازسازی کنید، نمی بخشد. در حقیقت شما باید جزای جرم خود را بپردازید.

یا اگر شما از قاضی تقاضا کنید و به ایشان بگویید: "من چیزهای خوب زیادی راجع به شما شنیده ام، شما مرد بسیار خوبی هستید و خیلی بخشنده. بنابراین مطمئن هستم که مرا خواهی بخشید." این قاضی چگونه می تواند عدالت را رعایت کند اگر شما را ببخشد و بگوید برو، تو آزادی. بعد از آن مطمئناً نمی تواند دیگر قاضی عادل باشد. در دادگاه قضایی چنین چیزی امکان ندارد. و این روش برای خداوند هم کاربرد ندارد. خداوند، **خدای عدالت** است. او فقط خدای بخشش نیست. او همچنین خدای عدالت نیز است.

وقتی من و شما به این دنیا می آییم، در برابر خداوند مجرم هستیم. ما محکوم هستیم و به خاطر گناهانمان در سراسیمی جهنم قرار داریم. ولی بعضی گمان می کنند با بازسازی راه زندگی شان و انجام اعمال نیکو، خداوند آنها را به بهشت می فرستد. ولی این چیزی نیست که کتاب مقدس می آموزد. به یاد داشته باشید که ما به مسائل به روش خداوند می نگریم.

خداوند درباره اعمال خوب چه می فرماید؟ آیا ممکن است با انجام کارهای نیکو به بهشت برویم؟ خیر. زیرا خداوند در کلام خود می فرماید:

۱- "از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است." رومیان ۳: ۲۰

فرض کنید که کسی که مرتکب قتل شده است، در برابر قاضی می گوید: "قاضی محترم شما نمی دانید از پنج سال پیش که مرتکب این جنایت شده ام، تمامی قوانین را اطاعت کرده ام، مالیات خود را پرداخته ام و هرگز خسونت نکرده ام، با بی توجهی از وسط خیابان راه نرفته ام و از خط عابر پیاده عبور کرده ام، حتی چراغ زرد را هم عبور نکرده ام. بسیار راننده یا دقتی بوده ام. اگر سرعت مجاز ۶۰ کیلومتر در ساعت بود من با سرعت ۵۹ رانندگی کرده ام. قاضی محترم شما باید درک کنید که من قانون را اطاعت کرده ام." اما آیا تمامی این کارها اهمیتی دارد وقتی او مرتکب قتل شده باشد؟ خیر، او همچنان مجرم است.

ما سعی می کنیم با انجام کارهای خوب، خدا را تحت تأثیر قرار دهیم. انجام کارهای نیک به این معنی نیست که گناهانمان از بین می رود. انجام کارهای نیک انسان را نجات نمی دهد. احکام و شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را نگه داریم و

راه خود به سوی بهشت را بیابیم. شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و مورد قبول خداوند باشیم.

کتاب مقدس می گوید که هدف این احکام و شریعت نشان دادن گناهکار بودن ما است تا اینکه ما به گناهکار بودن خود پی ببریم. خداوند به ما شریعت را عطا کرد تا دانش گناه را به ما بیاموزد. خداوند این قوانین را داده است تا ما بدانیم از ما چه انتظاری دارد و قوانین و احکام او مقدس است. اگر ما یک مورد احکام را بشکنیم، مجرم به نقض همه آن هستیم. یعقوب ۲: ۱۰

برای انسان غیرممکن است که با رعایت و حفظ قوانین و شریعت به بهشت برود. خداوند به ما قانون را داده است تا ما بفهمیم که از قوانین خدا تخطی کرده ایم. شریعت نمی تواند شما را نجات دهد. شریعت داده شده تا شما را محکوم کند. در قوانین و شریعت برای من و شما هیچ امیدی وجود ندارد.

۲. "زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می‌باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می‌ریاید." (اشعیاء ۶۴: ۶). خداوند اعمال ما را چگونه شرح می دهد؟ می گوید اعمال خوب ما مثل دستمال کثیف می ماند. ما معمولاً اعمال خوب خود را به رخ دیگران می کشیم اما خداوند می گوید که از نظر او اعمال ما مثل لته ملوث (پارچه کثیف) است.

اکنون به یاد داشته باشید که ما به همه چیز همانطور که خداوند به آنها می نگرد، نگاه می کنیم. خداوند چگونه به من می نگرد؟ من می گویم: "انسان خوبی هستم، تعمید گرفتم، به کلیسا می روم و ده یکها و هدایا به کلیسا می دهم، کارهای نیک انجام می دهم، و یا مسلمان خوبی هستم و بهترین و نمونه ترین شخص هستم. همیشه دعا می کنم، کتاب مقدس را می خوانم. به خداوند اعتقاد دارم و غیره. مطمئناً این همه اعمال خوب من کافی است." اما خداوند می گوید کارهای خوب مثل دستمال کثیف است.

اجازه بدهید به طور خلاصه بگویم **دستمال کثیف** یعنی چه، تا بهتر منظور خداوند را درک کنید. دستمال کثیف در زمان کتاب مقدس پارچه کثیفی بود که در خارج از شهر آویزان می شد. جزایمی ها اجازه نداشتند وارد شهر بشوند چون ممکن بود به خاطر زخم و عوفتی که داشتند، بقیه نیز به آن مرض ناعلاج مبتلا شوند. معمولاً در بیرون شهر پارچه ای آویزان بود که به آن پارچه کثیف و چرکین می گفتند. یک جزایمی می توانست زخم خود را با آن پارچه تمیز کند و دوباره آن را آویزان کند تا باد آن را خشک کند و باران کمی آن را بشوید. و دوباره جزایمی دیگری از آن پارچه استفاده می کرد. پارچه کثیف، پارچه ای بود که جزایمی ها از آن استفاده عمومی می کردند.

خداوند می گوید اعمال خوب شما، تمام کارهای خوبی که انجام می دهید مثل نماز خواندن روزه گرفتن و یا کلیسا رفتن و شرکت در کلاس ها و پول دادن، معلم کلاس های یکشنبه بودن از نظر او مثل **پارچه کثیف** می ماند. می توانید تصور کنید خانمی

آن پارچه را بردارد و ظروف خود را با آن بشوید؟ شما حتی فکر انجام این کار را هم نمی کنید. اما این دقیقاً همانطوری است که شما فکر می کنید از طریق آن می توانید به بهشت بروید، با تکه پارچه ای کثیف و مندرس.

۳. تیطس ۳: ۵ "نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد، به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است!" این مهم نیست که چقدر کارهای خوب انجام می دهیم. اگر با خداوند ارتباطی نداشته باشیم، نمی توانیم در ردیف کسانی باشیم که نجات یافته اند و راهی بهشت هستند. کارها و اعمال خوب ما نمی تواند و نخواهد توانست ما را راهی بهشت مقدس کند. ما فقط محض رحمت خدا توسط کار عیسی مسیح و با قدرت روح القدس که در ما کار می کند می توانیم از گناهان پاک شویم و تولد دوباره یابیم.

۴. افسسیان ۲: ۸-۹ "زیرا که محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند." اکنون بشنوید آنچه را که خداوند می گوید. ما سعی می کنیم که خداوند را با اعمال خوبمان تحت تأثیر قرار دهیم، اما خداوند می فرماید: "شما بوسیله خودتان یا به جهت اعمال خوبتان نجات نمی یابید، اگر چنین می گوئید، خودستایی می کنید."

اگر یکی از احکام و شریعت خداوند را بشکنید، تمام کارهای نیک دنیا نمی تواند شما را نجات دهد. اگر شما یک قانون را نقض کنید، در مورد همه آن مجرمید. مهم نیست که چقدر کارهای نیک در طول زندگیتان انجام دهید، کارهای نیک هرگز شما را در کنار خداوند قرار نخواهد داد. اگر اعمال خوبتان می توانست شما را راهی بهشت کند، شما با فخر قدم برمی داشتید و در گذشته خود ثابت می ماندید. خداوند می گوید که کارهای خوب من و شما نمی تواند ما را به بهشت ببرد.

خاتمه: من نمی خواهم شما را ناامید کنم. روشن است که انسانها به دو گروه تقسیم می شوند: کسانی که ارتباط خوبی با خداوند ندارند و کسانی که ارتباط خوبی با خداوند دارند. خداوند راهی دارد تا من و شما را به مسیری هدایت کند تا در زمره گروهی قرار بگیریم که با او باشیم و راهی بهشت شویم. خداوند انرا با عیسی مسیح میسر ساخته است. اما همه با او در ارتباط نیستند. تنها گروه خاصی هستند که در ارتباط درستی با خداوند هستند، زیرا آنها همان راهی را می روند که خداوند به آنها نشان داده است.

خود را فریب ندهید، و فکر نکنید که با اعمال و رفتار نیک و انسانیت خداوند شما را به بهشت می برد. به درس بعدی توجه کنید تا ببینید که خداوند چگونه شما را از بدون ارتباط بودن با وی به ارتباط درست با خودش هدایت می کند.

سوالات این درس:

- ۱- طبق امثال ۱۶: ۲۵ عاقبت راه انسان چیست؟
- ۲- طبق رومیان ۳: ۲۰ آیا انسان می تواند با اعمال مذهبی شریعت و کارهای ثواب از گناهان بخشیده شده و عادل شود؟
- ۳- هدف خداوند از دادن احکام و شریعت خود چیست؟
- ۴- طبق اشعیا ۶۴: ۶ اعمال عادلانه ما مانند چه چیزی می ماند؟
- ۵- طبق تیطس ۳: ۵ انسان چگونه می تواند نجات یابد؟
- ۶- افسسیان ۲: ۸-۹ را بنویسید؟ آیا نجات از جهنم از طریق اعمال خوب انسان است یا به جهت ایمان به مسیح؟
- ۷- در خاتمه این درس خداوند چگونه راه رفتن به بهشت را میسر کرده است؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۲۰؛ اشعیا ۶۴: ۶؛ افسسیان ۲: ۸-۹

درس ۵: انجیل راه خداست به بهشت

مرور درس های گذشته

احکام و شریعت خداوند

به وضوح دیدیم که در کتاب مقدس، هر زن و مرد و کودکی که به این جهان می آید با خداوند در مشکل است. ما با خداوند به خاطر گناهانمان مشکل داریم، چون در برابر خدای مقدس گناه را برگزیده ایم. اما در کتاب مقدس آشکار است که می شود در کنار خداوند بود و در آخر درس دیدیم که بعضی از انسانها در ارتباط با خداوند هستند، عده ای که حقیقت را کشف کرده اند و به بهشت می روند. و عده ای دیگر نیز نابخشوده هستند، و راهی جهنم و دریاچه آتش هستند.

پرسش مهمی که پیش می آید این است که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ بعضی از انسانها خانه ای در بهشت دارند و بسیاری خانه ای در جهنم؟ بطور ممکن است؟ از آنجایی که ما گناهکار به دنیا می آییم و مورد سرزنش خداوند هستیم و خودمان نمی توانیم راه خود را به بهشت بیابیم، حتماً باید راهی باشد تا بتوانیم به آن برسیم. چیزی و یا راهی وجود دارد که خارج از ما است، خارج از توانایی، دانش، اعمال و مجاهدت ما است.

راهی هست که برای برقراری ارتباط با خداوند برای ما مقرر شده است. این همان چیزی است که خداوند برای ما فراهم کرده است. و ما راجع به آن در این درس گفتگو خواهیم کرد. خود خداوند این راه را برای رسیدن به این ارتباط فراهم کرده است.

انجیل: در ابتدا می خواهیم به این نکته اشاره کنیم که در قوانین خداوند، او به ما انجیل را عطا کرده است. واژه انجیل به معنای خبر خوش است، یعنی مسیری که خداوند برای ما فراهم ساخته تا از دور بودن از او به ارتباط با او برسیم، این انجیل خداوند است. در رومیان ۱: ۱۶ می خوانیم: **" زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی "**

۱. قدرت خداوند: در ابتدا او می گوید که انجیل قدرت خداوند است. این انجیل عیسی، اخبار خوبی در مورد عیسی مسیح دارد، که آن قدرت خداوند است. در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت" همان لغتی است که ما امروزه برای دینامیت بکار می بریم، یعنی انجیل قدرت انفجاری دارد که می تواند ما را از دوری خداوند به دوستی و در کنار او بودن پرتاب کند و باطن ما را کاملاً دگرگون و متحول کند.

۲. نجات: توجه داشته باشید که پولس می گوید این انجیل قدرت خداوند برای نجات است و مردم را نجات می دهد. کلمه ایمان درست همان کلمه نجات است که ما

برای کسانی که ارتباط با خداوند را دارند، به کار می بریم. چگونه به این نجات می رسیم؟ خداوند چگونه ما را حفظ می کند؟ رومیان ۱: ۱۶ می گوید که خداوند با انجیل این کار را به انجام می رساند.

۳. نه فقط غسل تعمید: اگر انجیل راهی است که انسان را از دوری خداوند به ارتباط با او می رساند و اگر انجیل دینامیت خداوند است که انسان را نجات می دهد، و متحول می کند، بنابراین در ادامه این مطلب باید بفهمیم که انجیل چیست؟ و انجیل چه چیزی نیست. **در اول قرن نهم: ۱۷: ۱** پولس به ما می گوید که انجیل چه چیزی نیست؟ **"زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود."**

- در بخش گذشته در مورد کارهایی که انسان ها انجام می دهند تا در کنار خداوند قرار بگیرند صحبت کردیم. یکی از آنها این است که آنها دوست دارند که غسل تعمید بگیرند تا در کنار خداوند باشند. امروزه بسیاری گمان می کنند که با غسل تعمید گرفتن، همه چیز درست می شود. آنها فکر می کنند که به بهشت می روند چون غسل تعمید گناهان آن ها را پاک کرده است. و تصور می کنند که غسل تعمید آنها را از دوری خداوند به یک رابطه نزدیک با او می رساند. اما این چیزی نیست که کتاب مقدس به ما می آموزد. پولس می گوید او برای غسل تعمید فرستاده نشده است، اما او فرستاده شد تا انجیل را بشارت دهد. به عبارت دیگر انجیل و تعمید دو مسئله جدا هستند و ارتباطی با هم ندارند. یکی از آن دو دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون گرفتن تعمید روی صلیب یعنی درست قبل از مرگش نجات یافت و راهی بهشت شد. این ثابت می کند که تعمید نقشی در نجات انسان ندارد.

پولس نمی گوید که غسل تعمید، مهم نیست. او فقط می گوید غسل تعمید کسی را نجات نمی دهد. او روشن می کند که غسل تعمید، انجیل نیست. حتی قسمتی از انجیل هم نیست. به یاد داشته باشید که ما به این مسئله با دیدگاه من و یا با دیدگاه شما نگاه نمی کنیم. ما از خود می پرسیم که خداوند چگونه به این مسئله نگاه می کند. خداوند می گوید که تعمید انجیل نیست. پس بنابراین انجیل چیست؟

۴. انجیل مرگ، دفن و قیام مسیح از مردگان است. اول قرن نهم: ۱۵: ۱-۴ " **الآن ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می باشید، و به وسیله آن نیز نجات می یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید والا عبث ایمان آوردید زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتیم که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست "** در این آیه ها پولس به طور ساده برای ما مشخص می کند که انجیل چیست. اجازه بدهید که این آیه ها را جداگانه بررسی کنیم تا بفهمیم که او چه گفته است.

در آیه ۲ پولس این عبارت را می گوید **"والا عبث ایمان آورده اید"**. او نمی گوید شما نجات پیدا می کنید و دوباره نجات خود را از دست می دهید. او به سادگی می گوید اگر شما واقعاً به انجیل ایمان بیاورید، هرگز از انجیل دور نخواهید شد. و هرگز به آن پشت نمی کنید. به مجرد اینکه بفهمید خداوند به خاطر شما به پسر خود عیسی چه کرده، هرگز عقیده خود را عوض نخواهید کرد. وقتی عیسی را به عنوان نجات دهنده خود بشناسید، عاشق او خواهید شد و هرگز او را ترک نخواهید کرد.

۵. جایگزین ما: بنابراین انجیل چیست؟ او به ما در آیه ۳-۴ می گوید که انجیل مرگ، دفن و برخاستن عیسی از مردگان است. انجیل خبر خوش است. عیسی بر روی صلیب جان سپرد، دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست. خبر خوش چیست؟ اول اینکه عیسی به خاطر گناهان ما و به جای ما جان سپرد. می بینید کسانی که با خداوند ارتباطی ندارند محکوم به خشم و غضب خداوند هستند و سرانجام به دلیل گناهانشان علیه خداوند به جهنم خواهند رفت. آنها از هر قانونی که خداوند گذاشته است سرپیچی کرده اند. آنها با وقاحت به زندگی خود با روش خودشان ادامه می دهند و به خداوند بی توجه هستند. اما آنهایی که با خداوند ارتباط دارند از رفتن به جهنم نجات یافته اند. آنها چگونه نجات یافته اند؟ شما چگونه مسیر دوری از خداوند را به نزدیک شدن به او تغییر می دهید؟ کسی باید جریمه گناه شما را بپردازد.

این خداوند و فقط کار و نقشه خداوند برای نجات انسانهاست. خواست خداوند پرداخت جریمه گناه است. چگونه پرداخت جریمه گناه انجام می شود؟ یا با مرگ شما و رفتن شما به جهنم تا اینکه خودتان مجازات گناهتان را برای ابد پرداخت کنید و یا اینکه خداوند راهی را مقرر کند تا این مجازات پرداخت شود و شما به او نزدیک شوید. راهی که خداوند مقرر کرده است چیست؟ انجیل است. خبر خوش چیست؟ اینکه عیسی برای گناهان ما مرد، دفن شد و از مردگان برخاست. اما او به ویژه برای گناهان ما مرد یعنی او به جای ما و یا به عوض ما مرد. او روی صلیب جایگزین ما شد و به جای ما مرد.

مرگ عیسی مسیح به جای ما، جایگزینی نامیده می شود. مثل این است که شما در دادگاه به ۵۰۰۰۰ دلار جریمه شده اید و کسی از جای خود بلند شود و جریمه شما را بپردازد. در اینصورت دادگاه اعلام خواهد کرد که جریمه به طور کامل پرداخت شد. قانون دیگر در برابر شما ادعایی نخواهد داشت و نمی تواند دنبال شما باشد و اعلام کند که شما چنین مبلغی را بدهکار هستید. این دقیقاً همان کاری است که عیسی مسیح برای ما انجام داد و بر روی صلیب جان سپرد. او مجازات تمامی بشر را پرداخت کرد و به جای ما مرد. او نجات دهنده ما شد، کسی که مسیر ما را برمی گرداند.

۶. برحسب کتب: عبارت دیگری در مطلب بالا آمده است که به آن می پردازیم. پولس می گوید که عیسی برای گناهان ما مرد **"بر حسب کتب"**. او به خاک سپرده شد و دوباره از مردگان برخاست **"بر حسب کتب"**. به عبارت دیگر پولس می گوید که انجیل مطابق و بر حسب کتاب مقدس است. چرا عبارت **"بر حسب کتب"** در متن کتاب مقدس مهم است؟ به دلیل اینکه مرگ عیسی در عهد عتیق توسط انبیا

پیشگویی شده بود و در عهد جدید نیز آمده و چیزی نیست که چیز ساختگی باشد. به عبارتی دیگر مرگ عیسی اتفاقی نبود بلکه طبق برنامه و جدول زمانی خداوند بود.

کتاب مقدس به ما می گوید که آمدن عیسی بر روی زمین و مردن او برای گناهان ما برنامه ریزی شده بوده است. در حقیقت مرگ عیسی قبل از ابتدای آفرینش برنامه ریزی شده بوده. آمدن عیسی قبل از اینکه خداوند زمین را خلق کند طراحی شده بود. در کتاب پیدایش تمام مسیر آمدن عیسی مسیح به صورت پیشگویی های پشت سرهم گفته شده. در نسلهای گوناگون خداوند در مورد آمدن عیسی مسیح، چگونگی آمدن و زمان و مکان آمدن او و محل تولد و زندگیش پیش گویی هایی را در کلام خود کرده بود و اینکه او برای گناهان دنیا باید می مرد. بر اساس این پیش گویی ها خداوند زمینه را برای آمدن عیسی مسیح مهیا کرده است. " **بر حسب کتب** "

امروزه این موضوع چه تفاوتی برای ما دارد؟ این نقشه خدا برای ما مسئله بسیار بزرگی را فراهم ساخته. اگر عیسی همان مسیح واقعی باشد و اگر او آن کسی باشد که جریمه گناهان ما را با مرگ خود پرداخت کرده، بنابراین او تمام مشخصات مسیح که در عهد عتیق آمده است را باید دارا باشد. بنابراین ما می توانیم به کتاب عهد عتیق مراجعه کنیم و به تمام پیش گویی هایی که در آن در مورد مسیح، کسی که به جای ما می میرد آمده، نگاه بیندازیم و آن ها را با زندگی عیسی مسیح مقایسه کنیم. اگر این کار را بکنیم، خواهیم دید که او تمام شایستگی هایی که در عهد قدیم در مورد آن صحبت شده است را دارد.

برای همین است که در کتاب مقدس آمده که او برای گناهان ما مرد " **بر حسب کتب** " و از مردگان برخاست " **بر حسب کتب** ". برای اینکه هر کاری که عیسی مسیح انجام داده است مطابق با متن کتاب مقدس است. خداوند در یک زمان ناگهانی و تصادفی او را نفرستاده و نگفته " عیسی می میرد " بنابراین می تواند جریمه گناهان دنیا را بدهد. اینگونه نیست. خداوند این موضوع را از اول خلقت برنامه ریزی کرده بود تا زمانی که عیسی به دنیا آمد و پیشگوییها را به کمال رساند. این برنامه پدر آسمانی بود که عیسی باید می آمد و برای گناهان من و تو می مرد. و این باید باعث تسلی ما باشد که بفهمیم مرگ و قیام عیسی از مردگان فقط برای او نیست بلکه مطابق برنامه از پیش تعیین شده خداوند است تا مسئله گناهان دنیا را حل کند.

یکی از مسائلی که انسانها به آن عقیده دارند این است که تا آنجایی که بتوانند خوب زندگی کنند، هرطوری هم که باشد خداوند گناهان آنها را می بخشد و امیدوار هستند که خدا اعمال خوب آنها را خواهد دید و شگفت زده شده، از کارهای بد و گناهان آنها چشم پوشی خواهد کرد. با این روش آنها گمان می کنند که به بهشت می روند. اما کتاب مقدس در انجیل می گوید خبر خوش در مورد عیسی است که قدرت خداوند است و من و شما را نجات می دهد. در حقیقت انجیل به وضوح به ما می گوید که اگر انسان سعی کند شریعت را نگه دارد زیر لعنت است و دلیل آن را نیز بیان می کند.

در غلاطیان ۳: ۸-۱۴ می خوانیم " و کتاب چون پیش دید که خدا اَمّت‌ها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که جمیع اَمّت‌ها از تو برکت خواهند یافت. بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایماندار برکت می‌یابند. زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد. اما واضح است که هیچ‌کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می‌کند، در آنها زیست خواهد نمود. مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود. تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر اَمّت‌ها آید و تا وعده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم."

وقتی ابراهیم نجات یافت، خداوند گفت که او عادل (پارسا و صالح) شده است. به خاطر داشته باشید که این کلمه به معنای عادل همان عبارتی که در کتاب مقدس برای کسانی که با خداوند در ارتباط هستند به کار رفته است. چگونه ابراهیم عادل شد؟ آیا ابراهیم با انجام و حفظ شریعت خداوند، و با انسان خوب بودن عادل شد؟ خیر، ما در آیه هشت می خوانیم که او عادل محسوب شد با ایمان به انجیل. چگونه می شود که ابراهیم به مرگ، دفن و برخاستن از مردگان عیسی ایمان داشته باشد، حال آنکه ابراهیم ۲۱۶۰ سال پیش از آمدن عیسی به این جهان زندگی می کرد؟ وقتی به زمان ابراهیم برمی گردیم، خداوند از پیش انجیل را داده بوده. و خبر خوش آمدن عیسی، زندگی و مرگ او را داده بود. خداوند همچنان قول داده بود که مسیح می آید و گناهان را پاک می کند. ابراهیم تمام جزئیات درباره مسیح را نفهمید اما انجیل را به اندازه کافی درک کرد تا بفهمد که خداوند مسیح را می فرستد تا مجازات گناهان دنیا را بپردازد. ابراهیم با ایمان و اعتقاد به خداوند توانست با او ارتباط پیدا کند و اینگونه است که امروزه انسان می تواند از گناهان بخشیده شده و عادل محسوب شود.

توجه داشته باشید که غلاطیان ۳: ۱۰ می گوید. "زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند." اگر شما بخواهید ده فرمان را نگه دارید و به قوانین آن عمل کنید، لعنت می شوید. این لعنت برای این است که شما نمی توانید ده فرمان را اجرا کنید. آیا کسی هست که بگوید، در طول عمرش حتی یک دروغ نگفته است؟ اگر شما یک دروغ در زندگی بگویید نهمین فرمان را شکسته اید. به یاد بیاورید که در یعقوب ۲: ۱۰ خداوند می گوید که اگر شما در یک موضوع ده فرمان گناه کنید در تمام آن مجرم هستید.

ما به مسائل با نگاه خودمان می نگریم و فراموش می کنیم که خداوند چه گفته است. و دلیل دروغین داریم که گناه کوچکی نسبت به دیگران مرتکب شده ایم و گناه را سبک و سنگین می کنیم. اما وقتی در برابر خداوند می ایستیم، من و شما قضاوتی که برای ما می شود بر اساس استاندارد خودمان نیست. خداوند انسانها را قضاوت خواهد کرد و قضاوت او بر پایه حقیقت است. حقیقت خداوند می گوید که اگر شما یکی از ده فرمان را رد کنید یعنی در همه قوانین مجرم هستید. شما محکوم هستید. شما از قبل محکومید. شما زیر خشم خداوند هستید و سرانجام به جهنم خواهید رفت.

دوباره در غلاطیان ۳: ۱۰ او می گوید "زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد." اگر شما نمی توانید تمام قوانین را به درستی رعایت کنید، لعنت می شوید. با قدرت کلام خداوند، می توانید به وضوح بگویم که همه ما لعنت شده ایم. ما محکوم هستیم و ناامید، حتی اگر سعی کنیم که با رعایت قوانین و شریعت به بهشت برویم. اگر تلاش کنیم با انسان خوب بودن و امید به اینکه کارهای نیک ما بر کارهای بد ما سنگینی کند، به بهشت برویم، خداوند می گوید هرگز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. ما لعنت شده و بدون امید هستیم. بنابراین چه کاری باید انجام دهیم؟ پاسخ چیست؟

ما پاسخ را در غلاطیان ۳: ۱۱-۱۲ پیدا می کنیم. "اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، در آنها زیست خواهد نمود." نجات از طریق شریعت نیست. نجات یا داشتن ارتباط با خداوند، بخشوده شدن با ایمان به انجیل و اعتماد به آنچه خداوند برای شما انجام داده، به دست می آید.

عقیده به نجات از طریق انسانیت و خوب بودن و یا نگاه داشتن شریعت را کنار بگذارید. از خداوند برای نقشه ای که برای نجات ما کشیده شکرگذاری کنید و به راه و نقشه او ایمان آورید تا از گناهان خود با رحمت او که در مسیح نشان داده شد، بخشیده شده، حیات جاودان یابید.

او در غلاطیان ۳: ۱۳ به ما می گوید که این خبر خوبی است. "مسیح، ما را از لعنت شریعت جدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است، ملعون است هر که بر دار آویخته شود." وقتی عیسی به زمین آمد تا برای گناهان ما بمیرد، او جایگزین من و شما شد. او مصلوب شد تا مجازات گناهان ما را بدهد. او در عوض ما لعنت شد تا ما از لعنت شریعت رهایی یابیم.

در آیه ۱۴ خداوند می فرماید که همچنانکه ابراهیم با اعتقاد به مسیح که روزی می آید نجات یافت، ما نیز امروز با ایمان و اعتقاد به کاری که عیسی مسیح برای ما روی صلیب در جلجتا انجام داد، می توانیم نجات یابیم. ابراهیم با ایمانش به آن روز که در آینده می آید نگاه کرد و ما با ایمان به آنچه عیسی مسیح بر روی صلیب در گذشته انجام داد، نگاه می کنیم.

پیشگویی درباره مسیح نجات دهنده

ما می گویم که این انجیل در عهد عتیق آمده که سالها پیش از آمدن مسیح بر روی زمین چنین پیشگویی کرده شد. ما در **پیدایش ۳: ۱۵** اولین پیشگویی را در مورد آمدن مسیح می خوانیم. شما داستان سقوط آدم و حوا را شنیده اید که چگونه آنها در باغ عدن گناه کردند و از میوه ای که خداوند گفته بود نخوردند، خوردند. وقتی خداوند

به آنها پیشنهاد داد تا کاری برای آنها انجام دهد تا در نظر او آنها عادل شوند، او چه کرد؟ **پیدایش ۳: ۲۱** "و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست **ساخت و ایشان را پوشانید.**" ما اینجا در عهد عتیق در ابتدای خلقت، انجیلی از عیسی مسیح را داریم که از پیش خبر داده شد.

کلمه **پیشگویی یا از پیش خبر داده شده** به معنای تصور کردن است. اگر من بخواهم تصویری از خانواده ام را برای شما مجسم کنم، خواهم گفت، "این ها خانواده ام هستند." شما منظور من را خواهید فهمید. تصویری که من با سخنان خود درست می کنم، خانواده من نیست بلکه بازتابی از خانواده ام است که به مسئله اصلی یعنی خانواده من اشاره می کند. خانواده من از افراد تشکیل شده است نه از تصویر. تصویر فقط نشان می دهد که خانواده من چه شکلی هستند اما آن تصویر خانواده من نیست. تصویر را که مشاهده کنید، اگر روزی یکی از آنها را ببینید بلافاصله خواهید شناخت چون عکس او را قبلاً دیده اید.

این کاری است که خداوند در عهد عتیق انجام داد. او تصاویری در عهد عتیق از کارهایی که آماده کرده بود را درست کرد تا موقع آمدن عیسی بر زمین برای ما قابل فهم باشد. وقتی خداوند آدم و حوا را با پوست حیوان پوشاند، باید حیوانی را می کشت تا بتواند پوست برای پوشش لختی آنها آماده کند. وقتی شما حیوانی را می کشید خون باید از آن سرازیر شود. کشتن حیوان برای درست کردن لباس آدم و حوا پیش بینی حقیقتی است که روزی عیسی خواهد آمد و خون خود را برای گناهان ما خواهد ریخت. عیسی به جای ما مرد درست مانند همان حیوانی که به جای آدم و حوا در باغ عدن مرد.

در **پیدایش ۲۲** ما پیش بینی دیگری می بینیم، یعنی تصویر دیگری از آمدن عیسی مسیح. خداوند به ابراهیم گفته بود که پسر خود اسحاق را برای قربانی کردن به کوه موریا ببرد. خداوند ایمان ابراهیم را آزمایش می کرد تا ببیند که تا چه اندازه عاشق اوست. ابراهیم اطاعت کرد و با غلامان خود و پسرش اسحاق چوب و آتش برداشته به کوه رفت. اسحاق متوجه شد که مهمترین عامل یعنی گوسفند گم شده است و از پدر خود پرسید که گوسفندی که برای قربانی باید گذرانیده شود، کجاست؟ **"ابراهیم گفت: «ای پسر من، خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.»**

و هر دو با هم رفتند" پیدایش ۲۲: ۸

مطمئن نیستیم که ابراهیم کاملاً فهیده بود که چه باید بگوید، اما می دانم که خداوند چه منظوری داشته است. ابراهیم شاید منظوری داشته و خداوند به نوعی آن را مهیا کرده بود، خداوند سرانجام آماده ساخته بود. اما مهمترین چیز این است که خداوند هدفی داشته که یک روز خود را برای قربانی آماده خواهد کرد. خود خداوند قربانی خواهد بود. و این چیزی که در جلجتا بر روی صلیب اتفاق افتاد. جایی که خداوند به صورت انسان درآمد تا به خاطر گناهان من و شما بر روی صلیب بمیرد.

ابراهیم و اسحاق به کوه موريا رفتند. ابراهیم پسر خود را نشاند و چاقوی خود را به سوی آسمان بلند کرد و آماده شد که آن را بر سینه پسرش فرود آورد و او را بکشد. اما فرشته ای ظاهر شد و ابراهیم را متوقف کرد. **"انگاه، ابراهیم، چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک قوچی، در عقب وی، در پیشه‌ای، به ساخهایش گرفتار شده. پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته، آن را در عوض پسر خود، برای قربانی سوختنی گذرانید"** (پیدایش ۲۲: ۱۳). خداوند می دانست که ابراهیم پسر خود را مضایقه نمی کند و از فرمان او اطاعت خواهد کرد. بنابراین اسحاق بخشیده شد و قوچ گرفته شده و به جای اسحاق قربانی شد. این دقیقاً همان اتفاقی است که وقتی عیسی بر روی صلیب در جلجتا مرد، رخ داد. او به جای ما مرد تا جریمه گناهان ما پرداخته شود. این یک تصویر دیگر است. پیش بینی از مرگ عیسی به جای ما که در عهد عتیق آمده است.

در **خروج ۱۲** ما تصویر دیگری از مرگ مسیح در عهد عتیق را می بینیم. قوم اسرائیل در مصر در اسارت بودند. خداوند بلایای بسیاری را بر قوم مصر نازل کرد تا فرعون را راضی کند که قوم اسرائیل را آزاد نماید. خداوند به موسی در آخرین بلا گفت که من تمام نخستزاده های مصریان را می کشم، آنگاه فرعون به آنها اجازه خواهد داد که بروند. این دستوراتی بود که موسی به بنی اسرائیل داد.

"پس موسی جمیع مشایخ اسرائیل را خوانده، بدیشان گفت: «بروید و بره‌ای برای خود موافق خاندانهای خویش بگیرید، و فصیح را ذبح نمایید. و دسته‌ای از زوفا گرفته، در خونی که در طشت است فرو برید، و بر سر در و دو قایمه آن، از خونی که در طشت است بزنید، و کسی از شما از در خانه خود تا صبح بیرون نرود. زیرا خداوند عبور خواهد کرد تا مصریان را بزند و چون خون را بر سر در و دو قایمه‌اش بیند، همانا خداوند از در گذرد و نگذارد که هلاک کننده به خانه‌های شما درآید تا شما را بزند." خروج ۱۲: ۲۱-۲۳

هر خانواده گوسفندی را گرفته، کشته و خون آن را در طشتی ریخته، سپس دسته ای از شاخه درختی را گرفته و در خون فرو برده و خون را بر روی چهارچوب در پاشیدند. سپس آنها به داخل خانه رفتند و تا صبح در خانه باقی ماندند. در نیمه های شب فرشته مرگ به آن سرزمین آمد و به خانه هایی که بر چهارچوب در آنها خونی وجود نداشت رفت و نخستزاده پسر آن خانواده و نخستزاده حیوان آنها را کشت. فرشته نجات از کنار خانه هایی که نشان خون داشتند عبور کرد و نخستزاده آنها از هلاک شدن نجات یافت.

مطمئن هستیم که بعضی ها باور نمی کنند که خداوند چنین کارهایی می کند. اما این اتفاق افتاده است، درست همانطوری که خداوند گفته است. کسانی که به کلام خدا ایمان داشتند آنچه را که خداوند گفته بود انجام دادند.

گوسفند باید کشته می شد، بنابراین خون آن می توانست بر روی چهارچوب در خانه پاشیده شود، و فرشته مرگ از آن خانه می گذشت و نخستزاده زنده می ماند. این دقیقاً همان کاری است که عیسی مسیح وقتی بر روی صلیب مرد، انجام داد. او بر روی صلیب مرد بنابراین خون او می تواند بر زندگی من و شما ریخته شود، آن وقت زمانیکه در محکمه داوری خداوند قرار می گیریم، خداوند با دیدن خون عیسی مسیح در قلب ما از گناهان ما عبور کرده و ما را از هلاکت حتمی نجات خواهد داد.

تصاویر زیادی در عهد عتیق می باشد که مرگ عیسی مسیح را پیش بینی می کند. اما ما به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم. تصویر دیگر روز کفاره در اعیاد یهودیان بود که در کتاب **لاویان ۱۶: ۱۵-۱۶** آمده است. روز کفاره روزی بوده که کاهن قربانی را برای تمام قوم اسرائیل برای خداوند می گذرانید. "پس بز قربانی گناه را که برای قوم است ذبح نماید، و خونش را به اندرون حجاب بیاورد، و با خونش چنانکه با خون گاو عمل کرده بود عمل کند، و آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت بپاشد و برای قدس کفاره نماید به سبب نجاسات بنی اسرائیل، و به سبب تقصیرهای ایشان با تمامی گناهان ایشان، و برای خیمه اجتماع که با ایشان در میان نجاسات ایشان ساکن است، همچنین بکند."

یک بار در سال یعنی در روز کفاره، کاهن اعظم باید حیوانی را می کشت، خون آن را بر کرسی رحمت بر روی تابوت عهد می ریخت. او فقط یک بار و در روز کفاره اجازه این کار را داشت. خون باید کرسی رحمت را می پوشاند تا کفاره ای باشد برای گناهان قوم اسرائیل. یهودیان گناهکار بودند درست مثل ما در دنیای امروز. خداوند می گوید که خون مسیح بر روی کرسی رحمت پاشیده شد برای کفاره گناهان ما.

تمامی این تصاویری که در عهد عتیق آمده، مرگ عیسی مسیح را هدف قرار می گیرند. او بر روی صلیب مرد تا کفاره گناهان ما را بپردازد، بنابراین ما می توانیم به سادگی با ایمان به مسیح با خداوند رابطه داشته باشیم. ما به خاطر کارهایی که انجام می دهیم به سوی خداوند بازگردانده نمی شویم. ما بسوی خداوند بازگردانده نمی شویم به خاطر اینکه انسان خوبی هستیم، ده یکها به کلیسا می دهیم، غسل تعمید می گیریم، به کلیسا می روییم و یا دعا می کنیم و یا کتاب مقدس را می خوانیم. بلکه ما بسوی خداوند باز می گردیم و با او خواهیم بود فقط به خاطر قربانی که بجای ما روی صلیب اتفاق افتاده است. عیسی مسیح خود را بر روی صلیب به جای ما قربانی کرد و خون خود را به خاطر گناهان ما ریخت.

در عهد جدید

این اتفاقات عهد عتیق را که بطور خلاصه برایتان گفتم، یهودیان می دانند و بارها این داستان ها را شنیده اند و از ماهیت آن باخبرند. هر کدام از این اتفاقات تصویری از پیش بینی آمدن مسیح است. اما چه چیزی بین تصاویر عهد عتیق و پیش بینی های آن و کتاب عهد جدید می باشد؟

"و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت، اینک، بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد" (یوحنا ۱: ۲۹). یحیی تعمید دهنده این کلمات را برای معرفی عیسی به گروهی که برای شنیدن موعظه او جمع شده بودند، بکار برد. ما عبارت مشابهی در **یوحنا ۱: ۳۶** می‌بینیم. چرا یحیی تعمید دهنده عیسی را بره خداوند می‌نامد؟

یحیی تعمید دهنده یک یهودی بود و مفهوم کلماتی را که به کار می‌برد، می‌دانست. یهودیان بلافاصله فهمیدند که عیسی همان مسیح است که خداوند به آنها در عهد عتیق وعده داده بود که می‌آید و برای گناهان آنها می‌میرد. آنها به خاطر می‌آوردند که آن حیوان در باغ عدن باید می‌مرد تا آدم و حوا بتوانند لباس عدالت خدا را بپوشند. آنها به یاد می‌آوردند که آن قوچ باید می‌مرد تا اسحاق زنده بماند. آنها **لاویان ۱۶** و **خروج ۱۲** را به یاد می‌آوردند. هزارها آیه در مورد مردن حیوانی برای زنده بودن دیگران صحبت کرده است. در تمام آن داستان‌ها حیوان فقط یک تصویر بود اما خود آن بره خدا نبود که کفاره گناه انسانها را پرداخت کند. عیسی تنها کامل کننده آن تصویر عهد عتیق است. عیسی کسی است که مجازات گناه را پرداخت کرد. حیوان به جای شخصی قربانی می‌شد تا تصویری از آمدن عیسی باشد. آن چیزی است که یحیی تعمید دهنده می‌گوید. وقتی او گفت "آی همگان، بیدار شوید! خبر مهمی برایتان دارم." **"اینک، بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد."** او به آنها آگاهی می‌داد که عیسی همان مسیح موعود است.

به **عبرانیان ۱۰** توجه کنید. ما در آیه‌هایی که آگاهی شما را بیشتر می‌کنند با دقت نگاه می‌کنیم. **آیه ۱**

"زیرا که چون شریعت را سایه نعمتهای آینده است، نه نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی‌تواند هر سال به همان قربانی‌هایی که پیوسته می‌گذرانند، تقرب جویندگان را کامل گرداند." به یاد داشته باشید که ما از دیدگاه خداوند به مسائل نگاه می‌کنیم. خداوند می‌گوید که شریعت انسان را به خداوند نمی‌رساند. خداوند می‌گوید قربانی‌های سالانه انسان را کامل و عادل در نظر خداوند محسوب نمی‌کند. در عهد عتیق هر سال کاهن در روز کفاره قربانی یکسانی را پیشنهاد می‌داد؟ چرا؟ چون قربانی حیوان، گناه انسان را پاک نمی‌کرد، اگر پاک می‌کرد چه دلیلی بود که هر سال قربانیها تکرار شود؟

آیه ۲- "والآ آیا گذرانیدن آنها موقوف نمی‌شد چونکه عبادت‌کنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی‌داشتند؟" قربانی روز کفاره گناه را از بین نمی‌برد. در غیر اینصورت چرا کاهن اعظم هر سال این قربانی را انجام می‌داد؟ اگر گناه از بین برود، پاک می‌شود. بنابراین اگر او مدام این قربانی را انجام می‌داده، به این دلیل است که مشکل گناه را از بین نمی‌برده است.

به آیه ۴ نگاه کنید. "زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند." این ممکن نیست که خون حیوانات بتواند گناه را پاک کند زیرا خون گاوها و بزها همانطور که در آیه یک آمده، چیزی بیش از یک سایه و یا تصویر نیست.

به آیه ۱۰ توجه کنید. "و به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط." چند بار عیسی مرد؟ یک بار. چرا یک بار؟ زیرا فقط همین یک بار کافی و لازم بود. یک بار برای تمام گناهان مجازات پرداخت شد. اگر عیسی چندبار می‌مرد به خاطر این بود که توان پرداخت همه گناهان را نداشت. او کامل کننده همه قربانیهای عهد عتیق است. عیسی یک بار مرد و همین مرگ او کافی بود که جزای گناهان همه دنیا را بپردازد.

به آیه ۱۱ و ۱۲ نگاه کنید: "و هر کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستد و همان قربانی‌ها را مکرراً می‌گذراند که هرگز رفع گناهان را نمی‌تواند کرد. لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابدالآباد." عیسی فقط یک بار بر روی صلیب مرد تا جزای گناهان ما را بپردازد. این یک خبر خوش است. آیا به خاطر دارید انجیل را؟ خبر خوش این است که عیسی برای گناهان ما مرد بر حسب کتب، او دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست بر حسب کتب. خبر خوش این است که عیسی یک بار مرد و برای همیشه جزای گناهان بشر را پرداخت کرد.

عبرانیان ۹: ۱۲ می‌گویند، "و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیه ابدی را یافت." مرگ عیسی مسیح برای پرداخت گناهان دنیا کافی بود. تمام کاری که باید انجام می‌داد این بود که یک بار بمیرد. مکان مقدس که اطاق داخلی معبد بود که خداوند سالی یک بار با کاهن اعظم در آنجا ملاقات می‌کرد. مثل این است که داخل یک پناهگاه بشوید تا با خداوند حرف بزنید. هیچ کس به جز کاهن اعظم سالی یک بار اجازه ورود به آن مکان را نداشت.

کتاب مقدس می‌گوید که عیسی به داخل آن مکان مقدس و پادشاهی خدای پدر با خون بزها و گوساله‌ها نرفت. او حیوانی را نکشت تا به آنجا برسد، بلکه او با خون خود به مکانی بسیار مقدس تر رفت. او بر روی صلیب مرد و پاشیده شدن خون او چیزی بود که جایگاه او را خرید و او خون خود را با خود به حضور پدر برد و خدای پدر با دیدن خون پسر خود خشنود شد و غضب او نسبت به گناهان بشر فرو ریخت.

توجه کنید: "زیرا هر گاه خون بزها و گاوان و خاکستر گوساله چون بر آلودگان پاشیده می‌شود، تا به طهارت جسمی مقدس می‌سازد، پس آیا چند مرتبه زیاده، خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی‌عیب به خدا گذرانید، ضمیر شما را از اعمال مرده ظاهر نخواهد ساخت، تا خدای

زنده را خدمت نمایند؟" (عبرانیان ۹: ۱۳-۱۴). در عهد عتیق مردم قربانی ها می گذرانیدند و با خداوند سخن می گفتند و خداوند آنها را می پذیرفت، گرچه قربانی های آنها کاملاً گناهانشان را پاک نمی کرد. اما توجه کنید که قدرت خون عیسی مسیح چقدر عظیم است که گناه تمام جهان را از بین می برد!

در عهد عتیق قربانی کردن فقط مثل یک ضمانت بود. مثل جمله ای که در پایین ضمانتنامه می نویسید "بدهی و قسط خود را سالیانه در موعد مقرر پرداخت خواهم کرد." سال بعد در موعد مقرر دوباره امضاء می کنید و می نویسید و سال های پیاپی امضاء می کنید و می نویسید که بدهی خود را پرداخت خواهم کرد. و یک روز می بیند که نوشته شده کل بدهی پرداخت شده. بعد از آن دیگر به بانک نمی روید تا کاغذی را امضاء کنید که بدهی را پرداخت خواهم کرد، چون بدهی شما قبلاً پرداخت شده است.

قربانی های عهد عتیق گناهان مردم را پاک نمی کرد. فقط مثل این بود که آنها می گفتند، "ما می دانیم که گناهان ما پاک خواهد شد. یکی از این روزها اتفاق می افتد." آنها نمی دانستند چه زمانی اتفاق می افتد، اما باور داشتند که اتفاق می افتد. وقتی عیسی به این دنیا آمد، بر روی صلیب مرد، و یک بار جزای گناه را پرداخت کرد. عیسی بر روی صلیب فریاد زد "تمام شد." او بدهی تمام انسانها را تمام کرد و تسویه حساب کرد تا ما دیگر به خداوند بدهکار نباشیم.

به عبرانیان ۹: ۱۵ نگاه کنید: **"و از این جهت او واسطه عهد تازه ای است تا چون موت برای کفار تقصیرات عهد اول بوقوع آمد، خواننده تسدگان وعده میراث ابدی را بیابند."** عیسی مسیح کسی است که مسئولیت یافت چون او برای گناهان ما بر روی صلیب مرد. او مسئول گناه است. او واسطه ای است که در میان ما و خدا قرار گرفته است.

تمام کسانی که در زمان عهد عتیق می زیستند، و نجات یافته بودند، ضمانتنامه را داشتند، اما هنوز بدهی آنها پرداخت نشده بود. اما وقتی عیسی آمد و بر روی صلیب مرد، عهد جدید او با خون خویش، پرداختی گناهان آنان شد همچنانکه در عهد جدید خون مسیح پرداختی گناهان ما نیز است.

بیاید به عبرانیان ۹: ۲۴-۲۸ نگاهی بیاندازیم. **"زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود. و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل می شود؛ زیرا در این صورت می بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، همچنین مسیح**

نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات.

عیسی نباید دوباره و دوباره بمیرد. او تنها یک بار مرد. وقتیکه او مرد، تنها مجازات گناهان پرهیزکاران عهد عتیق را نپرداخت، بلکه او جریمه گناهان کسانی را هم که در آینده به دنیا می‌آیند، پرداخت کرد. او مجازات گناهان کل دنیا را پرداخت کرد، هر کسی که از قبل بوده کسی که هنوز به دنیا نیامده و تا انسانهای آخر زمان. او فقط باید یک بار می‌مرد.

حالا او در دست راست پدر است که برای ما میانجیگری می‌کند. این انجام می‌شود وقتیکه او میانجیگری می‌کند و می‌گوید، "پدر، بدهی آقای ... یا خانم ... به طور کامل پرداخت شده. این شخص را ببین پدر، من قبلاً بدهی گناهان او را پرداخت کرده ام. بیا پدر، شخص دیگری هم هست. او فقط به من اعتماد کرده و نجات یافته و دیگر نمی‌خواهد بر اساس اعمال خودش اینجا بیاید. پدر، او به من اعتماد کرده است او نیز یکی از پیرو من است."

آن خبر خوش انجیل است که در مورد همه چیز سخن گفته است. من و شما نمی‌توانیم با تکیه بر خودمان و اعمال خود به بهشت برویم، اما خبر خوش این است که عیسی راهی را برای ما مهیا کرده که بتوانیم به حضور خدا برویم.

صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم

ما چگونه می‌فهمیم که عیسی صلاحیت مسیح و منجی بودن را داراست؟ در یوحنا ۵: ۳۹-۳۱ پنج نشانه که عیسی همان مسیح موعود است را می‌بینیم. نشانه اول، عیسی خودش ادعا کرد که او مسیح موعود است یعنی کسی که آمده است تا مجازات گناهان آنها را بپردازد. عیسی گفت، "به شما می‌گویم که من که هستم. اما شما نمی‌خواهید به من گوش کنید." به طور مثال اگر من مقداری خون بیاورم و ادعایی بنویسم و شاهدی نداشته باشم تا با من موافق باشد، به احتمال زیاد شما به گفته‌های من گوش نخواهید کرد.

اما نشانه‌های دیگری هست به غیر از اینکه خود عیسی گفته است. دومین آنها، یحیی تعمید دهنده است. او به عیسی اشاره کرد و گفت "اینک، برّه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد." او می‌دانست که عیسی کیست، پس به او در میان جمعیت اشاره کرد.

سومین نشانه کارها و معجزات عیسی مسیح است. معجزات عیسی چگونه وی را توصیف می‌کند؟ نابینا را بینا کرد. کاری کرد که فلج‌ها از جا برخیزند. شخص لال را به سخن گفتن شفا داد. کرها را شنوا کرد. او مرده‌ها را زنده کرد. گناهان انسانها را بخشید. طوفان دریا را آرام کرد. عیسی مسیح هزاران هزار معجزه کرد. عیسی

چگونه می توانست این کارها را انجام دهد؟ برای اینکه او خداست چنانکه خود او ادعا کرد. چه کسی می تواند به مردگان حیات بخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند گناهان را ببخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند بر طبیعت مسلط باشد جز خدا؟ او مسیح موعود و خداوند است، کسی که مجازات گناه دنیا را پرداخت.

چهارمین نشانه از طرف خدای پدر بود. به یاد داشته باشید که وقتی عیسی تعمید گرفت و از آب بیرون آمد، خدای پدر از آسمان حرف زد و گفت **"اینست پسر حبیب من که از او خوشنودم."** متی ۳: ۱۷

و دوباره وقتی عیسی بر کوه بلندی با پطرس و یعقوب و یوحنا بود، خدای پدر از آسمان سخن گفت و فرمود. **"این است پسر حبیب من که از وی خوشنودم. او را بشنوید."** خدای پدر می دانست که عیسی کیست و برای همگان این را اعلام کرد تا بشنوند.

پنجمین نشانه این است که عیسی حقیقتاً مسیح است **بر اساس کلام خدا** است. این قویترین نشانه میان بقیه است. ما می توانیم کلمه به کلمه کتاب مقدس را بخوانیم و از ابتدا تا انتها و صدها متن پیدا کنیم که راجع به عیسی است که می گوید او کیست و او را مسیح خوانده است. در حقیقت سی و هفت پیش گویی گوناگون در مورد مسیح در کتاب مقدس وجود دارد، این پیش گویی ها زندگی و خدمت عیسی را تکمیل کرد و تأیید می کند که حقیقتاً او مسیح است.

یکی از این پیش گویی ها در میکاه ۵: ۲ آمده است که درباره زادگاه مسیح پیشگویی می کند.

آیا به یاد دارید که عیسی چگونه به دنیا آمد؟ به خاطر فرمان قیصر آگوستوس، یوسف و مریم باید به بیت اللحم می رفتند تا بتوانند به دلیل آمارگیری تولد را ثبت کنند. وقتی آنها به آنجا رفتند، عیسی به دنیا آمد. اگر بخاطر فرمان قیصر نبود، عیسی در آن شهر به دنیا نمی آمد. خداوند کاری کرد که عیسی در بیت اللحم به دنیا آید. همانطور که در پیش گویی کتاب مقدس آمده است.

اشعیا ۷: ۱۴ پیشگویی می کند که مسیح از باکره به دنیا می آید. چگونه یک باکره می تواند فرزندی داشته باشد؟ این غیر ممکن است مگر با دخالت خداوند. این قطعاً معجزه خداوند است. این پیش گویی در زندگی مریم به وقوع پیوست. کتاب مقدس به ما می گوید که مریم تا قبل از به دنیا آمدن عیسی با هیچ مردی رابطه نداشته. با تمام چیزهایی که در زندگی عیسی به وقوع پیوسته است، نمی توانید بگویید که عیسی فقط یک انسان عادی یا فقط یک پیامبر بوده است. عیسی خدا بود که در جسم انسان وارد این جهان شد همانطور که خودش این را ادعا کرد.

بخش های زیادی وجود دارد که در مورد مرگ عیسی و چگونگی آن توضیح داده شده است. اشعیا ۵۳: ۹ و ۱۲ یکی از همان بخش هاست. وقتی عیسی مسیح بر روی

صلیب مرد، اشعیاء گفت که "او از خطاکاران محسوب شد." (آیه ۱۲). عهد جدید به ما می گوید که در دو طرف عیسی وقتی به صلیب آویخته شده بود دو دزد قرار داشتند. این اتفاق دقیقاً همانطور که در کتاب مقدس پیش بینی شده بود، رخ داد.

همچنین اشعیاء ۵۳: ۹ پیش گویی کرده که او بعد از مرگش در قبر دولتمندی دفن می شود. قبر او کجا بود؟ یوسف اهل رامه که مردی بسیار ثروتمند بود، قبر خود را به عیسی داد تا دفن شود.

سوالات این درس:

- ۱- واژه انجیل به چه معناست؟
- ۲- در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت" به چه معناست؟
- ۳- طبق اول قرنیتیان ۱۵: ۱-۴ انجیل (خبر خوش) چیست؟
- ۴- چرا عبارت "بر حسب کتب" در متن کتاب مقدس مهم است؟
- ۵- طبق غلاطیان ۳: ۸-۱۴ ابراهیم چگونه عادل شد؟
- ۶- غلاطیان ۳: ۱۳ را بنویسید؟
- ۷- اولین پیشگویی درباره آمدن مسیح منجی در کدام آیه کتاب مقدس است؟
- ۸- در خروج ۱۲: ۲۱-۲۳ نخستزاده یهودیان چگونه از هلاک شدن نجات یافتند؟
- ۹- در لایوان ۱۶: ۱۶-۱۵ چگونه گناهان یهودیان کفاره داده می شد؟
- ۱۰- یحیی تعمید دهنده در یوحنا ۱: ۲۹ عیسی را به چه عنوان به مردم معرفی کرد؟

۱۱- طبق عبرانیان ۱۰: ۴ آیا قربانی گاوها و بزها می توانست گناهان انسان را رفع کند؟

۱۲- طبق عبرانیان ۱۰: ۱۰ چه قربانی می تواند گناهان انسان را از بین ببرد؟

۱۳- پنج نشانه از صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم را بنویسید؟

۱۴- دو پیشگویی درباره عیسی مسیح را که در عهد عتیق آمده بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۱: ۱۶ ، اول قرنتیان ۱۵: ۱-۴ ؛ غلاطیان ۳: ۱۳ ؛ یوحنا ۱: ۲۹ ؛ عبرانیان ۱۰: ۱۰

درس ۶: آزمون اسلام از صحت داشتن آن

شاید شما همانند بنده در یک خانواده مسلمان بزرگ شده اید و طبق چیزهایی که از اول زندگی خود یاد گرفته اید، فکر می کنید که محمد پیامبری از سوی خداست، قرآن کلام خداست و الله خدایی است که زمین و آسمان را آفریده و اسلام آخرین دین و تکمیل کننده تمامی ادیان است. در این درس می خواهیم محمد بنیانگذار دین اسلام، قرآن کتاب آسمانی اسلام و الله خدای اسلام و دین اسلام را بیازماییم تا ببینیم آیا این دین می تواند از طرف خداوند باشد یا نه. در مرحله اول از قرآن شروع می کنیم تا از صحت آن مطمئن شویم.

سوالاتی که درباره اشتباهات قرآن باید از مسلمانان پرسید؟

آیا قرآن از طرف خدای واقعی فرستاده شده یا اینکه ساخته دست بشر است؟ اگر قرآن کلام خدا باشد، می بایست عاری از هرگونه خطا و اشتباه باشد. برای بدست آوردن این حقیقت می توانیم قرآن را آزمون کنیم و حقیقت را کشف کنیم.

سوال ۱: خورشید که هر روز غروب می کند، آیا می تواند در چشمه آب گل آلود و سیاه غروب کند؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟ بیایید ببینیم قرآن چه چیزی در اینباره می گوید.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۳) إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَاتَّبَنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيًّا (۸۴) فَاتَّبِعْ سَبِيلَ (۸۵) حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرِبُ فِي عَيْنِ حِمَّةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرَيْنِ إِنَّا أَنْ نَعَذِبُ وَإِنَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حِسَابًا (۸۶) قَالَ أَمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَكِرًا (۸۷) وَإِنَّا مِنْ أَمْنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَيَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸) ثُمَّ اتَّبِعْ سَبِيلَ (۸۹) حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا (۹۰) كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خَيْرًا

سوره الکهف آیه ۸۳-۹۱

"و از تو در باره ذوالقرنین می پرسند بگو: برای شما از او چیزی می خوانم. ما او را در زمین مکانت دادیم و راه رسیدن به هر چیزی را به او نشان دادیم، او نیز راه را پی گرفت تا به مکان غروب خورشید رسید دید که در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می کند و در آنجا مردمی یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین، می خواهی عقوبتشان کن و می خواهی با آنها به نیکی رفتار کن گفت: اما هر کس که ستم کند ما عقوبتش خواهیم کرد آنگاه او را نزد پروردگارش می برند تا او نیز به سختی عذابش کند. و اما هر کس که ایمان آورد و کارهای شایسته کند، اجری نیکو دارد و درباره او فرمانهای آسان خواهیم راند. باز هم راه را پی گرفت تا به مکان بر آمدن آفتاب رسید دید بر

قومی طلوع می کند که غیر از پرتو آن برایشان هیچ پوششی قرار نداده ایم. چنین شد و ما بر احوال او احاطه داریم."

ما می دانیم که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. ولی در زمان محمد هیچکس نمی دانست که خورشید هر روزه کجا غروب می کند. محمد ادعا کرد که پیامبری است از طرف الله، بنابراین اعراب از او پرسیدند، "اگر تو پیامبر هستی به ما بگو که خورشید هر روز کجا غروب می کند؟" در آن لحظه محمد برای پاسخ دادن، دو گزینه داشت: او می توانست حقیقت را بیان کرده و بگوید، ۱- "من نمی دانم که خورشید کجا غروب می کند." اگر محمد چنین جوابی را می داد، مردم او را دروغگو می پنداشتند و او را لایق جهنم می دانستند. محمد نخواست پیامبر دروغین محسوب شود. ۲- دومین گزینه ای که محمد داشت این بود که حدس بزند و یک چیزی را از خود ساخته و به مردم تحمیل نماید که چنین کار را نیز انجام داد. او گفت: "خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند." چون کسی از این حقیقت آگاهی نداشت او با این دروغ ساختگی آنها را قانع کرد.

سوره کهف آیه ۸۳-۹۱ ادعا می کند که چطور ذوالقرنین راه خود را پیش گرفت و به سمت غرب رفت تا به مکان غروب خورشید رسید. سوالی که پیش می آید اینست که:

سوال ۱: آیا مکانی برای غروب خورشید وجود دارد؟ آیا تهران مکان غروب خورشید است؟ مدینه چطور؟ نیویورک چی؟ نخیر غروب خورشید هیچ مکانی ندارد.

سوال ۲: مکان غروب خورشید کجاست؟ آیا مکان غروب خورشید شهر تهران است، یا اصفهان یا شیراز یا شاید مکه؟ چنین مکانی وجود ندارد که خورشید در آن غروب کند. خورشید می تواند در جهت و سمتی حرکت کند ولی نمی تواند در مکانی غروب کند. این یک اشتباه بزرگ و دروغ فاحشی است که محمد در قرآن آورده.

سوال ۳: آیا اعتقاد دارید که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند؟ خورشید هرگز در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. خورشید حدود یک میلیون برابر بزرگتر از زمین است و نمی تواند در روی زمین در داخل چشمه گل آلودی گنجایش داشته باشد. محمد این نظریه را حدس زد ولی حدس او اشتباه بود و این اشتباه بزرگ در قرآن چهار چیز را ثابت می کند:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.
۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.
۳. الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است و نه خدای واقعی چون خدای واقعی که خورشید را خلق کرده نمی تواند با آن قدرت و عظمت خود اشتباه کند.
۴. اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.

سوال ۴: شاید مسلمانان با این نظریه اشتباه قرآن مخالفت کرده و بخواهند آن را پوشش دهند و بگویند که این آیه بطور واقعی تفسیر نمی شود بلکه به صورت تمثیلی و استعاری. باید در این صورت از آنها پرسید: "لطفاً یک کلمه تمثیلی و استعاره در آیه ۸۳-۹۱ به من نشان بده." (کلمات تمثیلی و استعاره عبارتند از: مثل، مانند، شبیه) هیچ کلمه تمثیلی و استعاره در این آیات استفاده نشده است و گفته های محمد همانطور که در آیات پیداست بطور واقعی تفسیر می شود. ذوالقرنین یک شخص واقعی بود که راه واقعی را پی گرفت تا به مکان واقعی خورشید رسید، دید که خورشید واقعی در چشمه گل آلود و سیاه واقعی غروب واقعی می کند و در آن مکان واقعی مردم واقعی را یافت که اطراف آن چشمه زندگی می کردند. بنابر این هیچ کلمه تمثیلی و استعاره در این آیات نیست، بلکه آنها ۱۰۰٪ واقعی تفسیر می شوند چنانکه آیه ۹۱ نیز این را ثابت کرده و می گوید که "چنین شد" (یعنی به وقوع پیوست). آیا چنین شد جمله تمثیلی است یا واقعی؟ البته که واقعی. یعنی اینکه این یک داستان نیست بلکه یک واقعیتی است که خورشید در چشمه آب گل آلود غروب می کند.

سوال ۵: مسلمانان شاید مخالفت کنند و بگویند، "این نسخه از ترجمه قرآنی که شما می خوانید، ترجمه خوب و درستی نیست و باید ترجمه های دیگر را بخوانید." در این صورت باید از آنان پرسید، "چه کسی زبان عربی را بهتر می داند؟ شما یا بهترین مترجمان اعراب؟ چند سال شما در دانشگاه، زبان عربی آموخته اید؟ من سه جلد از ترجمه های معروف عربی از قرآن را دارم (داود، پنگال، و یوسف علی) که هر سه همان ادعا را می کنند که خورشید در چشمه آب غروب می کند. اگر این ترجمه های قرآن مورد علاقه شما نیست می توانید به کتابفروشی ها مراجعه کنید و آنها را از فروختن آن ترجمه ها منع کنید. همه مسلمانان دنیا این سه ترجمه ها را قبول دارند. در کتاب حدیث سنن ابو داود آیه ۳۹۹۱ نیز محمد پیامبر الله این گفته خود را تأیید کرد و گفت که بله خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند.

۲- لطفاً اشتباه شماره ۲ را بخوانید.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

یاسین آیه ۳۸ " و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است."

آیا خورشید قرارگاه دارد؟ خیر خورشید قرارگاه ندارد که بتواند در آن استراحت کند.

قرارگاه خورشید کجاست؟ خورشید محل خواب و استراحت ندارد و همچنین خورشید به سوی قرارگاه ویژه خود روان نیست و حرکت نمی کند بلکه ثابت است. این زمین است که روان و در حال گردش است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۳- لطفاً اشتباه شماره ۳ را بخوانید؟

ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

سوره مومنون آیه ۱۴ "آنگاه نطفه را به صورت علقه (خون لخته) درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آورد."

این آیه روش شکل گرفتن نطفه (جنین) در شکم مادر را شرح می دهد. این آیه ادعا می کند که نطفه از مرحله لخته شدن خون عبور می کند. این کاملاً اشتباه است. ما می دانیم که نطفه از تخم بارور شده ای بوجود می آید که تقسیم و افزایش پیدا می کنند، شروع به رشد کرده و افزوده می شوند تا مادامیکه نطفه در رحم مادر شکل بگیرد. یک نطفه هرگز از مرحله خون لخته شده (خون مرده) عبور نمی کند بلکه از سلولهای زنده عبور می کند. محمد میکروسکوب نداشت که درون شکم مادر را نگاه کند و ببیند که نطفه چگونه شکل می گیرد. او فقط حدس زد و نظر داد که حدس او اشتباه بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۴- لطفاً اشتباه شماره ۴ را بخوانید.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

سوره فصلت آیه ۱۲ "پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود و آسمان پایین را به چراغها [ستارگان] آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است. اندازه گیری آن نیرومند دانا."

در سوره فصلت آیه ۱۲ قرآن ادعا می کند که هفت آسمان وجود دارد ولی آنها را تعریف و توصیف نمی کند که اسم هر یک از آن آسمانها چیست. در کتاب مقدس ما سه آسمان داریم (۱- آسمان اول اتمسفر است یعنی جایی که پرنده ها پرواز می کنند و همچنین جایی که ما نفس می کشیم. ۲- آسمان دوم فضاست، یعنی جایی که ستارگان هستند. ۳- آسمان سوم بهشت است، جایی که حضور خداوند و فرشتگان و نجات یافتگان هست). همچنین در ادامه آیه قرآن ادعا می کند که ستارگان در فاصله نزدیکتر به زمین قرار دارند. اگر او می گفت که ماه نزدیکتر به زمین است، ادعای او درست می بود. و یا اگر می گفت که خورشید نزدیکتر به زمین است باز می توانستیم قانع شویم اما او می گوید که ستارگان نزدیکتر به زمین هستند که این یک دروغ و اشتباه بزرگ است. ستارگان در فاصله دورتر از ماه و خورشید از زمین قرار دارند. نزدیکترین ستاره به زمین ۴ سال نوری (۴ تریلیون کیلومتر) فاصله دارد. ستارگانی که در دور دست قرار دارند در فاصله ۱۳ میلیارد سال نوری از زمین قرار

دارند که یک فاصله غیر قابل تصور و نجومی هست. محمد نمی دانست که ستارگان چقدر با زمین فاصله دارند و یا بزرگی آنها چقدر است. او فکر کرد که اندازه یک ستاره به بزرگی تخم چشم یا یک سنگ کوچک است که می توان با آن شیطان را تیر اندازی کرد. محمد باز این را حدس زد و حدس او اشتباه بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۵- لطفاً اشتباه شماره ۵ را بخوانید.

أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶)

"مگر به آسمان بالای سرشان نگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست." سوره ق آیه ۶

سوره ق آیه ۶ می گوید که آسمان شکافتگی ندارد. ما واژه شکافتگی را فقط برای جسم جامد بکار می بریم. اما مایع و گاز مانند آب و هوا نمی توانند در خود شکافتگی داشته باشند. بنابراین وقتی که قرآن از واژه شکافتگی برای توصیف آسمان استفاده می کند، پی می بریم که مؤلف قرآن فکر می کند که آسمان یک سقف جامد است که می توانست شکافتگی داشته باشد ولی الله طوری آن را آفریده که هیچگونه درز و شکافتگی ندارد. این نظریه که آسمان سقف است در زمان محمد رایج بود ولی امروزه ما می دانیم که این یک نظریه خنده دار و اشتباهی است. آسمان یک سقف جامد نیست که شکافتگی نداشته باشد، بلکه یک اتمسفر گازی است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۶- لطفاً اشتباه شماره ۶ را بخوانید.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ (۳۲)

سوره الانبیاء آیه ۳۲ "و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم [ولی] آنان از [مطالعه در] نشانه های آن اعراض می کنند."

سوره انبیا آیه ۳۲ ادعا می کند که آسمان سقف دارد.

سوال ۱: آیا عقیده دارید که آسمان سقف دارد؟

سوال ۲: اگر چنین است، فاصله این سقف از زمین چقدر است؟

سوال ۳: این سقف از چه چیزی ساخته شده است؟

محمد اعتقاد داشت که اگر به سمت آسمان بالا صعود کنیم، به سقف آسمان برخورد کرده و سر و کله ما می شکنند. آیا شما با این نظریه موافق هستید؟

۷- لطفاً اشتباه شماره ۷ را بخوانید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ (۶۵)

سوره حج آیه ۶۵ "آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد تا مبادا بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش باشد."

مردم از محمد پرسیدند: "اگر آسمان سقف داشته باشد، پس چطور این سقف فرو نمی‌ریزد؟ چه چیزی این سقف را در آسمان نگه می‌دارد و مانع فرو ریختن آن می‌شود؟ چون محمد هیچ اطلاعی از این امر نداشت، او اظهار کرد که الله از آن بالا سقف آسمان را با دستهای خود نگاه می‌دارد تا مبادا بر زمین فرو ریزد مگر به اذن خودش باشد و اگر نخواهد و به اذن خودش نباشد رها می‌کند تا فرو بریزد. او دوباره در این مورد حدس زد و حدس او اشتباه بود. این اشتباه ثابت می‌کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است."

۸- لطفاً اشتباه شماره ۸ را بخوانید.

اَلَيْسَ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزِجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهٖ وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيْهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهٖ مَنْ يَّشَاءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنِ مَنْ يَّشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ (۴۳)

سوره نور آیه ۴۳ "پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [خداست که] از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی برقش چشمها را ببرد."

اعراب از محمد پرسیدند که تگرگ از کجا فرو می‌ریزد. مجدداً محمد بدون اینکه تگرگی در زندگی خود در عربستان دیده باشد، اظهار نظر کرده گفت که تگرگ از کوههایی که در آسمان هستند فرود می‌آید. او مردم را با این حرف دروغ فریب داد چون ما می‌دانیم که تگرگ از آب اقیانوس که بوسیله گرمای آفتاب تبخیر شده به آسمان می‌رود و به ابرها برخورد کرده بصورت قطرات باران و بعضی اوقات سردی هوا باعث یخ زدن آن می‌شود که بصورت برف یا تگرگ فرود می‌آید.

سوال ۱: آیا تابحال کوهی مانند کوه اورست یا دماوند در آسمان دیده اید که تگرگی را نازل کند؟

سوال ۲: آیا اعتقاد دارید که تگرگ از کوه آسمان فرود می‌آید؟

۹- لطفاً اشتباه شماره ۹ را بخوانید.

اَلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّ سَلَكَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَاءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِّنْ ثَمَرَاتٍ سَتَى (۵۳)

سوره طه آیه ۵۳ "همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم."

سوال ۱: آیا اعتقاد دارید که زمین مثل گهواره ای تخت است؟ زمین بنظر تخت می آید ولی آن کروی شکل است. کتاب مقدس ۲۷۰۰ سال پیش می گوید که زمین کروی شکل است (اشعیا ۴۰: ۲۲). اعراب زمان محمد اعتقاد داشتند که زمین تخت است و محمد نیز این را تأیید کرد که این نظریه یک اشتباه محض است.

۱۰- لطفاً اشتباه شماره ۱۰ را بخوانید.

مِنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۖ إِلَهِمَّ اللَّهُ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

سوره نمل آیه ۶۱ "همانا آن کس که زمین را قرارگاه ثابت ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوهها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند"

قرآن در سوره نمل آیه ۶۱ ادعا می کند که زمین قرارگاه ثابتی است. واژه ثابت به معنای "ایستاده، ساکن، و یا بی حرکت" است. امروزه ما می دانیم که زمین ثابت و بی حرکت نیست بلکه در مداری سالی یکبار دور خورشید می چرخد و روزی یکبار نیز دور خود می چرخد. بنابراین زمین همواره با سرعت بالایی در حال حرکت و روان است. زمین یقیناً ثابت نیست.

۱۱- لطفاً اشتباه شماره ۱۱ را بخوانید.

وَقَالِ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِي مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

سوره القصص آیه ۳۸ "و فرعون گفت ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می پندارم."

در سوره قصص آیه ۳۸ قرآن ادعا می کند که فرعون (پادشاه مصر) با هامان (وزیر خشایارشا هخامنشی پادشاه ایران) مکالمه کرده و از او می خواهد که با گل، برجی برای او بسازد.

سوال ۱: فرعون زمان موسی در چه سالی زندگی می کرد؟ ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۲: هامان چه سالی زندگی می کرد؟ ۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۳: ۱۵۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ قبل از میلاد چند سال اختلاف زمانی دارد؟ ۱۰۰۰ سال. فرعون ۱۰۰۰ سال قبل از هامان مرده بود. فرعون و هامان ۱۰۰۰ سال و در

فاصله بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر جدای از هم زندگی می کردند و هرگز همدیگر را ملاقات نکرده بودند.

سوال ۴: چگونه این اشتباه تاریخی وارد قرآن شد؟ محمد یهودیان بسیاری را در عربستان می شناخت که به او گفته بودند که فرعون و هامان هر دو ضد یهودی بودند که می خواستند آنها را از بین ببرند. به دلیل اینکه اعراب سیستم تقویم و تاریخ نداشتند که زمانها و رویدادهای تاریخی را بدانند و ثبت کنند، بنابراین چون محمد تقویم نداشت، او حدس زد که فرعون و هامان هر دو در یک زمان و یک مکان باهم زندگی می کردند که دست به یکی شده بودند که یهودیان را هلاک کنند. این حدس محمد اشتباه فاحش بود.

۱۲- لطفاً اشتباه شماره ۱۲ را بخوانید.

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

سوره طه آیه ۹۵ "موسی گفت تو چرا اینکار را کردی ای سامری؟"

در سوره طه آیه ۹۵ موسی از سامری سوال می کند که چرا او بت گاو طلایی را ساخته. موقعی که موسی بالای کوه سینا رفت و چهل روز در حضور خدا بود تا ۱۰ فرمان را دریافت کند، همزمان در دامنه کوه برادر موسی یعنی هارون توسط فشار مردم مجبور به ساخت بتی به شکل گاو طلایی شد و دست به ساخت آن کرد. بنابراین هارون این بت را ساخت نه سامری (خروج ۳۲: ۲۱).

سوال ۱: موسی در چه سالی زندگی می کرد؟ ۱۵۰۰ قبل از میلاد

سوال ۲: سامری چه کسی بود؟ سامریان در ۷۲۲ قبل از میلاد بوجود آمدند. هنگامیکه آشوریان در ۷۲۲ قبل از میلاد به ده طایفه شمالی اسرائیل حمله کردند، یهودیان را به اسارت بردند و آنها را وادار به وصلت با امتهای بت پرست کردند. بنابراین فرزندان که از وصلت یهودیان با غیر یهودیان به دنیا آمدند به اسم سامری معروف گشتند (دوم تواریخ ۱۷: ۲۴-۲۹). بنابراین سامریان در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به بعد بوجود آمدند.

سوال ۳: از زمان موسی تا زمان بوجود آمدن سامریان چند سال فاصله است؟ حدود ۸۰۰ سال. مکالمه بین موسی و سامری هرگز رخ نداد. موسی ۸۰۰ سال قبل از پیدایش سامریان مرده بود. این اشتباه تاریخی قرآن ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۱۳- لطفاً اشتباه شماره ۱۳ را بخوانید.

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

سوره المائده آیه ۹۶ "صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره‌ای باشد [ولی] صید بیابان مادام که محرم می‌باشید بر شما حرام گردیده است و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید پروا دارید."

سوره مائده آیه ۹۶ ادعا می‌کند که صید دریا و ماکولات آن طعمی است که برای خوردن مناسب و حلال است. اما ما می‌دانیم که بیش از ۱۲۰۰ ماهی سمی در دریا وجود دارد که اگر آن را بخوریم، بلافاصله خواهیم مرد (مثال: ماهی تترادوکسین، جلی فیش، و ...).

سوال: آیا مسلمان و یا آخوندی جرأت می‌کند که از آن ماهیان سمی که طبق قرآن مناسب و حلال است، میل کند؟ نه

قرآن کتاب مهلک و خطرناکی است که اعتقاد داشتن و عمل کردن به آن می‌تواند موجب مرگ و میر انسانها شود. محمد فکر می‌کرد که تمامی ماهیان قابل خوردن هستند و این حدس او اشتباه بود که این اشتباه اثبات می‌نماید که قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.

۱۴- لطفاً شماره ۱۴ را بخوانید.

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

سوره طارق آیه ۵-۷ "انسان از آب جهنده‌ای خلق شده که از صلب مرد و میان استخوانهای سینه بیرون می‌آید."

سوره طارق آیه ۵-۷ می‌گوید که آب جهنده از میان استخوانهای ستون فقرات و دنده مرد بوجود می‌آید. این کاملاً دروغ و اشتباه است. آب جهنده از میان بیضه مرد که حدود ۳۰ سانتی متر پایین تر از آن جایی که محمد ادعا کرد می‌باشد. محمد حدسش اشتباه بود.

۱۵- لطفاً شماره ۱۵ را بخوانید.

فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَي الْمَوْتِ مَا دَلِمَ عَلَي مَوْتِهِ اَلَّا دَابَّاهُ الْاَرْضِ تَاكُلُ مِنْسَاتِهِ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ اَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمَهِينِ
سوره سبا آیه ۱۴ (با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامیکه مرگ را بر او مقرر داشتیم کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد). هنگامیکه بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی‌ماندند."

سوره سبا آیه ۱۷ می‌گوید که سلیمان در حال ایستاده به ساخت معبد نظارت می‌کرده که ناگهان می‌میرد و همچنان سر پا می‌ایستد و کسی

از مرگ او مطلع نمی شود مگر موریانه که عصای او را می خورند تا پیکر و جسد سلیمان فرو افتد.

سوال ۱: آیا کسی که بمیرد می تواند هنوز سر پا بیايستد؟ خیر

سوال ۲: چند سال طول می کشد که موریانه عصای سلیمان را بخورند؟ شاید ۱۰ سال شاید هم بیشتر

سوال ۳: آیا در طول آن ۱۰ سال کسی نفهمید که او مرده است؟ آیا همسر او نگفت که شوهرم چرا امشب خانه نیامد؟ آیا وزیران او نپرسیدند که چرا سلیمان پادشاه سر تخت خود نیامد؟

جسد مرده نمی تواند سر پا بیايستد بلکه بلافاصله در هنگام مرگ زمین می خورد. این اشتباهات همه اثبات می کنند که محمد کسی بود که دین اسلام را بوسیله کمک از دیگران (سلمان فارسی، همسر پولدار خود خدیجه و دیگران) بنیانگذاری کرد و تمامی تعلیمات خود را بر پایه دروغ و اشتباهات بنیان نهاد که آن دروغها را می توانیم به سادگی با خواندن قرآن به زبان مادری خود بدست آورده و دین اسلام را به عنوان وسیله ای برای فریب میلیونها انسان بی گناه رد کنیم.

از اول زندگی به ما گفتند که باید قرآن را به زبان عربی بخوانیم و نه فارسی، چون خواندن قرآن به زبان فارسی ثواب به همراه ندارد و همچنین به دلیل اینکه زبانی که الله صحبت می کند، عربی است. خدایی که ما را آفریده از زبان مادری ما آگاه است و در کلام خود نمی تواند اشتباهی کند. پس این اشتباهات قرآن ثابت می کند که:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.
۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.
۳. الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است.
۴. اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.

آزمون کردن الله از وجود واقعی او

الله کیست؟

سوال ۱: اسم پدر محمد چه بود؟ عبدالله

سوال ۲: معنی آن چیست؟ برده الله

سوال ۳: اسم پدر بزرگ محمد چه بود؟ عبدالمطلب

سوال ۴: چرا پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت؟ برای رضای خاطر بت مورد

علاقه اش "الله"

عبدالمطلب یک بت پرست بود که ۳۶۰ عدد بت در کعبه داشت و الله هم یکی از آن ۳۶۰ بت در کعبه بود. چطور عبدالمطلب بت پرست هنگامیکه پسر خود را به دنیا آورد، اسمش را عبدالله گذاشت.

عبدالله یعنی برده الله. اگر الله خدای واقعی بود، آیا عبدالمطلب بت پرست حاضر می شد که اسم خدای واقعی را بر پسر خود بگذارد؟ آیا به نظر شما یک بت پرست اسم بت خویش را بر پسرش می گذارد یا اسم خدای واقعی را؟ مسلماً اسم بتش را. همین اتفاق نیز افتاد و او اسم بتش الله را بر پسر خود گذاشت و او را عبدالله یعنی برده یا خادم الله نامید تا بزرگ شده و برده و خادم بت الله در کعبه شود.

محمد نیز که پسر عبدالله بود ادعا کرد که پیامبر الله است.

نتیجه: پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت "یعنی برده الله" برای رضای خاطر بت مورد علاقه اش "الله". این ثابت می کند که الله یک بت بوده که اعراب قبل از اسلام پرستش می کرده اند.

سوال ۵: چرا اسم خدای محمد اسم یکی از بت‌های کافران در کعبه بود؟

سوال ۶: آیا این کار درست است که اسم خدا را اسم یکی از بت‌های کافران بگذاری؟

سوال ۷: بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟ هلال ماه. پرچم بسیاری از کشورهای اسلامی مانند پرچم ترکیه، پاکستان، آذربایجان، مالزی، الجزیره، تونس، و پرچم ایران نشان هلال ماه را بر خود دارند.

سوال ۸: در پایان ماه رمضان مسلمانان چگونه روزه خود را می شکنند و عید فطر را جشن می گیرند؟ با مشاهده ماه.

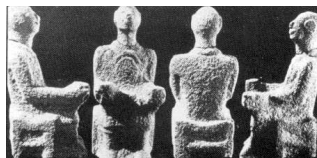
سوال ۹: چرا سمبل اسلام هلال ماه است؟ ماه چه ربطی به خدا و پرستش او دارد؟

فلسفه پیدایش الله: باستان شناسان در نقاط مختلف کشورهای خاورمیانه از کوه‌های ترکیه تا رود نیل کتیبه‌ها و بت‌هایی از الهه ماه پیدا کرده اند که به الله معروف بوده و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شده، که نشان هلالی ماه بر آنها وجود دارد. پرستش ماه توسط تمامی اعراب در نواحی بین النحرین رواج داشت. نشان هلالی ماه در بسیاری چیزها از قبیل، آهن آلات، ظرف‌های سفالی، کتیبه‌های سنگی، گردنبند و جواهرات و غیره حک می شد.

در تل العبید گاو آهنی پیدا شده با بدن گاو و سر انسان که نشان هلالی ماه بر پیشانی آن است. در اور کلدانیان الهه ماه بالاتر از خدایان دیگر در بتکده ها گذاشته می شد. مردم اور کلدانیان آنقدر به الهه ماه اعتقاد داشتند که حتی نان را به شکل هلال ماه می پختند.

در زمان عهد عتیق بابلیان بالای بام خانه خود، آفتاب و ماه و ستارگان را که به خدایان سوئن یا سین و نانا و غیره لقب داشتند، پرستش می کردند و برای آنها بخور می سوزانیدند. آشوریان، بابلیان و آکادیان اسم سوئن را تبدیل به سین کردند. خداوند یهوه به بنی اسرائیل هشدار داده بود که دنبال خدایان بابلیان نروند و آنها را پرستش نکنند (تثنیه ۴: ۱۹ و ۱۷: ۳؛ دوم پادشاهان ۲۱: ۳ و ۵؛ ۲۳: ۵؛ ارمیا: ۲، ۱۹: ۱۳؛ صفیا: ۱: ۵).

باستانشناسی به اسم لئونارد وولی یک معبد الهه ماه در حزار فلسطین را کشف کرده با چندین بت و کتیبه های مختلف که نشان هلال ماه بر آنها حک شده است که تا به امروز این کتیبه ها و بتهای تصاویر زیر در موزه بریتانیا باقی است.



The moon-god from all four sides. Note the crescent moon curved on his chest.



نیونیدوس آخرین پادشاه بابل که از سال ۵۵۵ تا ۵۳۹ قبل از میلاد سلطنت می کرد، پرستش الهه ماه را از بابل به کشور عربستان گسترش داد و در عربستان بتکده کعبه را در مکه ساخت. بنابراین مردم عربستان در آن بتکده الهه ماه را پرستش کردند که به الله معروف گشت. ابراهیم هرگز بتکده کعبه را نساخت. زیرا او هرگز به عربستان نرفت تا چنین کاری انجام دهد. خداوند او را از اور کلدانیان خواند و به او فرمان داد تا به سرزمین وعده یعنی اسرائیل روانه شود. بنابراین ابراهیم اور کلدانیان را ترک کرده از طریق حران سوریه راهی اسرائیل شد و در بدو رسیدن به اسرائیل، او در بیت ثیل مزبحی را بنا کرد و برای خداوند یهوه قربانی گذراند.

به دلیل گرمای شدید آفتاب در عربستان، پرستش آفتاب مورد استقبال مردم نبود اما با رسیدن شب و درآمدن ماه و با خنک شدن هوا، اعراب ماه را پرستش می کردند. در پرستش ماه آنها ۵ مرتبه در روز نماز می خوانند که در آن آیات نماز را هر مرتبه چندین

بار تکرار می کردند. آنها یک ماه در سال روزه داری می کردند. بدن و سرهای خود را با چاقو و تیغ آسیب می رسانیدند، و بخور و اسفنج دود می کردند و بسیار اعمال دیگری که بعدها محمد آن اعمال را به دین خود انتقال داد.

آفتاب الهه مونث و ماه الهه مذکر که به الله معروف بوده، سه دختر داشتند که سه ستاره بودند و به اسمهای لات، منات و عزى معروف بودند. الله بزرگترین بت در کعبه بوده (الله اکبر) و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شد. محمد قدم جلو گذاشت و همه بتها را از کعبه بیرون کرد جز الله و به اعراب تعلیم داد که فقط الله خداست و الله ای جز الله یگانه نیست (لا اله الا الله). او به بنی قریش پیشنهاد داد تا الله را پرستش کنند اما بنی قریش به او گفتند: "اگر اجازه دهی که خدایان لات، منات و عزى را پرستش کنیم، الله تو را نیز پرستش خواهیم کرد." محمد با این پیشنهاد آنها موافقت کرد و به آنها اجازه داد تا سه خدایان را نیز کنار الله پرستش کنند. بعدها حواریون محمد، او را سرزنش کردند که چرا این عمل زشت را مرتکب شده، محمد در پاسخ آنها گفت که شیطان آن کلام را در دهان او گذاشته بود. سوالی که پیش می آید اینست که از کجا می توان فهمید که شیطان کل آیات قرآن را در دهان محمد گذاشت؟

اسم خدای کتاب مقدس یهوه است که ۶۸۴۴ بار تکرار شده.
LORD خداوند = YHWH (عبرانی) = یهوه 'اهیه' یهود

الف) "من یهوه هستم خدای تو' در برابر من خدایان دیگر نخواهی داشت." خروج ۲۰: ۳-۲

ب) "که مردان بدانند که تو' کسی که اسمش فقط یهوه است' بر تمام زمین والاتر هستی." مزامیر ۸۳: ۱۸

پ) "همه خدایان امتها بتان هستند: اما خداوند آسمانها را ساخت." مزامیر ۹۶: ۵

ت) " غمهای آنها افزایش خواهد یافت که دنبال خدایان غیر می شتابند." مزامیر ۱۶: ۴

الله هرگز در کتاب مقدس به عنوان اسم خدا ذکر نشده است. در زبان عبرانی (که عهد عتیق به آن نوشته شده) واژه الله دو معنی دارد. معنی اول آن "لعنت" است و معنی دوم "ناله کردن". بنابراین لعنت (الله) زمین را بلعیده' و آنهایی که در آن سکونت دارند نابود هستند: بنابراین ساکنان زمین سوخته اند' و مردان کمی باقی مانده اند. " اشعیا ۲۴: ۶

هر کشوری که الله را پرستش می کند لعنت شده و در پرستش الله در مساجد ناله می کنند. کشورهای اسلامی مانند افغانستان' ایران' سومالی' لیبی' یمن' لبنان' عراق' سوریه' مصر' عربستان سعودی و غیره به دلیل پرستش الله لعنت شده اند.

آیا خدای قرآن (الله) و خدای کتاب مقدس (یهوه) خدای همسان هستند؟ اگر الله همان یهوه باشد باید پیام و ذات یکسانی با او داشته باشد. در جدول زیر به مقایسه الله، شیطان و یهوه از آیه های قرآن و کتاب مقدس خواهیم پرداخت تا به جواب خود دست پیدا کنیم.

<u>الله</u>	<u>شیطان</u>	<u>یهوه</u>
الله یک <u>قاتل</u> است. سوره محمد آیه ۴ "شما مومنان چون با کافران روبرو شوید باید گردن زنید."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان از آغاز یک <u>قاتل</u> بود."	متی ۵: ۴۴ "دشمنانتان را دوست بدارید."
الله یک <u>دروغگو</u> است. سوره الرعد آیه ۲۷ "الله هرکس را بخواهد <u>گمراه</u> می کند."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان یک <u>دروغگو</u> است و پدر دروغها."	تیبطوس ۱: ۲ "خدا که <u>نمی تواند دروغ</u> بگوید." عبرانیان ۶: ۱۸ "امکان ندارد که خدا دروغ بگوید."
الله یک <u>مکار</u> است. سوره آل عمران آیه ۵۴ "الله از همه کس بهتر تواند مکر کند."	مکاشفه ۹: ۱۲ "شیطان که کل جهان را <u>فریب</u> می دهد."	تثنیه ۴: ۳۲ "خدای <u>راستی</u> ."
سوره الروم آیه ۴۵ "الله <u>کافران را دوست ندارد</u> ."	اعمال ۳۸: ۱۰ "عیسی همه کسانی که <u>مقهورین</u> شیطان بودند شفا داد."	یهوه <u>کافران را دوست دارد</u> . یوحنا ۳: ۱۶ "زیرا خدا آنقدر جهانیان را دوست داشت که یگانه پسر خود را داد."
الله از <u>یهودیان متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۸۲ "همانا بدترین دشمنان مسلمین یهودیان و مشرکین هستند."	اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"	یهوه <u>یهودیان را دوست دارد</u> . رومیان ۱۱: ۲۸ "آنها محبوب هستند."
الله از <u>مسیحیان متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۵۷ "با اهل کتاب (مسیحیان) که دین شما را بازیچه گرفتند دوستی نکنید."	اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"	یهوه <u>مسیحیان را دوست دارد</u> . اول یوحنا ۴: ۸-۱۱ "او ما را دوست داشت"
الله از <u>عیسی</u> که پسر خدا باشد <u>متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۱۷ "الله می تواند عیسی بن مریم و هر که در روی زمین است همه را نابود کند."	مکاشفه ۱۲: ۴ "اژدها در مقابل زن ایستاد تا <u>نوزادش را ببلعد</u> به محض اینکه به دنیا آمد."	یوحنا ۳: ۳۵ "پدر پسر را <u>دوست دارد</u> ."

<p>الله مردم را اسیر و برده می کند. سوره الاحزاب آیه ۵۰ "و کنیزانی که الله به عنوان غنیمت به تو نصیب کرده."</p>	<p>لوقا ۱۶:۱۳ "زنی که شیطان او را پیسته بود." دوم تیموتائوس ۲: ۲۶ "از دام شیطان کسانی که بوسیله او اسیر شده بودند."</p>	<p>یهوه ازادی می بخشد. اشعیا ۶۱: ۱ "تا رهایی را به اسیران اعلام کنم."</p>
<p>الله می خواهد مردم به جهنم بروند. سوره السجده آیه ۱۳ "و دوزخ را از آدمیان پر سازم"</p>	<p>مکاشفه ۲۰: ۱۰ "شیطان که آنها را فریب داد، به دریچه آتش انداخته شد."</p>	<p>یهوه نمی خواهد کسی به جهنم برود. دوم پطرس ۳: ۹ "خدا نمی خواهد که کسی هلاک شود، بلکه همه باید به توبه بیایند."</p>
<p>الله به قاتلان اجازه ساخت مسجد می دهد. عمر مسجد ساخت در ۶۳۷ بعد از میلاد. محمد جنگ و کشتار را با استفاده از احکام قرآن بالا برد.</p>	<p>شیطان هم به تمام ادیان دروغین اجازه ساخت معابد، مساجد و بتکده ها را می دهد.</p>	<p>یهوه اجازه نمی دهد. خداوند داوود نبی را از ساخت معبد منع کرد. اول تواریخ ۳ و ۲۸:۲</p>
<p>الله اجازه می دهد که زن خود را بزنی. سوره النساء آیه ۳۴ "و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید... آنها را به زدن تنبیه کنید."</p>	<p>شیطان هم دوست دارد زنان تنبیه شوند.</p>	<p>یهوه دوست ندارد. افسسیان ۵: ۲۵ شوهران، زنان را دوست بدارید.</p>
<p>الله موافقت کرد که محمد همسران مردان دیگر را اختیار کند. سوره الاحزاب آیه ۳۷ محمد زینب، همسر پسر خوانده اش زید را اختیار کرد.</p>	<p>شیطان موافق اختیار کردن زنانی غیر از زن خویش است.</p>	<p>دوم سموئیل ۱۲:۹ یهوه خداوند مخالفت کرد از داوود نبی به دلیل اختیار کردن بتشبع زن همسایه.</p>

بنابراین با خواندن تفاوت‌های فاحش بین الله و یهوه پی می بریم که آنها دو خدای کاملاً مجزا هستند با پیام و ذات مجزا که یکی خدای دروغین است و دیگری خدای واقعی.

سوالات این درس:

- ۱- در کجای قرآن آمده که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند؟
- ۲- اشتباهات قرآن کدام چهار مورد را ثابت می کند؟
- ۳- چرا عبدالمطلب اسم پسر خود را عبدالله گذاشت؟

- ۴- بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟
- ۵- خلاصه ای از فلسفه پیدایش الله را بنویسید؟
- ۶- تثنیه ۱۷: ۳ را بنویسید؟
- ۷- کدام پادشاه بابل در عربستان بتکده کعبه را ساخت؟
- ۸- سه دختران الله چه نام داشتند؟
- ۹- اسم خدای کتاب مقدس چیست و چند بار این اسم تکرار شده است؟
- ۱۰- معنی الله به زبان عبری چیست؟
- ۱۱- با استفاده از جدول آمده، لطفاً سه نمونه از مقایسه الله و یهوه را با آیه ای برای هریک بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: تثنیه ۱۷: ۳؛ ارمیا ۱۹: ۱۳، خروج ۲۰: ۲-۳؛
مزامیر ۹۶: ۵

درس ۷: تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟

در زبان فارسی یک معنی برای کلمه "پسر" وجود دارد، یعنی به وجود آمدن یک پسر از هم آغوشی پدر و مادر. کتاب عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است و در زبان یونانی دو مفهوم برای واژه "پسر" وجود دارد.

۱- **تکنن**: تکنن واژه اول برای کلمه "پسر" است یعنی پسری که از هم آغوشی والدینش به وجود آمده. واژه "تکنن" هیچ گاه در کتاب عهد جدید برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در این مفهوم استفاده نشده است، زیرا همه ما چه مسلمان و چه مسیحی قبول داریم که خداوند هم آغوشی نمی کند. او همسر، دوست دختر و یا کودک ندارد.

۲- **هویاس**: هویاس واژه دوم برای کلمه "پسر" است یعنی "**هم ذات با**". برای مثال: پسر صلح (لوقا ۱۰: ۳۶) یعنی پسری که دارای ذات صلح طلب است. پسر سرکش یعنی پسری که ذات سرکش دارد. کتاب مقدس می گوید که عیسی مسیح پسر خداست

یعنی **عیسی ۱۰۰٪ هم ذات با خداست.**

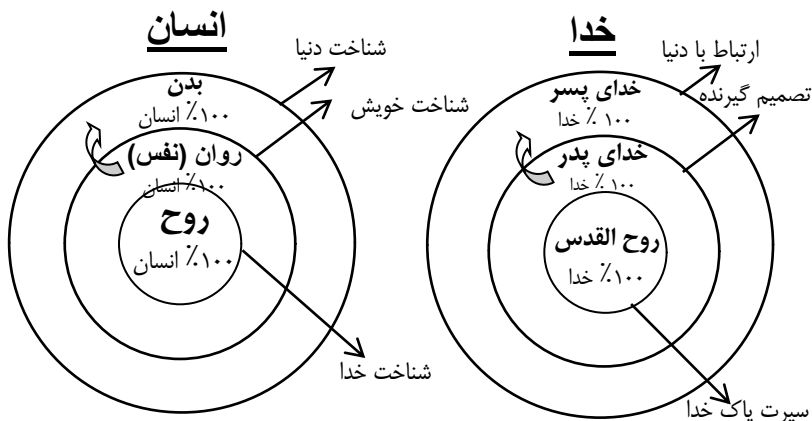
همچنین در کتاب عهد جدید از عیسی مسیح به عنوانه **یگانه پسر مولود** خداوند یاد شده است که به زبان یونانی یعنی **هویاس مونو ژنی**.

مونو: یعنی "یک"، برای مثال، "مونوریل" یعنی یک ریل.

ژن: یعنی همان "ژنتیک". ما در حدود ۲۵۰۰۰ ژن در بدن خود داریم که سلولهای بدن ما را تشکیل می دهد. بنابراین عیسی به عنوان یگانه پسر خدا یعنی که او دارای یک ژن و یک ذات با خدا است. این یعنی عیسی خداست.

چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟

در پیدایش ۱: ۲۶ "خدا گفت: بگذار انسان را در تصویر ما بسازیم، موافق شبیه ما." این نشان می دهد که انسان شباهتی به خداوند دارد. این شباهت در چیست؟



از شما می‌خواهم راجع به خودتان دقیقه ای تأمل کنید. شما یک انسان هستید، در سه قسمت:

۱- شما **بدن** دارید که به شما اجازه می‌دهد از طریق حواس پنج‌گانه با جهان شناخت و ارتباط داشته باشید. بدن شما ۱۰۰٪ انسان است که به شما اجازه می‌دهد با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار کنید. وظیفه بدن اینست که کارهای فیزیکی را انجام دهد.

۲- شما **روان** (نفس و جان) دارید. روان از افکار، احساسات و اراده شما تشکیل شده است. این قسمت انسان درونی یا شخصیت انسان است که شناخت خودی به انسان می‌دهد. این قسمت هم ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روان اینست که فکر کند و تصمیم گیرد.

۳- شما **روح** دارید که به شما شناخت خدا را می‌دهد و شما را به فکر وامی‌دارد که خدایی هست. این "ردیاب خداوند" شماست. این قسمت نیز ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روح اینست که به ما شعور و شناخت خوب و بد را دهد و ما را برای پرستش به خدا ارتباط دهد. پس شما یک انسان هستید اما دارای سه قسمت. شما موجودی سه‌گانه (تثلیث) هستید، یعنی سه قسمت در یک وجود (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳).

همانطور که قسمتهای وجود انسان را در دایره دیدیم، وجود خداوند را نیز به این شکل می‌توانیم در دایره ببینیم. اسلام، قرآن، مسیحیت و کتاب مقدس، همه به یک خدای یگانه معتقدند. در **متی ۲۸: ۱۹**، مسیح با استفاده از کلمه مفرد "نام"، خداوند را تعریف می‌کند، که فقط و فقط یک خدا وجود دارد نه نامها. " و آنها را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تمیذش دهید." در آیه ذکر شده عیسی مسیح با بکار بردن واژه مفرد نام، ادعا کرد که خداوند یکی است اما او همچنین در همان آیه فرمود که خدای واحد دارای سه قسمت مجزا است. بنابراین خدای واحد نیز همانند انسان که در صورت و شباهت او آفریده شد، سه قسمت دارد که به عنوان پدر، پسر (هویاس) و روح‌القدس در کتاب مقدس آمده است.

۱- همانطور که ما روح داریم که ۱۰۰٪ انسان است، خدا نیز روح دارد که روح القدس نامیده می‌شود و آن ۱۰۰٪ خداست. وظیفه روح القدس اینست که خداوند را مقدس نگاه دارد و همچنین انسانهای گناهکار را بسوی خدا جذب کند تا آنها از راهها و مذاهب انسانی خود توبه کرده و عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنند.

۲- همانطور که شما یک روان (نفس و جان) دارید که ۱۰۰٪ انسان است و به بدن شما فرمان می‌دهد که چه کاری باید انجام دهد، همچنین خدا نیز چیزی مثل روان ما دارد که خدای پدر نامیده می‌شود. وظیفه پدر اینست که تصمیم بگیرد و به پسر (هویاس) بگوید که چه کاری باید انجام دهد. مانند باردار شدن در مریم یا آفریدن آسمانها و زمین و غیره.

۳- همان طور که ما یک بدن داریم که ۱۰۰٪ انسان است که ما را با دنیای فیزیکی ارتباط می دهد، و ما می توانیم با آن کارهای فیزیکی را انجام دهیم، خداوند هم چیزی مثل بدن ما دارد که با آن با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار می کند و کارهای فیزیکی خود را انجام می دهد، که پسر نامیده می شود. او ۱۰۰٪ خداست.

این خدای پسر (هوویاس) بود که بر آدم، ابراهیم، یعقوب، موسی، سلیمان، اشعیای نبی و غیره ظاهر شد و با آنها سخن گفت و سپس از طریق روح القدس در مریم باکره باردار شده و در شخص عیسی مسیح به دنیا آمد. عیسی قبل از اینکه در مریم باردار شود، ۱۰۰٪ خدا (هوویاس) بود اما بعد از آنکه از مریم به این دنیا آمد، او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد. این مثل اینست که اگر شما گذرنامه ایرانی و استرالیایی را همزمان داشته باشید، یعنی شما ۱۰۰٪ ایرانی و ۱۰۰٪ استرالیایی هستید ولی قبل از اینکه به استرالیا مهاجرت کنید، شما فقط یک ایرانی بودید.

پس همانطور که شما یک انسان دارای سه قسمت روح، جان و بدن می باشید که هر کدام ۱۰۰٪ انسان است، همانطور خدای زنده نیز از پدر، پسر (هوویاس) و روح القدس که هر کدام ۱۰۰٪ خداست، تشکیل شده است. همانطور که شما تثلیث هستید، خدا نیز تثلیث است (پدر، پسر و روح القدس) که در کتاب مقدس آمده و آیه های زیر این را ثابت می کند. متی ۲۸: ۱۹؛ امثال سلیمان ۳۰: ۴، مزامیر ۲: ۱۲، اشعیای ۹: ۶ و ۴۸: ۱۶، ۱۳، ۱۲؛ دانیال ۳: ۲۵؛ میکا ۵: ۲؛ خروج ۳: ۳-۱۵؛ یوحنا ۸: ۲۴، ۵۹، ۵۸.

سوالات این درس:

۱- دو واژه یونانی که برای واژه "پسر" وجود دارند را نام ببرید؟ کدامیک برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در کتاب مقدس بکار برده شده است؟

۲- واژه یونانی هوویاس به چه معناست؟ یک مثال برای آن بنویسید؟

۳- واژه معادل یگانه پسر مولود خداوند در زبان یونانی چیست؟ و به چه معناست؟

۴- چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟ با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۵- وظایف بدن، روان، و روح انسان را بطور جداگانه بنویسید؟

۶- وظایف پدر، پسر، و روح القدس را بطور جداگانه بنویسید؟

۷- متی ۲۸: ۱۹ را بنویسید؟

۸- چه کسی در عهد عتیق به آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی و غیره به عنوان خدا ظاهر شد؟

۹- عیسی مسیح قبل و بعد از تولدش از مریم چه ماهیتی داشت؟

۱۰- آیه ای را برای اثبات تثلیث بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۲۸: ۱۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ یوحنا ۱۰: ۳۰

درس ۸: الوهیت عیسی مسیح

در مقدمه می خواهیم ببینیم عیسی مسیح چه اعتقادی نسبت به کتاب مقدس داشت. به گفته های او در **لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷** توجه کنید: "او به ایشان گفت، ای بی فهمان و سستدانان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته اند. آیا نمی بایست که مسیح این زحمات را ببند تا به جلال خود برسد؟ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده، اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود."

در آیه فوق عیسی مسیح برای اثبات کلام خدا سه دلیل می آورد: (۱) کسی که در ایمان آوردن به گفته های انبیا سستدل باشد، فهم ندارد. (۲) عهد عتیق بطور آشکار پیشگویی کرده که عیسی مسیح می بایست این زحمات را ببیند تا به جلال خود برسد. (۳) او درباره تحریف نشدن کتاب مقدس بیان می کند. او فرمود: "آنچه که انبیا گفته اند" تا "موسی و سایر انبیا" و تا "تمام کتب." یعنی عیسی مسیح بیان می کند که تمامی نوشته های عهد عتیق از الهام خداست که اگر کسی در ایمان آوردن به آنها سستدل باشد، بدون فهم محسوب می شود.

هر وقت که کسی از عیسی مسیح سوالی می پرسید، او همیشه به کلام خدا رجوع کرده و به آنها پاسخ می داد. (**متی ۴: ۴**) "در جواب گفت، مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد." هر کلمه یعنی در واقع کلمه به کلمه عهد عتیق از الهام خداست و کسی که به الهام شدن عهد عتیق ایمان داشته باشد می بایست به الهام شدن عهد جدید نیز ایمان بیاورد.

عیسی مسیح در **متی ۵: ۱۸** اعلام می کند که حتی همزه یا نقطه های کتاب مقدس از الهام خداست و هیچ وقت از بین نخواهند رفت و کسی قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. "زیرا هر آینه به شما می گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود."

پیشگوییهای عهد عتیق مورد قبول عیسی مسیح بود و آن پیشگوییها در واقع الوهیت کامل مسیح موعود را اثبات می کنند. بیایید تا تعدادی از پیشگوییهای عهد عتیق و ادعای خود مسیح و دیگران را درباره الوهیت مسیح مطالعه کنیم.

۱- **اشعیا ۷: ۱۴** می گوید که عیسی خداست: "بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند." این آیه بطور آشکار تولد مسیح از زن باکره را پیشگویی می کند. نه تنها این آیه پیشگویی می کند که عیسی از زن باکره به دنیا می آید بلکه در ادامه می گوید که این پسری که از باکره متولد می شود، عمانوئیل خوانده خواهد شد، که معنی آن یعنی

"**خدا با ما**" است (متی ۱: ۲۳). خود عیسی مسیح درباره تولدش از باکره سخن گفت. وقتی که مادرش مریم به او گفت که: "ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می کردیم." عیسی مسیح در جواب گفت: "از بهر چه مرا طلب می کردید، مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟" (لوقا ۲: ۴۷-۴۸). یوسف که در جستجوی عیسی بود، پدر او نبود. چون عیسی در معبد باقی مانده بود و در امور پدر خودش (خدای پدر) بود. یوسف پدر عیسی نبود، بلکه او از مریم باکره متولد شد تا خداوند بطور معجزه آسا در جسم ظاهر شود.

فریسیان بطور شرم آور لقب حرام زاده و زنا زاده به مسیح دادند و گفتند که او فرزند نامشروع یوسف و مریم بوده است. آنها در یوحنا ۸: ۴۱ به عیسی گفتند: "ما از زنا زاییده نشده ایم. یک پدر داریم که خدا باشد." عیسی مسیح در جواب گفت: "اگر خدا پدر شما می بود، مرا دوست می داشتید، زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده ام، زیرا که من از پیش خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است" (یوحنا ۸: ۴۲). در این آیه بحث روی تولد جسمانی عیسی است که به او اتهام زنازاده زده شد، ولی عیسی گفت که او از جانب خدا صادر شده و آمده است. توجه کنید که عیسی گفت "من از جانب خدا صادر شدم." این ثابت می کند که وجود عیسی در وجود و جانب پدر است. عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۰ گفت: "آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می گویم از خود نمی گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می کند." عیسی از پدر جدا شده و بر روی زمین به شکل انسان آمد. این سخنان عیسی اتهام فریسیان را علناً رد می کند. عیسی تولد خود از زن باکره را بارها تکرار کرد.

۲- اشعیا ۹: ۶ درباره مسیح موعود و الوهیت وی پیشگویی می کند: "زیرا که برای ما **ولدی** زاییده و **پسری** به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و **خدای قدیر** و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد." این آیه می گوید که این ولد یا پسر در سلطنت خود رشد و افزایش پیدا کرده و در نهایت تا ابد سلطنت خواهد کرد. و نامهای این فرزند در واقع نامهای الوهیت خداست. یکی از نامهای او "**خدای قدیر**" است. نام دیگر او "**پدر سرمدی**" (پدر جاودانی) است. ولدی که زاییده می شود و پسری که داده می شود باید خود خدا و همانند خدای پدر بوده که باید بصورت صد در صد انسان ظهور کند.

۳- عیسی مسیح مکرراً خودش را در کتاب مقدس به عنوان "یگانه پسر مولود خدا" معرفی می کند. واژه "مولود" واژه ای است برای نصب نامه انسان که برای بوجود آمدن یک انسان از انسانی دیگر که به تولد جسمانی مربوط می شود. عیسی مسیح تأکید کرد که به هیچ وجه از یوسف متولد نشد بلکه از خدا مولود شد. واژه مولود در زبان یونانی "مونو ژن" می باشد که شش بار در عهد جدید به لقب عیسی مسیح

به عنوان "یگانه پسر مولود خدا" به کار برده شده است و دو بار عیسی این واژه را به خودش خطاب داد. توجه داشته باشید که عیسی نگفت که او یکی از مولود شدگان خداست، بلکه او ادعا کرد که یگانه پسر خداست که تا بحال مولود شده است. او یگانه پسر مولود خداست. هیچکس تا بحال از باکره مولود نشده است. از زاویه روحانی می توانیم بگوئیم که مسیحیان "بوساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید شده اند برای امید زنده." (اول پطرس ۱: ۳). ولی در مفهوم اینکه عیسی مسیح یگانه پسر مولود خداست، هیچکس تا بحال یگانه مولود خدا نبوده و نخواهد بود بجز خود عیسی. عیسی مسیح علناً گفت که او جسماناً مولود خدا بود و نه مولود انسان.

۴- یحیی تعمید دهنده اعلام می کند که عیسی مسیح در همان حال که در زمین بود، همزمان در آسمان در آغوش پدر نیز بود. "پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است،" (یوحنا ۱: ۱۸). خود عیسی مسیح این را به نیکودیموس گفت: "کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که در آسمان است." چگونه عیسی که در روی زمین با نیکودیموس در حال صحبت کردن بود، می گوید که او همزمان در آسمان است؟ فقط خدا می تواند همزمان هم در آسمان باشد و هم در زمین. بنابراین عیسی خداست.

۵- یوحنا رسول می گوید که عیسی از "ابتدا نزد خدا بود" و "همه چیز به واسطه او آفریده شد" و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود" (یوحنا ۱: ۲-۴). این آیه بطور وضوح الوهیت مسیح را اعلام می کند. آیا عیسی خودش ادعای آن را کرد؟ بله، او در یوحنا ۴: ۱۴ می گوید که او حیات جاودانی می بخشد. "لیکن کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می جوشد."

در یوحنا ۵: ۱۷ عیسی علناً گفت: "پدر من تا کنون کار می کند و من نیز کار می کنم." آیا منظور عیسی از بودن خدا به عنوان پدرش در مفهومی است که انسانهای دیگر نیز می توانند این ادعا را بکنند؟ خیر، او منظورش این بود که فقط او تنها کسی است که با خدا بود. و این دقیقاً همان چیزی بود که شنوندگان او و فریسیان برداشت کردند. چون در آیه بعدی آنها به دلیل ادعای الوهیتش، قصد کشتن او را کردند "پس از این سبب، یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که نه تنها سبت را می شکست بلکه خدا را نیز پدر خود گفته، خود را مساوی خدا می ساخت." (یوحنا ۵: ۱۸). هر آدم صادقی که سخنان عیسی مسیح را بخواند باید اعتراف کند که عیسی مسیح خودش را "مساوی خدا" می دانست. عیسی خدا را پدر خود خوانده و خود را یگانه پسر مولود خدا خواند.

۶- در یوحنا ۵: ۲۰ عیسی ادعا کرد که دانش او مساوی دانش خداست. او فرمود: "زیرا که پدر پسر را دوست می‌دارد و هرآنچه خود می‌کند بدو نشان می‌دهد و اعمال بزرگتر از این بدو نشان خواهد داد تا شما تعجب نمایید."

۷- در یوحنا ۵: ۲۱ او ادعا می‌کند که قدرت او مساوی قدرت خداست. "زیرا همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند." این بزرگترین ادعایی است که او توانست بکند.

۸- عیسی ادعای حرمت مساوی با خدا را کرد. در یوحنا ۵: ۲۲، ۲۳ او گفت که: "زیرا که پدر بر هیچ‌کس داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است. تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنان که پدر را حرمت می‌دارند؛ و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است." این ادعای الوهیت مسیح است زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند حرمتی که فقط از آن خداست را طلب کند.

۹- در یوحنا ۵: ۲۵، ۲۶ عیسی ادعا می‌کند که خود او منشأ حیات است همچنانکه خدای پدر در آسمان منشأ حیات است. "آمین آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می‌شنوند و هر که بشنود زنده گردد. زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد." همان اندازه که پدر در خود حیات دارد، پسر نیز به همان اندازه در خود حیات دارد. هر دو پدر و پسر به یک اندازه منشأ حیات هستند. ما تا بحال خواندیم که عیسی مسیح کار خدا را انجام می‌دهد، قدرت، دانش، و حرمت خدا را دارد.

۱۰- عیسی در یوحنا ۶: ۳۳، ۳۵ می‌فرماید که او نانی است که از آسمان نزل شده است. در یوحنا ۶: ۴۶ او در مفهوم خاص می‌فرماید که او تنها کسی است که از جانب خداست.

۱۱- در یوحنا ۸: ۱۹ عیسی ادعای هویت یکسان با خدا را می‌کند. "عیسی جواب داد که نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرا می‌شناختید پدر مرا نیز می‌شناختید." او تأکید بر الوهیت خود کرده و می‌گوید که او دارای هویت همسان با خدا را دارد.

۱۲- وقتی که در خروج ۳: ۱۴، موسی از خدا اسم وی را پرسید، خدا بدو گفت: "من هستم آنکه هستم، پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است." خداوند در این آیه در عهد عتیق اسمش را به عنوان من هستم به موسی معرفی می‌کند. در عهد جدید عیسی مسیح در یوحنا ۸: ۵۸ خودش را به

عنوان **من هستم** معرفی کرد. "عیسی بدیشان گفت، آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود **من هستم**." او دوباره در یوحنا ۸: ۲۴ گفت: "از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد، زیرا اگر باور نکنید که **من هستم**، در گناهان خود خواهید مرد." عیسی مسیح اعلام کرد که اگر کسی به او به عنوان خداوند بپوهه ایمان نداشته باشد، در گناهانش مرده و هلاک خواهد شد. بیاید همین الان اعتراف کنیم که او خداست که به جسم ظاهر شد.

۱۳- در یوحنا ۱۰: ۲۸ عیسی مسیح ادعا کرد که می تواند حیات ابد ببخشد و انسانها را از دریاچه آتش نجات دهد، و هیچکس هم نمی تواند نجات آنها را از دست عیسی بگیرد. "و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت." ما نمی توانیم حیات ابدی که یکبار عیسی مسیح به ما می بخشد، را از دست بدهیم. ما در دستهای او در امان هستیم و او ضامن و حافظ نجات ماست.

۱۴- در یوحنا ۱۰: ۳۰ عیسی خود را با پدر یکی می داند. "من و پدر یک هستیم." یهودیان دریافتند که او ادعای خدایی می کند، بنابراین سنگ برداشته تا او را به خاطر آن ادعا سنگسار کنند. "آنگاه یهودیان باز سنگها را برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی بدیشان جواب داد، از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می کنید؟ یهودیان در جواب گفتند، به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می خوانی" (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳). کسانی که گفته های عیسی مسیح را می خوانند، اگر تعصب را کنار گذاشته و روشن فکر باشند، خواهند فهمید که عیسی خداست.

۱۵- عیسی در متی ۱۹: ۱۷ ادعای الوهیت کرد. زمانیکه مرد ثروتمند عیسی را "استاد نیکو" خطاب کرد، عیسی در جواب وی گفت: "از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط." عیسی نگفت که او نیکو نبود و همچنین هرگز نگفت که او گناهکار بود. چون هیچکس نتوانست به او اتهام گناه بزند. حتی پیلاطوس دستش را از بی گناه بودن عیسی شسته و به یهودیان گفت که "من در این مرد هیچ گناهی نمی بینم." نه، بلکه عیسی گفت که "اگر من فقط یک استاد باشم، مرا نیکو خطاب نکن. اگر مرا نیکو خطاب کنی، باید به الوهیت من نیز پی ببری." از بدو آفرینش تا بحال عیسی تنها شخص روی زمین بوده است که کاملاً نیکو بود، زیرا او خداست و فقط خدا نیکوست. هر انسان عاقلی باید این را دریابد که عیسی یا نیکو بود یا اینکه نبود. اگر او آن ادعایی که درباره خودش کرد، نبود پس او می بایست دروغگو و مکار بوده باشد. و ما می دانیم که هیچ مکار و دروغگویی نمیتواند مرده را زنده کند و مریضان را شفا دهد چنانکه مسیح این معجزات را انجام داد. پس عیسی واقعاً خدای نیکوست. عیسی فرمود: من شبان نیکو هستم. یوحنا ۱۰: ۱۱

۱۶- در متی ۲۸: ۱۷-۲۰ وقتی که شاگردان عیسی مسیح " او را دیدند، پرستش نمودند." و زمانیکه شاگردان عیسی را پرستش کردند، عیسی بدیشان گفت: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است." تمامی قدرت در آسمان و زمین از آن خداست و نه انسان. پس عیسی خدای قادر مطلق است که تمامی قدرت در آسمان و زمین را داراست. در آیه ۱۹ عیسی به شاگردان خود گفت که بروند و تمامی امتها را شاگرد او سازند و "و ایشان را به نام پدر، پسر، و روح القدس تعمیم دهید." به واژه مفرد "نام" توجه کنید که عیسی تأکید کرد که یک خدا وجود دارد. از جمع استفاده نکرده و نگفت "نامها"، بلکه گفت "نام" یعنی اینکه یک خدا وجود دارد. همچنین او گفت که در وجود یک خدا سه قسمت وجود دارد، یعنی "پدر، پسر، و روح القدس"، همانند وجود یک انسان که دارای "روح، روان، و جسم" می باشد. در آیه ۲۰ او گفت: "اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم." عیسی اگر خدا نباشد، چگونه می تواند تا انقضای عالم هر روزه با ما باشد؟

۱۷- در متی ۳: ۱-۳ عیسی پیشگویی اشعیا ۴۰: ۳ را به کمال رساند. "راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید." یحیی تعمیم دهنده صدایی بود در بیابان تا راه خداوند را آماده کند. آن خداوندی که در صحرای اطراف رود اردن ظاهر شد کسی نبود جز عیسی.

۱۸- یوحنا ۱: ۱ می گوید: "و کلمه خدا بود." در اشعیا ۴۴: ۸ خدا می فرماید: "آیا غیر از من خدایی هست؟" این نشان می دهد که کلمه (عیسی مسیح) همان خداوند پهوه است.

۱۹- یوحنا ۱: ۳ "همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت." ملاکی ۲: ۱۰ می گوید "آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟" عیسی مسیح خالق و آفریننده است.

۲۰- یوحنا ۴: ۴۲ "زیرا خود شنیده و دانسته ایم که او در حقیقت مسیح و نجات دهنده عالم است." در اشعیا ۴۳: ۱۱ می خوانیم: "من، من پهوه هستم و غیر از من نجات دهنده ای نیست." عیسی مسیح همان پهوه خدای عهد عتیق و نجات دهنده است.

۲۱- یوحنا ۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد،" پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق به پیامبران ظاهر شد؟ آن خدای پسر بود.

۲۲- یوحنا ۱۶: ۱۵ "هر چه از آن پدر است، از آن من است." تمامی خصوصیات خدا از آن مسیح است.

۲۳- یوحنا ۱۷: ۵ "و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتیم." در اشعیا ۴۲: ۸ می خوانیم: "من بیهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد." عیسی مسیح همان بیهوه است که جلالش را با کسی قسمت نمی کند.

۲۴- در یوحنا ۲۰: ۲۸ **توما** که به الوهیت عیسی مسیح شک داشت، بعد از قیام عیسی از مردگان، به الوهیت او اعتراف کرد. "پس به تو ما گفت، انگشت خود را به اینجا بیاور و دستهای مرا ببین و دست خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی ایمان مباش بلکه ایمان دار. **توما در جواب وی گفت، ای خداوند من و ای خدای من.**"

۲۵- اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ "پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن آسقف مقرر فرمود تا **کلیسای خدا** را تغذیه کنید که آن را به **خون خود** خریده است." کلیسای چه کسی؟ کلیسای خدا. خون چه کسی؟ خون خود خدا. این آیه ثابت می کند که عیسی مسیح خود خداست که کلیسا (ایمانداران) را با خون خود خریده است. عیسی = خدا

۲۶- اول قرنیتیان ۱: ۲ "...با همه کسانی که در **هرجا نام خداوند ما عیسی مسیح را می خوانند.**" همه باید در هرجا به عیسی مسیح دعا کنند، زیرا تنها او خداست.

۲۷- اول قرنیتیان ۱۵: ۴۷ "انسان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم **خداوند** است **از آسمان.**" انسان دوم عیسی است از آسمان. هیچکس از آسمان نیست جز عیسی خداوند.

۲۸- فیلیپیان ۲: ۶ "که چون در **صورت خدا بود**، (عیسی قبل از انسان شدنش فقط خدا بود) **با خدا برابر بودن** را غنیمت نشمرد"، (از مقام الوهیت خودش سوء استفاده نکرد).

۲۹- کولسیان ۱: ۱۵ "و او **صورت خدای نادیده است**،" عیسی صورت کامل خدای نادیده است که به جسم ظاهر شد تا خصوصیات و ذات خدا را به ما نشان دهد.

۳۰- کولسیان ۱: ۱۶ " زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوأت؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد. " عیسی تمامی زمین و آسمان و ما را آفریده و آنها را برای خویشتن آفریده است.

۳۱- کولسیان ۲: ۹ " که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است. " تمامی پری و کاملیت خدا در عیسی است.

۳۲- اول تسالونیکیان ۴: ۱۴ " خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد. " در هنگام ربایش، عیسی مسیح به عنوان خدا با جلالش نزول می کند و مسیحیان از دنیا رفته را هم با خود از بهشت به این دنیا خواهد آورد.

۳۳- اول تیموتائوس ۳: ۱۶ " خدا در جسم ظاهر شد " عیسی مسیح خدای پسر است که در شکم مریم باردار شده و بصورت جسم انسانی به عنوان نجات دهنده به این دنیا آمد.

۳۴- تیطس ۲: ۱۳ " خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح " عیسی خدای عظیم و نجات دهنده ما است.

۳۵- عبرانیان ۱: ۶ " جمیع فرشتگان خدا او را پرستش کنند. " می دانیم که فقط باید خدا را پرستش کرد (متی ۴: ۱۰). عیسی خداست که جمیع فرشتگان او را پرستش می کنند.

۳۶- عبرانیان ۱: ۸ " اما در حق پسر نیز می گوید، ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است " مزامیر ۴۵: ۶ " ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛ " خدای پدر پسرش عیسی را خدا خطاب کرده و تخت او را تا ابدالآباد استوار می کند.

۳۷- عبرانیان ۱: ۱۰ " و، تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است. " خدای پدر عیسی مسیح را خالق زمین و افلاک می داند.

۳۸- اول یوحنا ۵: ۷ " سه هستند که در بهشت شهادت می دهند، پدر، کلمه، و روح القدس. و این سه، یک هستند. " خداوند یک خدای واحد لیکن دارای سه قسمت (پدر، کلمه (پسر) و روح القدس) می باشد که این سه، یک خدای واحد را تشکیل می دهند.

۳۹- مکاشفه ۱: ۱۷، ۱۸ "من هشتم اول و آخر و زنده، و مرده شدم؛ و اینک، تا ابدالآباد زنده هستم؛" عیسی اول و آخر است و این نشان از الوهیت مسیح را دارد، زیرا فقط خدا می تواند اول و آخر باشد.

۴۰- مکاشفه ۱: ۱۱ "من الف و یا، و اول و آخر هستم" عیسی = اول و آخر = الف و یا است.

۴۱- مکاشفه ۲۲: ۱۳ "من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر

۴۲- مکاشفه ۱: ۸ "من هشتم الف و یا، اول و آخر، می گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر = قادر علی الاطلاق است که روزی دوباره به این جهان می آید.

۴۳- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. در این آیه هر دو خدا و بره (عیسی) بطور مساوی صاحب یک تخت می باشند.

۴۴- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. این نشان می دهد که خدا و بره یکی هستند که بطور مساوی صاحب بندگان یکسان می باشند. بندگانش او را عبادت خواهند کرد، نه آنها را. استفاده از ضمیر مفرد او برای خدا و بره ثابت می کند که خدا و بره یک خدا هستند.

۴۵- مکاشفه ۲۲: ۴ "و چهره او را خواهند دید" با استفاده از ضمیر مفرد او، هر دو خدا و بره صاحب یک چهره هستند.

۴۶- مکاشفه ۲۲: ۴ "و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود." با استفاده از ضمیر مفرد او، هر دو خدا و بره صاحب یک اسم هستند.

۴۷- مکاشفه ۲۰: ۶ "خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد." بجای ضمیر آنها ضمیر مفرد او به دو شخص خدا و مسیح اشاره داده شده است. چون خدا و مسیح یک خدای واحد هستند.

۴۸- مکاشفه ۲۱: ۲۲ " و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا **خداوند** خدای قادر مطلق و **برّه قدسی** آن است." هر دو خدا و بره قدس (معبد) اورشلیم نو هستند.

۴۹- مکاشفه ۲۱: ۲۳ " و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال **خدا** آن را **منور** می‌سازد و **چراغش برّه** است." هر دو خدا و بره اورشلیم نو را منور می‌کنند.

۵۰- پیدایش ۱: ۲۶ " و خدا گفت: آدم را بصورت **ما** و موافق شبیه **ما** بسازیم." خدا خودش را با ضمیر جمع **ما** معرفی می‌کند. این اولین نشانه از تثلیث بودن خداست که در کتاب پیدایش آمده است.

۵۱- پیدایش ۱۱: ۵، ۷ " و خداوند نزول نمود..... اکنون نازل **شویم** و زبان ایشان را در آنجا مشوش **سازیم** تا سخن یکدیگر را نفهمند." خداوند از فعل جمع **شویم** و **سازیم** برای خود استفاده می‌کند. خدای پدر و پسر با هم مشورت کرده تا زبان انسانها را مشوش سازند.

۵۲- اشعیا ۶: ۸. اشعیا **پادشاه، یهوه لشکرها** را دید که در بهشت بر تخت خود نشسته بود و خدا به او گفت: " آنگاه آواز **خداوند** را شنیدم که می‌گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای **ما** برود؟" (ما= تثلیث). در یوحنا ۱۲: ۳۷- ۴۱ یوحنا گفت: " این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او (عیسی) را دید و درباره او (عیسی) تکلم کرد." عیسی همان **پادشاه، یهوه لشکرها** بود که اشعیا در رویای خود دید.

۵۳- مزامیر ۱۱۰: ۱ خدا به داود نبی گفت که **پسر داود، خدای او نیز خواهد بود.** "یهوه به خداوند (ادونای) من گفت، به دست راست من بنشین تا دشمنان را پای انداز تو سازم." عیسی در این آیه به خودش اشاره کرده و در متی ۲۲: ۴۱- ۴۵ از فریسیان پرسید: "پس هرگاه داود او را خداوند می‌خواند، چگونه پسرش می‌باشد؟" این آیه نشان می‌دهد که **مسیح** هنگامیکه وارد این جهان می‌شود صاحب دو ذات یعنی ذات انسانی و ذات الهی خواهد بود. عیسی به عنوان یک **انسان** که به این جهان وارد شد، پسر داود (یعنی از نسل داود) بود و هم **خدای او** (داود) بود.

۵۴- اشعیا ۴۴: ۶ "**خداوند** (خدای پدر) پادشاه اسرائیل و یهوه صباپوت (خدای پسر) که **ولی** ایشان است چنین می‌گوید." خداوند (خدای پدر) و یهوه صباپوت (خدای پسر) یک خدا هستند که با هم سخن می‌گویند.

۵۵- اشعیا ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶ " به من گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده. من! من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخر هستم (آیه ۱۲). دست من همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و دست راست من آسمانها را گسترانید (آیه ۱۳).... بیابید نزدیک من،،،،، و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است (آیه ۱۶). " ضمیرهای ذکر شده در آیه های بالا از قبیل: "من، دست من، دست راست من، نزدیک من" به عیسی مسیح اشاره دارد که هم خالق است و هم از سوی پدر فرستاده شد تا به شکل انسان بر روی زمین بیاید و برای گناهان ما مصلوب شود.

۵۶- حزقیال ۴۴: ۱، ۲ و خداوند مرا گفت: این دروازه بسته بماند و گشوده نشود و هیچ کس از آن داخل نشود زیرا که یهوه خدای اسرائیل از آن داخل شده، لهذا بسته بماند. "در لوقا ۱۹: ۳۵-۴۷ عیسی که همان یهوه است، هنگامی که او در سال ۳۳ بعد از میلاد، سوار بر روی الاغی از طریق دروازه شرقی وارد معبد شد و خود را به عنوان پادشاه یهودیان معرفی کرد، این پیشگویی را به کمال رساند.

۵۷- هوشع ۴: ۱ و ۵: ۱۵ " ای بنی اسرائیل کلام خداوند (یهوه) را بشنوید... من (یهوه) روانه شده، به مکان خود (بهشت) خواهم برگشت تا ایشان (یهودیان) به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) اعتراف نموده، روی مرا بطلبند. در تنگی خود (هفت سال مصیبت) صبح زود مرا خواهند طلبید. " یهوه خدای پسر از آسمان به زمین آمد و از مریم تولد یافته، بصورت انسان وارد این دنیا شد ولی از سوی امت خویش رد شده و مصلوب گردید. عیسی مسیح دوباره قیام کرده و به مکان خود (بهشت) صعود کرد. و هنگامیکه یهودیان به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) در اواخر هفت سال مصیبت پی می برند، نام خداوند را به جهت نجات از مصیبت عظیم خواهند خواند. عیسی خداوند برای نجات آنها بازگشت می کند و در روی زمین سلطنت خود را به مدت ۱۰۰۰ سال از اورشلیم آغاز خواهد کرد.

۵۸- زکریا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳ "یهوه خدای من چنین می فرماید... اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید والا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند... و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه خداوند نزد کوزه گر انداختم. " این پیشگویی در متی ۲۶: ۱۴-۱۶ و ۳-۱۰: ۲۷ هنگامی که یهودای اسخریوطی عیسی مسیح را به سی سکه نقره تسلیم کرد و بعد پشیمان شده و سکه ها را در خانه خداوند نزد کوزه گر بر روی زمین انداخت، به کمال رسید. در عهد عتیق به جهت مزد یهوه خداوند ۳۰ سکه نقره وزن کردند و در عهد جدید عیسی مسیح همان یهوه خداوند بود که آن پیشگویی را به حقیقت رساند.

۵۹- زکریا ۱۲: ۹-۱۰ وقتی که عیسی مسیح بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند، کسی که توسط یهودیان روی صلیب نیزه خورده بود، شناخته خواهد شد. " و در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت هایی که به ضد اورشلیم می آیند،

خواهم نمود.... و بر من (یهوه) که نیزه زده‌اند خواهند نگریست. " این پیشگویی را عیسی مسیح در یوحنا ۱۹: ۳۷ به کمال رساند.

۶۰- زکریا ۱۴: ۳، ۴، ۵، ۹ وقتی که عیسی مسیح بر روی زمین در کوه زیتون بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند شناخته خواهد شد. " و خداوند بیرون آمده، با آن قومها مقاتله خواهد نمود (آیه ۳)... و در آن روز پایه‌های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد (آیه ۳-۴)... و یهوه خدای من خواهد آمد و جمیع مقدسان همراه تو خواهند آمد (آیه ۵)... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد (آیه ۹). " وقتی که عیسی از بالای کوه زیتون به آسمان صعود کرد، دو فرشته به شاگردان عیسی ظاهر شده و به آنها گفتند: "ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید. " (اعمال ۱: ۱۰-۱۲).

۶۱- در زکریا ۲: ۸-۱۱، یهوه خدای پسر دو بار اعلام می کند که یهوه خدای پدر او را نزد اسرائیل فرستاده است. این ثابت می کند که در وجود خدا حداقل دو شخص وجود دارند که هر دو شخص، یهوه هستند.

زیرا یهوه صبايوت (خدای پسر) که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید... (آیه ۸). و شما خواهید دانست که یهوه صبايوت (خدای پدر) مرا فرستاده است (آیه ۹). و من (خدای پسر) در میان تو سکنی خواهم گرفت و خواهی دانست که یهوه صبايوت (خدای پدر) مرا نزد تو فرستاده است (آیه ۱۱).

یهوه خدای پسر همیشه توسط یهوه خدای پدر فرستاده می شود تا اراده و خواسته های او را انجام دهد. در آیه های بالا هر دو شخص به نام یهوه یاد شده اند. این ثابت می کند که عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم، صد در صد یهوه خداوند بود.

۶۲- در زکریا ۳: ۲ " و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! دوباره در این آیه یک شخص از وجود خدا درباره شخص دیگر از وجود خدا سخن می گوید. لطفاً به قواعد آیه بالا توجه کنید که سه شخص در آن آیه حضور دارند: "خداوند (شخص اول) = اول شخص خطاب کننده) به شیطان (شخص دوم) = دوم شخص مخاطب) گفت: ای شیطان خداوند (شخص سوم) = سوم شخص غایب) تو را نهیب نماید!" همچنین اشعیا ۴۸: ۱۶ را ببینید: و الآن خداوند یهوه (خدای پدر) و روحش (روح القدس) مرا (خدای پسر) فرستاده است.

۶۳- ملاکی ۳: ۱ " و خداوندی (عبری: ها آدون = خدا) که شما طالب او می‌باشید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد. " عیسی مسیح هنگامی که در آغاز خدمتش

به عنوان خدا وارد معبد شد، این پیشگویی را به کمال رساند (یوحنا ۲: ۱۳-۱۷ و متی ۲۱: ۱۲، ۱۳).

۶۴- مزامیر ۸۲: ۸ "ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما." در عهد جدید می خوانیم که عیسی داور تمامی جهان خواهد بود که این نشان از الوهیت وی است. یوحنا ۵: ۲۲ "زیرا که پدر بر هیچ کس داوری نمی کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است."

۶۵- هر دو خدا و پسر، یگانه خالق هستند. (ملاکی ۲: ۱۰) "آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟" در عهد جدید می خوانیم که آن خدایی که همه چیز را آفریده عیسی مسیح است. "همه چیز به واسطه او (عیسی مسیح) آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت." یوحنا ۳: ۱.

۶۶- هر دو خدا و پسر، جلال یکسان دارند. (اشعیا ۴۲: ۸) "من بهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد." خداوند جلال خود را به هیچکس نمی دهد، اما در عهد جدید عیسی ادعا کرد که قبل از آفرینش جهان در نزد پدر جلال داشت. "و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم." یوحنا ۱۷: ۵

۶۷- خدای پدر و پسر، صدای یکسان مانند صدای آبهای بسیار دارند. (حزقیال ۴۳: ۲) "و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او (خدای پدر) مثل صدای آبهای بسیار بود و زمین از جلال او منور گردید." (مکاشفه ۱: ۱۵) "و آواز او (خدای پسر) مثل صدای آبهای بسیار؛"

۶۸- خدای پدر و پسر، خدای همه هستند.

- پسر: "... چونکه به وساطت عیسی مسیح که خداوند همه است به سلامتی بشارت می داد،" (اعمال ۱۰: ۳۶)
- پدر: "در آن وقت، عیسی توجه نموده، گفت، ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را ستایش می کنم..." (متی ۱۱: ۲۵)

۶۹- خدای پدر و پسر، هر دو شاهدانی دارند.

• **پدر:** "یهوه می گوید که شما و بنده من که او را برگزیده‌ام **شهود من** می‌باشید." (**اشعیا ۴۳: ۱۰**)

• **پسر:** "لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و **شاهدان من** (عیسی) خواهید بود،" (**اعمال ۱: ۸**)

۷۰- **خدای پدر و پسر، هر دو صخره هستند.**

• **پدر:** " نام **یهوه** را ندا خواهیم کرد... (آیه ۳). او **صخره** است و اعمال او کامل... (آیه ۴). (**تثنیه ۳۲: ۳، ۴**)

• **پسر:** "و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن **صخره مسیح** بود." (**اول قرنتیان ۱۰: ۴**)

۷۱- **دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴** "فیض **عیسی خداوند** و **محبت خدا** و شراکت

روح‌القدس با جمیع شما باد. آمین." ترتیب تثلیثی که در این آیه آمده با ترتیب تثلیثی که در متی ۲۸: ۱۹ هست یکی نیستند بلکه جابجا شده اند. این نشان می‌دهد که در وجود خداوند هیچ کدام از سه شخص (پدر، پسر، روح‌القدس) نسبت به همدیگر ارجحیت ندارند بلکه هر سه شخص تثلیث ذاتاً مساوی و هم رتبه هستند.

۷۲- **میکاه ۵: ۲** پیشگویی می‌کند که دومین شخص ازلی تثلیث می‌بایست در

بیت لحم به دنیا می‌آید. "اما تو ای **بیت لحم** افراشته اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از **تو او** (عیسی مسیح، خدای پسر) خواهد آمد پیش **من** (خدای پدر) که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از **قدیم** و از ایام **ازل** بوده است." پیش رفتنهای عیسی مسیح از قدیم (عبری: قدما = ابدی) و از ایام ازل (عبری: اولام = جاودانی) بوده است. **حقوق ۱: ۱۲** از کلمه مشابه "قدما" برای یهوه استفاده می‌کند. "ای یهوه خدای من! ای قدوس من! آیا تو از **ازل** نیستی؟" عیسی مسیح ازلی و ابدی است و ما می‌دانیم که فقط خدا می‌تواند ازلی و ابدی باشد.

۷۳- همانطور که در آیه بالا خواندیم، **خدای پسر** قسمتی از ذات خداست که از

خدا "پیش می‌رود" یا "بیرون می‌رود" تا با جهان فیزیکی ارتباط برقرار کند، با انسانها ملاقات کند و آنها را رهایی بخشد و یا پیغامی برای ایشان بیاورد و یا حتی آنها را داوری کند.

ا. **پیدایش ۱۱: ۵** "و خداوند **نزول نمود** تا شهر و برجی را که بنی‌آدم بنا می‌کردند، **ملاحظه نماید.**"

ب. **مزمیر ۱۰۸: ۱۱** "آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای؟ و تو ای خدا که با لشکرهای ما **بیرون نمی‌آیی؟**"

- ج. میکاه ۵: ۲ "کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است."
- د. میکاه ۱: ۳ "زیرا اینک خداوند از مکان خود بیرون می آید و نزول نموده، بر مکان های بلند زمین می خرامد."
- ه. هوشع ۶: ۳ "پس خداوند را بشناسیم و به جدّ و جهد معرفت او را تعاقب نماییم. طلوع او مثل فجر یقین است و بر ما مثل باران و مانند باران آخر که زمین را سیراب می کند خواهد آمد."
- و. زکریا ۱۴: ۳ "و خداوند بیرون آمده، با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود."
- ز. اشعیا ۲۶: ۲۱ "زیرا اینک خداوند از مکان خود بیرون می آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند."
- ح. اشعیا ۳۷: ۳۶ "پس فرشته خداوند بیرون آمده، صد و هشتاد و پنج هزار نفر از اردوی آشور را زد و بامدادان چون برخاستند اینک جمیع آنها لاشهای مرده بودند."
- ط. اشعیا ۴۲: ۱۳ "خداوند مثل جبار بیرون می آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی انگیزاند."
- ی. اشعیا ۴۸: ۱۶ "و الآن خداوند بیهوه و روحش مرا فرستاده است."
- ک. اشعیا ۶۱: ۱ "روح خداوند بیهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم."
- ل. زکریا ۲: ۸ "زیرا بیهوه صباوت که مرا بعد از جلال نزد امت هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است."
- م. خروج ۱۹: ۲۰ "و خداوند بر کوه سینا بر قله کوه نازل شد، و خداوند موسی را به قله کوه خواند، و موسی بالا رفت."
- ن. اعداد ۱۱: ۲۵ "و خداوند در ابر نازل شده، با وی تکلم نمود..."
- س. اعداد ۱۲: ۵ "و خداوند در ستون ابر نازل شده، به در خیمه ایستاد، و هارون و مریم را خوانده، ایشان هر دو بیرون آمدند."
- ع. مزامیر ۱۸: ۹ "آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می بود."
- ف. مزامیر ۱۹: ۵ "خیمه ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند."
- ص. دانیال ۵: ۵ "در همان ساعت انگشتهای دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می نوشت دید."

ق. یوحنا ۱۶: ۲۸، ۳۰ "از نزد پدر بیرون آدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارده، نزد پدر می‌روم." (۲۸) .. الان دانستیم که همه چیز را می‌دانی و لازم نیست که کسی از تو بپرسد. بدین جهت باور می‌کنیم که از خدا بیرون آمدی." (۳۰)

۷۴- یوحنا ۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسی که از جانب خداست، او پدر را دیده است." اگر کسی خدای پدر را ندیده باشد، پس پیامبران عهد عتیق چه کسی را به عنوان خدا دیدند و او را پرستش کردند؟

ا. آن خدای پسر بود که با آدم در باغ عدن تکلم نمود و با او قدم زد. "و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ قدم می‌زد" (پیدایش ۳: ۸).
ب. آن خدای پسر بود که با هاجر تکلم نمود. "و او، نام خداوند را که با وی تکلم کرد، «آنتایل رُئی» خواند..." (پیدایش ۱۶: ۱۳).

ت. آن خدای پسر بود که با ابراهیم تکلم نمود. "و خداوند به ابراهیم گفت: «ساره برای چه خندید و گفت: آیا فی الحقیقه خواهم زایید و حال آنکه پیر هستم؟» (۱۳). (پیدایش ۱۸: ۱، ۱۳، ۱۷، ۲۰-۲۲، ۳۳).

ث. آن خدای پسر بود که با یعقوب کشتی گرفت. "و یعقوب آن مکان را «فنیئیل» نامیده، (گفت:) «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.» (پیدایش ۳۲: ۳۰).

ج. آن خدای پسر بود که موسی او را مانند فرشته ای در بوته آتشین ملاقات و پرستش کرد. "و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد." (خروج ۳: ۲) "خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی!.." (خروج ۳: ۴).

ح. آن خدای پسر بود که بنی اسرائیل را در بیابان با ستون ابر در روز و با ستون آتش در شب رهبری کرد. "و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند. (خروج ۱۳: ۲۱). "و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می‌رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، و ستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد." (خروج ۱۴: ۱۹).

خ. آن خدای پسر بود که سروران و مشایخ بنی اسرائیل او را به عنوان خدای اسرائیل مشاهده کردند. "و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت. و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پایهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا. و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد، پس خدا را دیدند و خورندند و آشامیدند." (خروج ۲۴: ۹-۱۱).

د. آن خدای پسر بود که یوشع او را پرستش کرد. این پرستش از سوی او که به عنوان سردار لشکر خداوند معروف بود، مورد قبول واقع شد. "گفت: «نی، بلکه من سردار لشکر

خداوند هشتم که الان آمدم.» پس یوشع روی به زمین افتاده، سجده کرد. " (یوشع ۵: ۱۴).

د. آن خدای پسر بود که **مانوح** ملاقاتش کرد. " و مانوح به زنش گفت: «البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم.» (داوران ۱۳: ۲۲).

ر. آن خدای پسر بود که **اشعیای نبی** در رویا دید. "...چشمانم بپهوه صبا یوت پادشاه را دیده است." (اشعیای ۶: ۵). یوحنا ۱۲: ۴۱ می گوید که آن خدای پسر بود " وقتی که جلال او را دید."

ز. آن خدای پسر بود که **حزقیال نبی** او را مانند انسان در حال نشستن بر تختی مشاهده و او را پرستش کرد. " و بر آن شباهت تخت، شباهتی مثل صورت انسان بر فوق آن بود (۲۶). ... این منظر شباهت جلال پهوه بود و چون آن را دیدم، به روی خود در افتادم (۲۸). " (حزقیال ۱: ۲۶، ۲۸). که بعداً حزقیال متوجه شد که او خدای اسرائیل بوده است (حزقیال ۱۰: ۲۰).

۷۵- در آیه های زیر **خدای پدر و خدای پسر یا همدیگر یا درباره یکدیگر** سخن می گویند. (میکاه ۵: ۲)؛ (اشعیای ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶)؛ (اشعیای ۴۴: ۶)؛ (حزقیال ۴۴: ۱، ۲)؛ (هوزیا ۴: ۱)؛ (هوزیا ۵: ۱۵)؛ (مزامیر ۲: ۴-۹، ۱۲)؛ (مزامیر ۴۵: ۶، ۷)؛ (مزامیر ۱۱۰: ۱)؛ (زکریا ۲: ۸-۱۱)؛ (زکریا ۳: ۱، ۲)؛ (زکریا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳)؛ (زکریا ۱۲: ۴، ۱۰)؛ (عبرانیان ۱: ۶، ۸، ۱۰، ۱۳)؛ (پیدایش ۱: ۲۶)؛ (پیدایش ۳: ۲۲)؛ (پیدایش ۱۱: ۵-۷)؛ (پیدایش ۱۸: ۱۷-۱۷-۲۲).

۷۶- **عیسی مسیح** زمانیکه روی زمین آمد، **دو ذات داشت** (ذات انسانی و ذات خدایی). گاهی اوقات او از ذات انسانی خود استفاده می کرد و اوقاتی دیگر از ذات خدایی خود. **مثال برای ذات انسانی عیسی:** ۱- او مانند یک انسان می خوابید (مرقس ۴: ۳۵-۴۱). ۲- به عنوان یک انسان با پدر آسمانی مناجات می کرد (متی ۱۴: ۲۳). ۳- مانند یک انسان برای مرگ ایلعازر گریه کرده و با مریم همدردی کرد (یوحنا ۱۱: ۳۵) ۴- مانند یک انسان گرسنه می شد و غذا می خورد (مرقس ۱۱: ۱۲-۲۱). ۵- به عنوان یک انسان روی صلیب مصلوب شد (متی ۲۷: ۵۰).

مثال برای ذات خداوندی مسیح: ۱- به عنوان خدا طوفان دریا را آرام کرد (مزامیر ۱۰۷: ۲۹). ۲- روی آب دریا راه رفت (متی ۱۴: ۲۲-۲۷). ۳- ایلعاذر را از مردگان بر خیزاند (یوحنا ۱۱: ۴۰-۴۴) ۴- روی صلیب خورشید را تاریک کرد (متی ۲۷: ۴۵). ۵- تمامی مریضان را شفا داد (متی ۹: ۳۵). ۵- گناهان انسانها را بخشید (متی ۹: ۲).

۷۷- **عیسی مسیح** توسط بسیاری پرستش یافت. (متی ۸: ۲)؛ (متی ۹: ۱۸)؛ (متی ۱۴: ۳۳)؛ (متی ۱۵: ۲۵)؛ (متی ۲۰: ۲۰)؛ (متی ۲۸: ۹، ۱۷)؛ (مرقس ۵: ۶)؛ (لوقا ۲۴: ۵۲)؛ (یوحنا ۹: ۳۸).

سوالات این درس:

۱- سه دلیلی که عیسی مسیح از لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ می آورد را نام ببرید؟

۲- ده مورد از آیه هایی که در کتاب مقدس درباره الوهیت مسیح آمده است را با ذکر آیه ای برای هر کدام، بنویسید؟

درس ۹: خدای پسر در عهد عتیق

عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم به شکل های مختلف به انسانها ظاهر می شد تا مأموریتی که خدای پدر به او سپرده بود را انجام دهد. در آیه های زیر درباره عیسی مسیح و پیشگوییها درباره او خواهیم پرداخت. در نکته ۱ و ۲ خداوند اسم خود را به موسی به عنوان یهوه معرفی می کند که همان خداوند یهوه در عهد جدید به اسم عیسی در جهان ظاهر می شود.

۱- خروج ۲۰: ۱-۳ "و خدا همه این کلمات را خطاب کرده، گفت: **من یهوه هستم**، خدای تو، که تو را از زمین مصر، از خانه غلامی بیرون آورده ام. خدایان دیگر در برابر من نخواهی داشت."

این فرمان اول از ده فرمانی است که خداوند بالای کوه سینا به موسی داد. در این فرمان خداوند تأکید می کند که اسم او فقط یهوه است و نباید خدایی جز یهوه را پرستش کنیم.

۲- خروج ۶: ۱-۳ "سپس خداوند به موسی گفت: الان خواهی دید آنچه به فرعون خواهیم کرد، زیرا با یک دست قوی ایشان را رها خواهد کرد، و با یک دست قوی ایشان را از زمین خود خواهد راند. و خدا به موسی خطاب کرده، و به او گفت: **من یهوه هستم.** و به ابراهیم، به اسحاق، و به یعقوب به نام خدای قادر مطلق ظاهر شدم، لیکن به نام خود، **یهوه**، به آنها شناخته نشدم."

خداوند در این آیه خود را به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بنام خدای قادر مطلق ظاهر کرد یا به عبارت دیگر خداوند خود را به آنها نشان داد. در عهد جدید ما می خوانیم که عیسی مسیح فرمود کسی پدر را ندیده است. "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسیکه از جانب خداست، او پدر را دیده است." (یوحنا ۶: ۴۶). سوالی که پیش می آید اینست که، پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق بسیاری از پیامبران مانند موسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اشعیا، و غیره او را به عنوان خدا مشاهده کرده و او را پرستیدند؟ جواب اینست که آن خود عیسی مسیح بود که قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او خود را به پیامبران عهد عتیق نشان داد و از سوی آنها پرستش شد. عیسی از ازل وجود داشته و تا ابد خواهد بود، زیرا او خداست که به جسم ظاهر شد.

۳- امثال ۳۰: ۴ "کیست که به آسمان صعود نموده، یا نزول کرده؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نموده؟ کیست که آب را در یک جامه بند نموده؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخته؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ اگر می دانی بگو."

قرنها قبل از تولد عیسی مسیح، سلیمان نبی با الهام از روح القدس در کتاب امثال ادعا می کند که خداوند پسر دارد. نام او اشاره می شود به خداوند یهوه و پسر او به عیسی مسیح.

۴- **مزامیر ۲: ۱۲** "یسر را ببوسید مبدا غضبناک شود و شما از طریق هلاک شوید، هنگامیکه غضب او اندکی افروخته شود. خوشبحال همه آنانیکه بر او توکل دارند."

داود نبی که ۱۰۰۰ سال قبل از مسیح زندگی می کرد، در آیه فوق درباره بازگشت دوباره پسر خدا، عیسی مسیح پیشگویی می کند و می گوید که در زمان بازگشت او، می بایست مردم او را ببوسند و به او خوش آمد گویند و او را بپذیرند. و اخطار می دهد که اگر کسی او را رد کند، مورد غضب او واقع شده و هلاک خواهد گردید. ناگفته نماند که بار اول که مسیح وارد این جهان شد، به عنوان بره خدا آمد تا برای گناهان ما قربانی شود و هرکس که او را به عنوان بره و قربانی جایگزین برای گناهان خود بپذیرد، نجات می یابد. اما بار دوم که او دوباره به این جهان بازگشت می کند، دوباره برای مصلوب شدن نمی آید بلکه برای مجازات دجال و شیطان و کسانی که او را نپذیرفتند، می آید.

۵- **دانیال ۳: ۲۴-۲۵** "آنگاه نبوکدنظر پادشاه متحیر شد و با عجله برخاست و خطاب کرد و به مشاوران خود گفت: آیا ما سه مرد نبسته و در وسط آتش نینداختیم؟ آنها جواب دادند و به پادشاه گفتند: صحیح است ای پادشاه. او جواب داد و گفت: اینک من چهار مرد گشاده می بینم که در وسط آتش راه می روند و آسیبی ندیده اند، و منظر چهارمی شبیه **یسر خدا** است."

دانیال نبی یک پیامبر یهودی بود که ۵۸۰ قبل از میلاد کتاب دانیال را نوشت. نبوکدنظر پادشاه بابل در ۵۸۶ قبل از میلاد به اورشلیم حمله کرد و یهودیان را با خود به کشور بابل به اسارت برد. در بابل او مجسمه طلایی ساخت و از مردم خواست که آن مجسمه را تعظیم کنند. ولی سه جوان یهودی از دوستان دانیال به اسمهای شدرک، میشک، و عبد نغو حاضر نبودند که جز خداوند یهوه به احدی تعظیم کنند. بنابراین پادشاه عصبانی شده و دستور داد که دستان آن سه یهودی را ببندند و داخل کوره آتش بیندازند. زمانی که آن سه نفر به کوره آتش انداخته شدند، پادشاه تعجب کرد و دید که چهار نفر در آتش وجود دارند و منظر چهارمی شبیه پسر خدا بود. آن نفر چهارم پسر خدا، عیسی مسیح بود که از آسمان به زمین نازل شد تا آن سه یهودی را از آتش نجات دهد.

۶- **اشعیای نبی ۹: ۶** "زیرا برای ما ولدی زاییده، برای ما پسری داده شده است، و سلطنت بر دوش او خواهد بود. و اسم او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر سرمدی، سرور سلامتی خوانده خواهد شد."

اشعیای نبی که حدود ۷۴۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می کرد، در این آیه او درباره مسیح موعود پیشگویی کرده و می گوید که خدا برای ما ولدی می دهد که از زنی زاییده شده و بصورت انسان وارد این جهان می شود. نه تنها آن نجات دهنده، ۱۰۰٪ انسان خواهد بود بلکه اشعیای نبی می گوید که این نجات دهنده پسری است که به ما داده خواهد شد. و ما می دانیم که آن خدای پدر بود که پسر خود را از آسمان به ما بخشید تا برای گناهان ما بمیرد. پس او که از آسمان و از خدا داده شد، ۱۰۰٪

خدا نیز است. برای همین عیسی مسیح که روی زمین بود گاهی از ماهیت انسانی خود استفاده می کرد و گاهی دیگر از ماهیت خدایی. به عنوان مثال هنگامیکه او خسته می شد، استراحت می کرد و یا تشنه می شد و آب می نوشید چون ۱۰۰٪ مثل ما انسان بود که از ماهیت انسانی خویش استفاده می کرد. گاهی او به عنوان انسان با خدای پدر دعا و راز و نیاز می کرد و یا به عنوان انسان روی صلیب برای گناهان ما مرد. چون او ۱۰۰٪ انسان بود، توانست روی صلیب بمیرد. ولی اوقاتی دیگر او از ماهیت خدایی خویش استفاده می کرد، به عنوان مثال هنگامیکه مریشان را شفا داد، به کوران بینایی داد، ۵۰۰۰ نفر را با ۵ نان و ۲ ماهی سیر کرد، مرده ها را زنده کرد و خیلی معجزات دیگر که نشان از ماهیت خدایی عیسی را داشت. عیسی مسیح قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او از ازل فقط ۱۰۰٪ خدا بود، ولی هنگامیکه او از مریم تولد یافت و بصورت انسان وارد این دنیا شد او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد.

۷- میکای نبی ۵: ۲ "اما تو ای بیت لحم افراته اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از تو او بیرون خواهد آمد پیش من که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است."

ا. در آیه بالا "او" چه کسی است؟ و "من" چه کسی است؟ "او" خدای پسر یعنی عیسی مسیح است که در بیت لحم بدنیا آمد (متی ۲: ۱). و "من" خدای پدر است.

ب. پیش رفتن ها "یعنی چه؟ یعنی اینکه از جایی به جای دیگر رفتن برای انجام کار یا هر وظیفه ای.

ت. چه کسی و از کجا "پیش می رود؟ خدای پسر از وجود خدای پدر جدا شده و از آسمان پیش می رود به هر جاییکه پدر او را بفرستد تا خواسته او را بجا آورد. مثال: خدای پسر از آسمان نازل شد تا سه مرد یهودی را از آتش نجات دهد (دانیال ۳: ۲۴-۲۵).

ث. برای چه مدتی او در حال "بیرون رفتن" است؟ از قدیم و از ایام ازل

ج. این یعنی چه؟ این یعنی عیسی مسیح خدای ازلی است و وظیفه او اینست که از وجود پدر جدا شده و به زمین یا هر کجکشان دیگر که پدر او را می فرستد، روانه شده و تا آن وظیفه را به عمل رساند.

۸- خروج ۳: ۱-۱۴ "و اما موسی گله پدر زن خود، يتورن، کاهن مدیان را شبانی می کرد؛ و او گله را به طرف پشت صحرا راند و به کوه خدا آمد به حوریب. و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. و او نگرست، و اینک آن بوته با آتش می سوخت و بوته از بین نمی رفت. و موسی گفت: اکنون بدان طرف خواهیم شد تا ببینم این منظره عالی را که چرا بوته نمی سوزد. و وقتی خداوند دید که

او برمی گردد تا ببیند، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی! و او گفت: بفرمایید. و او گفت: بدین جا نزدیک نشو، کفشهای خود را از پاهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است. او بیشتر گفت: من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق، و خدای یعقوب. و موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسیده بود که به خدا نگاه کند. و خداوند گفت: من یقیناً مصیبت مردم خود را که در مصر اند دیده ام، و فریادشان را به دلیل سرکاران ایشان شنیده ام، زیرا غمهای ایشان را می دانم. و من پایین آمده ام تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و تا ایشان را از آن زمین به زمین خوب و وسیع بیاورم، به زمینی که به شیر و عسل جاری است، به مکان کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزبان و حویان و یوسیان. و موسی به خدا گفت: اینک وقتی من نزد بنی اسرائیل آیم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و آنها به من بگویند، نام او چیست، بدیشان چه بگویم؟ و خدا به موسی گفت: من هستم آنکه هستم. و او گفت: پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است.

من هستم یعنی: "من تا ابد همان خواهیم بود که امروز هستیم، تغییرناپذیر و ابدی." در این متن خداوند خود را ۱۵۰۰ قبل از میلاد، به پیامبر موسی ظاهر کرد و اسم خود را به عنوان "من هستم" یا به زبان عبری "یهوه" معرفی کرد و گفت "این است اسم من تا ابد الآباد." بنابراین اسم خداوند "من هستم" یا همان یهوه است.

۹- ۱۵۰۰ سال بعد از زمانی که خدا خود را به اسم "من هستم" یا "یهوه" به موسی معرفی کرد، عیسی مسیح از مریم تولد یافت و با معجزات فراوان مورد حسد فریسیان مذهبی قرار گرفت. آنها دیدند که مسیح با معجزات خود طرفداران زیادی پیدا می کند و موقعیت و جایگاه فریسیان بین مردم خدشه دار می شود، خواستند توطئه ای بچینند تا او را دستگیر کرده و به قتل رسانند. عیسی به آنها گفت که شما ادعا می کنید که فرزندان ابراهیم هستید ولی اعمال شیطان را بجا می آورید. او ادعا کرد که ابراهیم ۲۱۶۰ قبل از میلاد، وی را دید و خوشحال شد. فریسیان گفتند، "تو هنوز ۵۰ سال هم نداری و ادعا می کنی که جد ما ابراهیم را دیده ای؟" که عیسی در آیه زیر با این سخنان جواب آنها را داد: "عیسی بدیشان گفت: برستی برستی به شما می گویم، قبل از اینکه ابراهیم بود، من هستم. سپس آنها سنگها برداشتند تا به او پرتاب کنند. اما عیسی خودش را مخفی ساخت و از معبد بیرون رفت از میان آنها گذشته و همچنین

رد شد. "یوحنا ۸: ۵۷-۵۸

عیسی ادعا کرد که همان خدایی است که ۱۵۰۰ سال قبل به موسی خود را به عنوان "من هستم" معرفی کرد.

۱۰- یوحنا ۸: ۲۴ "از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد. زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد."

در این آیه عیسی مسیح می فرماید که اگر او را به عنوان "من هستم" یعنی خداوند یهوه باور نداشته باشیم، در گناهان خود خواهیم مرد و می دانیم که اگر کسی با گناهان خود بمیرد، در جهنم هلاک خواهد شد. پس باید فقط او را به عنوان خدای خود قبول کنیم و دین و خدایان دیگری که به اسمهای مختلف در دنیا هستند را رد کنیم.

۱۱- اشعیای نبی ۴۸: ۱۲-۱۶ "به من گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخر هستم. دست من همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می خوانم، با هم برقرار می باشند. همگی شما جمع شوید، و بشنوید. کیست از میان ایشان که این چیزها را بیان کرده است. خداوند او را دوست داشته است. او مسرت خود را بر بابل بجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان خواهد بود. من حتی من تکلم نموده ام. آری من او را خوانده ام. من او را آورده ام و او راه خود را کامران خواهد ساخت. بیاید نزدیک من، این را بشنوید. از ابتدا من در خفا تکلم نموده ام، از زمانی که بود من وجود داشتم. و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است."

در آیه آخر خداوند یهوه کیست؟ یهوه خدای پدر

روحش کیست "یهوه خدای روح القدس

مرا کیست؟ یهوه خدای پسر

این متن ۲ چیز را اثبات می کند: اول اینکه خدای واحد خدای تثلیث یا سه گانه است. و دوماً خدای پسر یا همان عیسی مسیح خالق است، همانطور که در ابتدای متن او می فرماید که اول و آخر است و او بنیاد زمین را گذاشت و آسمانها را گسترانید.

سوالات این درس:

- ۱- فرمان اول از ده فرمان که در خروج ۲۰: ۱-۳ آمده است را بنویسید؟
- ۲- چه کسی خود را در عهد عتیق به ابراهیم، اسحاق و یعقوب ظاهر کرد؟
- ۳- نام او و پسر او در امثال ۳۰: ۴ به چه کسانی دلالت دارد؟
- ۴- در مزامیر ۲: ۱۲ واژه پسر کیست و این پیشگویی به چه زمانی اشاره می شود؟
- ۵- چهارمین شخص در دانیال ۳: ۲۴-۲۵ چه کسی است و چه سالی این حادثه رخ داد؟
- ۶- در اشعیای ۹: ۶ "ولدی زاییده و پسری داده شده است" به چه کسی دلالت دارد و معنی آنها چیست؟
- ۷- میکای نبی ۵: ۲ درباره چه چیزی پیشگویی می کند؟

۸- در خروج ۳: ۱-۱۴ خداوند به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد و معنای آن چیست؟

۹- در یوحنا: ۸: ۵۸ عیسی مسیح به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد؟

۱۰- همانگونه که در یوحنا: ۸: ۲۴ آمده، اگر باور نداشته باشیم که عیسی مسیح "من هستم" (یهوه) است، چگونه خواهیم مرد؟

۱۱- اشعیا: ۴۸: ۱۲-۱۶ دو چیز را اثبات می کند، لطفاً آنها را بنویسید؟

درس ۱۰: تولد دوباره

تعریف: تولد دوباره کامل کننده عدالت مطلق خدا و تنها راه رسیدن به بهشت است.

الف - معنای تولد دوباره

عدالت مطلق دیدگاهی است که مربوط به زندگی ما می شود و آن "عدالت زندگی" نامیده می شود (رومیان ۵: ۱۸). تغییر دل و افکار انسان از دیدگاه خداوند، باززایی یا همان تولد دوباره نامیده می شود. این از دیدگاه انسان "تغییر باور" نامیده می شود. تولد دوباره را می توان به این نحو تعریف نمود که، آن یک ارتباط الهی با انسان است (یوحنا ۳: ۵؛ ۱۰: ۱۰، ۲۸؛ اول یوحنا ۵: ۱۱) و علاوه بر ارتباط به او ذات نو نیز می بخشد (دوم پطرس ۱: ۴) و همچنین دل نو نیز می بخشد (ارمیا ۲۴: ۷؛ حزقیال ۱۱: ۱۹؛ ۳۶: ۲۶) و انسان را خلقت تازه می کند (دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۴: ۲۴). این زندگی روحانی نو بر قوه درک او تأثیر می گذارد (اول قرنتیان ۲: ۱۴؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ کولسیان ۳: ۱۰). آن بر اراده و خواسته او نیز تأثیر می گذارد (فیلیپیان ۲: ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۵؛ عبرانیان ۱۳: ۲۱). آن همچنین بر احساسات او نیز تأثیر می گذارد (متی ۵: ۴؛ اول پطرس ۱: ۸).

ب - لزوم تولد دوباره

کتاب مقدس بارها تأکید می کند که شخص قبل از اینکه بتواند خدا را ببیند، باید از نو متولد شود. این ادعای کتاب مقدس با دلایل و آگاهی های ویژه انجام شده است. قدوسیت، شرط ضروری برای مشارکت با خداست. کتاب مقدس در عبرانیان ۱۲: ۱۴ می گوید، "در پی صلح با همه بکشید و تقدسی که بغیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید." اما همه انسانها ذاتاً گناهکار و فاسد گردیده اند و اخلاقشان ضایع و تباه شده است و بر علیه خداوند گناه ورزیده اند. بنابراین انسانها طبیعتاً نمی توانند وارد ارتباط و مشارکت با خدا شوند. اما تغییر اخلاق در انسانها می تواند فقط از طریق روح خدا که به روح القدس معروف است، صورت پذیرد. او دل انسان را از نو متولد کرده و حیات و ذات نو به آن می بخشد. کتاب مقدس این تجربه یک شخص را تولد نو می نامد که شخص فرزند خدا می گردد. عیسی مسیح فرمود، "آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند ببیند." (یوحنا ۳: ۳؛ ۱: ۱۲؛ اول یوحنا ۳: ۱).

همه انسانها ذاتاً پسران سرکش (افسیان ۲: ۲)، فرزندان غضب (افسیان ۲: ۳)، پسران این جهان (لوقا ۱۶: ۸)، و فرزندان ابلیس (اول یوحنا ۳: ۱۰؛ متی ۱۳: ۳۸؛ ۲۳: ۱۵؛ اعمال ۱۳: ۱۰) هستند. عنوان آخر (فرزندان ابلیس) مخصوصاً اشاره می شود به کسانی که مسیح را به عنوان خدا و نجات دهنده خود رد می کنند (یوحنا ۸: ۴۴). فقط

تولد دوباره می تواند در انسان گناهکار ذات مقدس بوجود آورد تا او بتواند تغییر یابد و با خدا رابطه برقرار کند.

ج- وسیله های تولد دوباره

کتاب مقدس این تولد دوباره را عملی از سوی خداوند می خواند. اما مفاهیمی هستند که در آن تجربه شرکت دارند.

۱- **اراده خدا.** ما از اراده خدا تولد می یابیم (یوحنا: ۱: ۱۳). یعقوب در این باره می گوید، "او محض اراده خود ما را به وسیله کلمه حق تولید نمود، تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم" (یعقوب ۱: ۱۸).

۲- **مرگ و رستاخیز عیسی مسیح.** شرط تولد دوباره در ایمان به مسیح مصلوب شده است (یوحنا: ۳: ۱۴-۱۶)، و همچنین ایمان به قیام عیسی مسیح از مردگان بطور مساوی برای تولد دوباره نیاز است (اول پطرس ۱: ۳).

۳- **کلام خدا.** پطرس در این باره می گوید، "از آنرو که تولد تازه یافتید، نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی، یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدآباد باقی است." (اول پطرس ۱: ۲۳؛ یعقوب ۱: ۱۸). پولس رسول همچنین می گوید، "تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید،" (افسیسیان ۵: ۲۶؛ تیطس ۳: ۵). بعضی از مسیحیان بر این باور هستند که غسل تعمید برای تولد دوباره ضروری است اما آن عمل، تولد دوباره را وابسته به اعمال شخص می کند که آن کار خداوند را تباه و بی فایده بشمار می آورد. در اعمال ۱۰: ۴۷ بطور واضح کرنیلیوس قبل از اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره پیدا کرد. دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره یافت و راهی بهشت شد (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳).

۴- **خادمان کلام.** خداوند از ایمانداران در مراحل نجات انسان استفاده می کند. سهم آنها اینست که به سادگی تمام پیام انجیل را به مردم اعلام کنند تا آنها بتوانند پیام را بشنوند، و به آن ایمان آورند و نام خداوند عیسی را بخوانند و در نهایت نجات یابند (رومیان ۱۰: ۱۴؛ اول قرتیان ۴: ۱۵؛ فلیمون ۱۰؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

۵- **روح القدس.** عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره روح القدس می باشد (یوحنا: ۳: ۵؛ تیطس ۳: ۵؛ اعمال ۱۶: ۱۴؛ رومیان ۹: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۳). کتاب مقدس به خودی خود این اراده را تحمیل نمی کند، علاوه بر آن دل شخصی که تولد نو ندارد از حقیقت کلام خدا متنفر است تا اینکه روح القدس در آن شخص کار کرده و او را از گناهانش محکوم کند تا او چشمانش به حقیقت کلام خدا باز شده و نیاز به نجات دهنده را در خود ببیند.

د- **ثمرات تولد دوباره.** کتاب مقدس می گوید که تولد دوباره باعث به بار آمدن چندین ثمرات می شود. آن ثمرات را با مشاهده زندگی یک شخص می توان آزمایش کرده و بدانیم که آیا او واقعاً تولد دوباره دارد یا نه. آن ثمرات تولد دوباره عبارتند از:

۱- **کسی که از خدا تولد می یابد بر وسوسه ها غلبه می کند (اول یوحنا: ۳: ۹؛ ۴: ۱۸).** زمان حالی که در آن آیه ها استفاده شده است مبنی بر پیروزی همیشگی دارد. در نتیجه شخص از نو متولد شده شروع به اعمال عادلانه می کند. گرچه این بدین معنا نیست که او کاملاً بی گناه می شود.

۲- **طرز افکار شخص دوباره تولد یافته با دیگران فرق می کند.** او بطور دائم برادران و خواهران ایماندار خود را دوست می دارد (اول یوحنا: ۵: ۱). او بطور دائم خدا را دوست داشته و عاشق او می شود (اول یوحنا ۴: ۱۹؛ ۵: ۲). او کلام خدا را دوست می دارد (مزمیر ۱۱۹: ۹۷؛ اول پطرس ۲: ۲). او دشمنانش را دوست می دارد (متی ۵: ۴۴). او کسانی که نجات نیافته اند را دوست می دارد (دوم قرنتیان ۵: ۱۴).

۳- **شخص از نو تولد یافته همچنین با فرزند خدا بودن و از معاش زندگی که خدا برای او تأمین می کند، لذت می برد (متی ۷: ۱۱؛ لوقا ۱۱: ۱۳).** او از یافتن اراده خدا در زندگی خود لذت می برد (اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۳؛ افسسیان ۱: ۹). او از دوری کردن از گناه لذت می برد (اول یوحنا: ۵: ۱۸).

۴- **شخص از نو تولد یافته همچنین میراث خدا و هم ارث مسیح می باشد (رومیان ۸: ۱۷).** گرچه او هنوز وارث آن میراث خدا که در آینده رخ می دهد، نشده است ولی خدا به او هدیه روح القدس را به عنوان نشانه ارث خود داده است (افسسیان ۱: ۱۳). آن ثمرات شاید بطور واضح و در ظاهر دیده نشود ولی آن ثمرات برای شخص تولد یافته بسیار واقعی است.

سوالات این درس:

۱- تولد دوباره را تعریف کنید؟

۲- آیا تولد دوباره برای انسان ضروری است؟ چرا؟

۳- تولد دوباره چه تأثیری بر زندگی انسان می گذارد؟

۴- همه انسانها ذاتاً چگونه هستند، با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۵- کتاب مقدس کسانیکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود رَد می کنند را چه می نامد؟ آیه ای را بنویسید؟

۶- چه چیزهایی در تولد دوباره انسان شرکت دارند؟

۷- آیا غسل تعمید برای تولد دوباره انسان ضروری است؟ با آیه ای دلیل بیاورید؟

۸- سهم خادمان کلام در نجات انسانها چیست؟ آیه ای را در این باره بنویسید؟

۹- عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره چه کسی می باشد؟ آیه ای را بنویسید؟

۱۰- ثمرات تولد دوباره کدامند؟

آیه های کلیدی این درس: یوحنا ۳: ۵-۳؛ اول پطرس ۱: ۲۳؛ تیتس ۳: ۵

Watch youtube explanation: "Stop Tract-Howto be sure of Heaven(part1,2)"

ایست!

و فکر کن! "زندگی جاودان را کجا سپری خواهی کرد"



هدیه خداوند زندگی جاودانه است.

آیا آن را دریافت کرده اید؟

عیسی مسیح گفت: "بیائید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و

گرانباران و من به شما آرامش خواهم داد." متی ۱۱: ۲۸

"خداوند را مادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. شریک راه خود را، گناهکار افکار خویش را ترک نماید و بسوی خداوند بازگشت کند و او بر وی رحمت خواهد نمود و بازگشت کند بسوی خدا، زیرا او به فراوانی خواهد بخشید." اشعیا ۵۵: ۶ و ۷

چگونه ما می توانیم مطمئن شویم که زندگی جاودان داریم؟
ما باید ۴ اصل را بدانیم:

۱. همه گناه کرده اند

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند . رومیان: ۳: ۲۳

اینها گناه هستند:

۱. خدای دیگری نیست.
۲. هیچ تصویر حکمتی شده ای از او نیست.
۳. بیپرده نام خدا را نبرد.
۴. روز سبت را یاد داشته باش.
۵. به پدر و مادر احترام کن.

۶. قتل نکن
۷. زنا نکن
۸. زنی نکن
۹. دروغ نگویند
۱۰. چشم طمع نداشته باشید



محروم بودن از معیار کامل خدا



جدایی از خدا



به بیراهه رفتن

طاعت نکردن از احکام خداوند.
(کتاب مقدس) گناه است

- ما همه گناهکاران بزرگی هستیم در مقایسه با قدوسیت خداوند.
- سوال ۱) آیا می خواهی خدای کتاب مقدس خدای تو باشی؟
سوال ۲) آیا می خواهی از گناهان روی برگردانی و به سوی خداوند بیایی؟ (توبه یسئیمانی)

۲ - مجازات گناه مرگ است

زیرا مزد گناه مرگ است اما هدیه خداوند حیات جاودان است از طریق عیسی مسیح خداوند ما . رومیان: ۶: ۲۳
آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد، این است مرگ دوم . مکاشفه ۲۰: ۱۴

توضیح: زیرا همه گناه کرده ایم و قانون خداوند میگوید که ما به سوی مرگ و دریاچه آتش می رویم . این خیر بدی است و من و تو نمیخواهیم به دریاچه آتش برویم..



مرگ دوم



مرگ اول

و قتیکه از دنیا میرویم



صفحه ای که بر می گردد،

صفحه قبلی پاک نمیشه

آیا راهی برای نجات وجود دارد؟ بلی
خداوند برای ما هدیه رایگان یعنی زندگی جاودانه
را از طریق عیسی مسیح وعده داده است نه از طریق کارهای نیک یا از هر مذهبی.

زیرا بوسیله فیض نجات یافته اید از طریق ایمان؛
و آن از خودتان نیست؛ آن هدیه خداست؛

نه از اعمال مبدا کسی به خود ببالد. افسسیان ۲: ۸، ۹

هدیه خداوند رایگان است که می توانید بپذیرید یا رد کنید .

زندگی جاودانه یعنی شناختن خداوند به شخصه و رفتن به بهشت هنگامیکه خواهیم مرد.

بنابراین قانون خداوند میگوید ما باید به دریاچه آتش برویم و اما محبت خداوند از ما میخواهد که به بهشت برویم . توجه کنید که خداوند چگونه بخشش و زندگی ابدی را برای ما به صورت رایگان ارزانی داشته است.

۳- عیسی تمامی مجازات ما را به خود گرفت.

"اما خدا بحیث خود را برای ما نایت میکند در آن موقع که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد." رومیان ۸: ۵

عیسی نجات دهنده کل بشریت است.

-عیسی آماده است که نجات دهنده تو نیز باشد.

توجه: خداوند همه گناهان ما را در گذشته، حال و آینده گرفت و بر روی مسیح گذاشت.

جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه همه ما را بر وی نهاد. اشعیا ۵۳: ۶

عیسی مجازات کامل همه گناهان ما را روی صلیب برداشت بجای ما که باید در دریاچه آتش تا ابد مجازات می شدیم.

اما به سبب تقصیرهای ما او مجروح شد. به سبب گناهان ما او کوفته گردید: تأدیب سلامتی ما بر وی بود و با زخمهای او ما شفا یافته ایم. اشعیا ۵۳: ۵

الآن مسیح نجات دهنده کل بشریت است.

اکنون در بهشت برای همه انسانها باز است که داخل شوند.

اما چگونه ما می توانیم داخل بهشت شویم؟

کسانی که:

۴. الف) اعتقاد داشته باشند که عیسی مسیح:

- خدای پسر است (۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان)
 - برای گناهان ما مرد
 - بعد از مرگ دوباره زنده شد
- (ب) عیسی مسیح را بعنوان منجی دریافت کنند.

بخشش و زندگی جاودانه حالا داده می شود.

این بدین معنا است که حالا شما خون قربانی شده مسیح بر روی صلیب را بعنوان ادای پرداخت شده برای کل گناهانتان قبول کنید، به عیسی بعنوان نجات دهنده اعتقاد داشته باشیم، نه به کارهای نیک یا به هر مذهبی.



ما می توانیم مطمئن باشیم که این وعده ها توسط خداوند در کتاب مقدس به ما داده شده است.

- سوال:** بر این آیه ها چه کاری باید ما انجام دهیم و خدا چه چیزی به ما عطا خواهد کرد؟
- ۱- اما همه کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یوحنا: ۱۲
 - ۲- زیرا هرکه نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. رومیان ۱۰: ۱۳
 - ۳- آنکه پسر را دارد، حیات را دارد؛ و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را ندارد.
- ... تا بدانید که حیات جاودانی دارید. " اول یوحنا ۵: ۱۲، ۱۳



عیسی مسیح فرمود:
براستی براستی به شما می گویم،
هرکه کلام مرا بشنود و به او که مرا
فرستاده است ایمان آورد،
حیات جاودانی دارد
و به محکومیت نخواهد آمد، بلکه
از مرگ به حیات منتقل خواهد گشت
یوحنا: ۵: ۲۴

انتخاب با شماست اکنون هدیه حیات جاودان را می توانید داشته باشید با قبول کردن عیسی مسیح به عنوان منجی و دعا کردن به خدا به مانند دعای نیل :

ای خداوند قادر مطلق، من در اندیشه، گفتار و کردار علیه تو گناه کرده ام. متأسفم بخاطر اینها و از عیسی مسیح می خواهم تا همه گناهان مرا ببخشد. و حالا ای عیسی مسیح تو را بعنوان نجات دهنده و خداوند دریافت میکنم و اکنون اسم تو را می خوانم تا:

- مرا از گناهانم و دریاچه آتش نجات دهی.
- وقتی که می میرم مرا به بهشت ببری.
- و حالا به من هدیه زندگی جاودان را عطا کن.

و حالا ای عیسی مسیح، قلبم و زندگی ام را بر روی تو می گشایم که بیایی و نجات دهنده، دوستم و خدای من برای همیشه باشی. همه این دعاها را در نام عیسی مسیح می طلبم. آمین

امضا:

تاریخ:

عیسی گفت: من به ایشان زندگی جاوید می بخشم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد، هیچکس نیز نمی تواند ایشان را از دست من بگیرد. یوحنا ۱۰: ۲۸

سوال ۱: آیا عیسی مسیح را بخاطر نجات گناهان خواندی؟ آیا صلوات بودی؟ در رومیان ۱۰: ۱۳ خداوند برای شما چه کاری انجام داد؟ از چه چیزی نجات یافتید؟ اگر همین حالا شما بمیرید، کجا خواهید رفت؟ چرا؟ و اینک که نجات یافته اید آیا فکر می کنی امکان از دادن زندگی جاوید وجود دارد؟ به یوحنا ۱۰: ۲۸ (بالا) نگاه کن. هرگز هلاک نخواهند شد به چه معناست؟

«اگر با زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» رومیان ۱۰: ۹

سوال ۲: چگونه می توانی خدا را بهتر بشناسی؟ مطالعه کتاب مقدس بصورت هر روز (اول پطرس ۲: ۲)؛ صحبت کردن با خدا؛ شرکت کردن در جلسات مطالعه کتاب مقدس در کلیسا (عبرانیان ۱۰: ۲۵، ۲۴)؛ به دیگران گفتن که مسیح چگونه می تواند آنها را نجات دهد؛ غسل تعمید گرفتن (اعمال رسولان ۱۰: ۴۷، ۴۸)؛ به دیگران گفتن که تو نجات یافته ای (رومیان ۱۰: ۹)؛ فراموش کردن و مطیع عیسی مسیح باشی. اگر تو تصمیم گرفته ای که عیسی مسیح نجات دهنده تو باشد، لطفا برای ما به درس زیر اطلاع دهید تا ما بتوانیم برای شما نوشجات بفرستیم برای شناخت بهتر خدایمان عیسی مسیح. سرویس توبوس کلیسا هر یکشنبه ساعت ۹ صبح از جلوی کتابخانه پاراماتا و سرویس فرسوس زین ساعت ۳: ۳۰: ۹ می باشد

LIBERTY BAPTIST CHURCH, P.O. Box 188, Cherrybrook NSW2126. Ph (02) 9875 4321.
Meeting at Cnr North Rocks Rd & Farnell Ave, North Rocks. Visit us on Sundays at 9:30 am & 6pm.

www.answersbook.org and www.libertybaptistchurch.org.au